

امام مهدي (عج)

نام کتاب امام مهدي (عج)
مؤلف رسول رضوی
تهیه کننده مرکز مطالعات فرهنگی حوزه علمیه
ناشر مرکز مدیریت حوزه علمیه
برگرفته از سایت اندیشه قم
تاریخ چاپ ۱۳۸۴

مصلح موعود در ادیان

مصلح موعود در آیین زرتشت

آیا در آیین زرتشت، مصلح موعود وجود دارد؟

«موعود» به کسی گویند که در يك یا چند دین آمدنش بشارت داده شده است. این شخص برای اصلاح امور انسان ها، مبارزه با کژی ها و ناراستی ها، ریشه کن کردن ظلم و ستم و برقراری صلح، دوستی و عدالت در جهان می آید؛ لذا او را «مصلح» می نامند. در آیین زرتشت نیز به ظهور مصلح و منجی آخرالزمان تأکید شده است. بشارت های مختلفی در این آیین از آمدن مردی الهی و درستکار خبر می دهند که با ظهورش، صلح و راستی را بر عالم، حاکم خواهد ساخت.

در آیین زرتشت سه موعود وجود دارد که آنها را «سُوشیانت» می نامند و به ترتیب عبارت اند از: «هوشیدر» پرورانندهی قانون، «هوشیدر ماه» پرورانندهی نماز و نیایش و «استوت ارت» آخرین منجی که با آمدنش جهان نو می شود.

طبق تعالیم آیین مذکور، مهم ترین سُوشیانت، همان کسی است که در آخرالزمان ظهور می کند، چنان که گفته اند: سوشیانت مَرَدیسان به منزلهی کریشنای بَرَهمنان، بودای پنجم بودائیان، مسیح یهودیان فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.^۱

سوشیانس، یا سوشیانت به معنای خاص کسی است که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و آن که سوشیانت پیروزگر نام خواهد داشت، استوت ارت نیز نامیده خواهد شد.^۲ در اوستا کلمه‌ی سوشیانت حداقل هشت بار و استوت ارت حداقل دو بار ذکر شده است.^۳ در آن جا برای این مصلح موعود، صفات گوناگونی ذکر شده است؛ از جمله:

۱. «در آن هنگام که مردان دیگر بار برخیزند و بی مرگی به زندگان روی آورند «سوشیانت» پدیدار شود و جهان را به خواست خویش نو کند».^۴

۲. «بدان هنگام که «استوت ارت» پیک مزدا اهوره - پسر «ویسپَ تَورویری» از آب کیا نسیه برآید، گریزی پیروزی بخش برآورد که فریدون دلیر، هنگام کشتن «آزی دَهاک» داشت».^۵

۱. ر.ک: محمدرضا حکیم، خورشید مغرب، ص ۵۳، و حسین توفیقی، آشنایی به ادیان بزرگ،

ص ۶۶.

۲. اوستا، دفتر سوم، فروردین پشت، بند ۱۱، (ج ۱، ص ۴۰۵ - ۴۳۰).

۳. ر.ک: اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه.

۴. اوستا، زامیاد پشت، بند ۱۱، (ج ۱، ص ۴۸۷).

۳. «یاران» استوت اربت پیروزمند بدرآیند؛ آنان نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و نیک دین اند و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند.^۶

از موارد یاد شده استفاده می شود که در اوستا، علاوه بر بشارت ظهور مصلح در آخرالزمان، به صفاتی چون پیروزگر بودن موعود، قیام با شمشیر و دارای یارانی با خصال نیک اشاره دارد. برای آگاهی بیش تر، باید به دیگر کتاب های زرتشتیان، که در تفسیر اوستا و تبیین این آیین نوشته شده اند، رجوع کرد؛ از جمله:

۱. در کتاب معروف «زند»^۷ پس از ذکر مبارزه ی همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» آمده است: ... آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان [خداپرستان] می شود و اهریمنان را منقرض می سازند... پس از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصل خود رسیده بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.^۸

در این متن، همانند اوستا به ظهور مصلح آخرالزمان و به ذکر کلی مسئله ی ظهور مصلح موعود اشاره نموده است.

۲. جاماسب^۹ در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می کند: از زمین تا زیان (عرب) از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق بیرون آید و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.^{۱۰}

این سخن به صراحت اوصاف مصلح موعود را ذکر می کند که اولاً، از سرزمین عرب ظهور خواهد کرد؛ ثانیاً، از اولاد هاشم است؛ ثالثاً، بر آیین جد خویش بوده و در نهایت، با قدرت و به نیروی

۵. اوستا، زامیاد پشت، بند ۹۳، (ج ۱، ص ۵۰۲).

۶. اوستا، زامیاد پشت، بند ۹۵.

۷. زند؛ شرح، بیان، گزارش و تفسیر اوستا است که در عهد ساسانیان به زبان پهلوی نوشته شده است. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۵، ص ۶۵۶.

۸. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۳۸. این کتاب که در اواخر حیات آیه الله العظمی بروجردی تألیف شد به شدت از سوی آن بزرگوار مورد استقبال و مؤلفش بارها مورد تشویق قرار گرفت. در چاپ های بعدی، برخی علما تقریظ هایی بر این کتاب نوشتند؛ مثلاً مرحوم علامه طباطبایی در مقدمه این کتاب می نویسد: «آری خداوند عزّ اسمه این افتخار را نصیب عالم فاضل، محقق بارع، خطیب شهیر آقای محمد صادقی - لسان المحققین لازال مویداً فی لسانه و بیانه - نمود که کتاب شریف بشارات عهدین را تألیف و بشارات نبوت را با تحقیقی انیق و بحثی عمیق از مصادر اصلی با مدارک کافیه استخراج نموده و... این بنده، به نوبه خود، در برابر این شاهکار گرانیها از معظم له شکرگزاری نموده و...»

۹. در سنت زرتشتیان، جاماسب از خاندان هوگوه و بردار فر شوشتر بود که هر دو برادر، وزیر گشتاسب بودند. جاماسب با دختر زردشت به نام پورچیست ازدواج کرد. وی در ادبیات ایران و عرب به لقب فرزانه و حکیم خوانده شده است و پیش گویی هایی بدو نسبت داده اند که در رساله پهلوی «یادگار زیران» و «گشتاسب نامه دقیقی» و «جاماسب نامه» آمده است. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۴۱۹.

۱۰. بشارات عهدین، ص ۲۴۳ - ۲۴۴. مؤلف کتاب مذکور در پاورقی نوشته است که آن چه از جاماسب نامه در این کتاب نقل می شود از نسخه خطی است که در کتابخانه ملی ملک دیده ام که در ده قرن گذشته نوشته شده است.

قهر، نهضت خود را آغاز خواهد کرد. این اوصاف، همان اوصافی است که در احادیث برای امام مهدی (عج) ذکر شده و منطبق بر آن حضرت است؛ لذا اگر چه مطالب اوستا و زند تنها به ظهور منجی آخرالزمان اشاره دارند، ولی با توجه به متن جاماسب نامه می توان ادعا نمود که موعود آیین زرتشت، همان موعود دین اسلام است.

مصلح موعود در ادیان هند

س: آیا در کتاب های هندیان و برهمنیان، به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟

ج: بیش تر ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود و چون طبعاً و فطرتاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است و همانند احجار به سوی پایین حرکت می کند، نمی تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد؛ پس به ناچار روزی يك شخصیت معنوی بلندپایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد در تعالیم هر دینی به صورت رمز به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین های دیگر، توافق و هماهنگی کامل دارد.^{۱۱}

آیین ها و ادیان هندی نیز همانند سایر ادیان، درباره ی ظهور مصلح موعود مطالب متنوع و متعددی دارند که در کلیات، با وعده ها و بشارت های سایر ادیان مطابقت دارد؛ البته نباید انتظار داشت که همه ی این آیین ها در جزئیات مسئله نیز با هم توافق داشته باشند. چون منظور آگاهی از بشارت ظهور مصلح آخرالزمان در این آیین هاست. که به چند مورد اشاره می شود:

۱. در کتاب «وشن جوک» آمده است:

سرانجام دنیا به کسی برمی گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او "فرخنده" و "خجسته" باشد.^{۱۲}

۲. در کتاب «دید» در مورد مصلح آخرالزمان آمده است:

پس از خرابی دنیا، در آخر زمان پادشاهی پیدا شود که نامش منصور است و پیشوای خلاق تمام عالم را می گیرد و به دین خود آورد و همه کس را، از مؤمن و کافر، بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.^{۱۳}

۳. در کتاب «دداتک» نوشته شده است:

۱۱. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۴.

۱۲. ناصر مکارم شیرازی، انقلاب جهانی مهدی (عج)، ص ۵۴.

۱۳. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۴۵.

... دست حق در آید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد. همه جا و خلائق را هدایت کند.^{۱۴}

۴. در کتاب زبدة المعارف و ذخیره الالباب «پاتیکل» — که از بزرگان هندوست — نقل شده که چون مدت روز تمام شد، دنیای کهنه، نو شود و زنده گردد و صاحب ملك تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان، یکی ناموس آخرالزمان و دیگری صدیق اکبر، یعنی وصی بزرگ تر که «پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملك تازه «راهنما» باشد به حق پادشاه شود و خلیفه «رام»^{۱۵} باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند، در نزد رام، سرخ روی باشد...^{۱۶}

۵. در کتاب «باسک» نیز چنین آمده است:
دو دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد و راستی حق با او باشد و آن چه در دریا و زمین و کوه ها پنهان باشد همه را به دست آورد و از آسمان ها و زمین آن چه باشد خبر می دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید.^{۱۷}
در آیین بودا نیز دوره های متعددی وجود دارد؛ ولی «مسئله‌ی انتظار در این آیین مطرح است و شخص مورد انتظار آنها، بودای پنجم است.»^{۱۸}

پس آیین های مختلف هندی به ظهور مصلح و منجی در آخرالزمان اعتقاد دارند و هواداران خود را به آن بشارت داده اند که می توان اوصاف ذکر شده برای این مصلح را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در کتاب های آیین های هندی، مصلح موعود بعد از آن که عالم پر از ظلم و فساد شد، آن را پر از عدل و داد خواهد کرد.
۲. خداوند از او پشتیبانی و خواسته هایش را اجابت می کند.
۳. حکومت او عالم گیر است و همه‌ی مردم را هدایت خواهد کرد.
۴. تمام نعمت های زمین و آسمان را به دست خواهد آورد و در دوران او، همه از نعمت های فراوان الهی برخوردار خواهند بود.
۵. از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان است که اولی ناموس آخرالزمان و دومی صدیق اکبر و وصی بزرگ تر ناموس آخرالزمان است.
۶. معجزه های بسیار می آورد.

۱۴. انقلاب جهانی مهدی (عج)، ص ۵۵.

۱۵. رام در لغت سانسکریتی، نام خداوند است.

۱۶. بشارت عهدین، ص ۲۴۶ — ۲۴۷.

۱۷. همان، ص ۲۴۶.

۱۸. خورشید مغرب، ص ۵۴.

۷. نام او «فرخنده»، «خجسته»، «منصور» و... است.

بنابراین، با دقت در اوصاف مصلح موعود در آیین های هندی و بررسی احادیث شیعه و اهل سنت درباره‌ی امام مهدی (عج) متوجه خواهیم شد که موعود این دو، شباهت های بسیاری به هم دیگر دارند و حتی می توان ادعا کرد که مصلح مورد نظر آیین های هندی، همان مصلح موعود اسلام است؛ زیرا از دیدگاه اسلام نیز امام مهدی (عج) عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد.

آن حضرت (عج) به قدرت خداوند، همه‌ی مردم را هدایت می نماید و حکومت عدل خویش را بر عالم می گستراند. وی از فرزندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امام علی (علیه السلام) است که به هنگام ظهورش زمین و آسمان، خوان نعمت خود را خواهند گسترانید و هر چه از خداوند بخواهد به او داده خواهد شد... .

مصلح موعود در آیین یهود و مسیحیت

س: آیا در کتاب های مقدس یهودیان و مسیحیان به مصلح آخرالزمان اشاره شده است؟

ج: کتاب های مقدس یهود، بارها به ظهور مسیح اشاره کرده اند و در برخی از انجیل ها به بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام) تأکید شده است؛ لکن این اشارات و نصوص با مطالبی که در مورد مصلح آخرالزمان ذکر شده، تفاوت دارد و باید این دو نوع بشارت، یعنی بشارت بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام) و بشارت ظهور مصلح آخرالزمان را از همدیگر تفکیک کرد. به همین دلیل برای پرهیز از طولانی شدن بحث به ذکر برخی از بشارت هایی که در مورد ظهور مصلح آخرالزمان وارد شده، اکتفا می کنیم:

الف) بشارت ظهور مصلح آخرالزمان در «عهد قدیم»

در بخش «عهد قدیم» کتاب مقدس به بشارت های مختلفی در مورد بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و نیز به تعداد ائمه‌ی معصومین که از اولاد حضرت اسماعیل اند، اشاره شده است؛ به طور مثال در کتاب «پیدایش» نقل شده است که خداوند به حضرت ابراهیم فرمود: «... اما در مورد اسماعیل نیز تقاضای تو را اجابت نمودم و او را برکت خواهم داد و نسل او را چنان زیاد خواهم کرد که قوم بزرگی از او به وجود آید. دوازده امیر [امام] از میان فرزندان او برخوانند خواست...»^{۱۹}

در بخش های دیگر کتاب مقدس نیز مطالبی در این مورد آمده است، لکن این قسمت را ذکر کردیم تا روشن شود که بین بشارت های موجود در مورد ظهور مسیح و مصلح آخرالزمان فرق وجود دارد؛ زیرا اولی از اولاد اسحاق و دومی از فرزندان اسماعیل خواهد بود.

۱۹. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب پیدایش، فصل ۱۷، ش ۲۰ - ۲۱.

در کتاب «مزامیر داود» در مورد مصلح آخرالزمان آمده است که «... زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک مدتی شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود، اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد...؛ زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد.»^{۲۰}

خداوند نیز در قرآن به این مطلب اشاره کرده و می فرماید:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)^{۲۱}؛

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

در کتاب «حقوق» بنی نوشته شده:

... و اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش بد که جمیع امت ها را نزد خویش جمع می کند و

تمامی را برای خویشان فراهم می کند.^{۲۲}

هم چنین در کتاب «اشعیا» — در بحثی که سراسر تشبیه است — می خوانیم:

و نهالی از تنه‌ی یسی بر آمده، شاخه‌ای از شاخه‌هایش قد خواهد کشید... ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمینی به راستی تشبیه (و مایه بیداری) خواهد بود. کمربند کمرش عدالت و وفانطاق میانش خواهد بود.

گرگ با بره سکونت داشته... و طفل کوچک راعی (شبان) ایشان خواهد بود... و در تمامی کوه مقدس من، هیچ ضرر و فساد نخواهد کرد؛ زیرا که زمین از دانش خداوند مثل آب‌هایی که دریا را فرو می‌گیرند پر خواهد شد.^{۲۳}

ب) بشارت ظهور مصلح موعود در «عهد جدید»

در آثار دینی مسیحیت که به عهد جدید معروف است، در مورد مصلح موعود بشارت‌ها و اشارت‌هایی آمده است که می‌توان از انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا، مکاشفات یوحنا^{۲۴} و... نام برد که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. در انجیل متی چنین آمده است:

چون که برق از مشرق بیرون می‌آید و تا به مغرب ظاهر می‌گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می‌آید با قدرت و جلال عظیم، و فرشته‌های خود را (پاران خود را) خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنان برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود.^{۲۵}

۲۰. کتاب مقدس، عهد قدیم، مزامیر، ش ۳۷.

۲۱. انبیاء: ۱۰۵.

۲۲. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب حقوق، فصل ۲، ش ۵.

۲۳. کتاب مقدس، عهد قدیم، کتاب اشعیا، فصل ۱۱، ش ۱ - ۱۰.

۲۴. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۵۸.

۲۵. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، فصل ۲۴، ش ۳۰ - ۳۲.

۲. در انجیل لوقا نیز آمده است:

کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را افروخته دارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می کشد تا هر وقت بیاید و در را بکوبد، بی درنگ آن را برای او باز کنید.^{۲۶}

آنچه از کتاب مقدس (چه عهد عتیق و چه عهد جدید) ذکر شد، همگی دلالت بر ظهور منجی و مصلح آخرالزمان دارند. او با قدرت و عظمت خاصی خواهد آمد و عدالت را بر زمین جاری خواهد ساخت. این دو خصوصیت نشان می دهد که مصلح موعود، انبیای گذشته نبودند؛ زیرا هیچ کدام از فرستادگان قبلی نتوانستند حکومت الهی را بر سرتاسر زمین گسترش دهند و همه ی آنها – که خاتم آنها حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) بود – تحقق فراگیر شدن عدالت الهی را به دوره ی ظهور مصلح آخرالزمان (امام مهدی(عج)) موکول کردند.

مصلح موعود در دین اسلام

آیاتی که به ظهور قائم (عج) تأویل شده اند.

س: آیا در قرآن کریم به حضرت قائم (عج) اشاره شده است؟

ج: پیامبر(صلی الله علیه وآله) قبل از وفات خویش فرمود:

أَنْتَ تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِترتی أَهْلِ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛^{۲۷}

من، در میان شما، دو چیز گران بها باقی می گذارم؛ تا زمانی که به این دو تمسک کنید، گمراه نمی شوید: کتاب خداوند (قرآن) و عترت و خاندان من، این دو از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت بر من در حوض وارد شوند.

بنابراین، قرآن یا اهل بیت(علیهم السلام) به تنهایی، مایه ی رستگاری نخواهند شد. ما زمانی می توانیم به رستگاری برسیم که این دو را در کنار هم قرار دهیم؛ زیرا قرآن، به تنهایی و بدون اهل بیت(علیهم السلام) برای هدایت انسان کافی نیست. در مسئله ی مهدویت نیز اگر خواهیم آیات مربوط به امام مهدی (عج) و قیام آن حضرت را بفهمیم، باید به بیانی که از سوی اهل بیت(علیهم السلام) در مورد آیات

۲۶. کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل لوقا، فصل ۱۲، ش ۳۵ – ۳۷.

۲۷. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۳.

مربوط به قیام آن حضرت، وارد شده است، مراجعه کنیم؛ زیرا قرآن، یعنی ثقل اکبر و مهم ترین منبع اسلامی، در زمینه‌ی ظهور حضرت قائم (عج) مانند بسیاری زمینه‌های دیگر، يك بحث کلی و اصولی دارد و وارد جزئیات مسئله نمی‌شود.

به تعبیر دیگر، آیات قرآن، خبر از يك حکومت عدل جهانی در سایه‌ی ایمان می‌دهد که به دست «خليفة الله» صورت خواهد گرفت. تعیین مصداق این آیات، منوط به رجوع به دریای بی کران علم اهل بیت (علیهم السلام) است.

برخی از علما و محققان، تعداد آیاتی را که درباره‌ی امام زمان (عج) تفسیر و تأویل شده است، حدود دویست آیه دانسته‌اند.^{۲۸} مرحوم علامه‌ی مجلسی، بیش تر آن‌ها را در بحارالأنوار گرد آورده است.^{۲۹} و ما در این جا، به ذکر چند آیه و تفسیر و تأویل آن‌ها از ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام) اکتفا می‌کنیم:

۱. (وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ)^{۳۰} همانا، بعد از «ذکر (تورات)» در «زبور» نوشتیم: «یقیناً، بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. در این، ابلاغ روشنی است برای گروه عبادت‌کنندگان».

این آیه دلالت می‌کند که روزی خواهد رسید که صلح و راستی، بر سراسر جهان سایه خواهد افکند و ظلم و بیداد از روی زمین برچیده خواهد شد. چون در زمان هیچ يك از انبیا و امامان قبلی، چنین اتفاقی نیفتاده، بنابراین باید این امر در آینده اتفاق بیفتد. برای این که بدانیم این وعده که در ثقل اکبر داده شده چه وقت و توسط چه کسی تحقق خواهد یافت، باید به ثقل اصغر مراجعه کنیم.

مرحوم طبرسی، در تفسیر مجمع البیان می‌نویسد:

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «اینان، اصحاب مهدی در آخرالزمان اند.» مؤید آن، روایتی است که خاصّ و عام، از پیامبر خدا روایت کرده اند که: **لَوْلَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا صَالِحًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا؛** اگر فقط يك روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا، آن روز را طولانی می‌کند تا مردی صالح از اهل بیت مبعوث گرداند و زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، پر از عدل و داد کند.^{۳۱}

بنابراین، طبق روایت امام باقر (علیه السلام) و روایت‌های متعدد دیگر^{۳۲}، این وعده‌ی الهی با ظهور امام مهدی (عج) تحقق خواهد یافت.

۲۸. میرزا مهدی صادقی، تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۷۴.

۲۹. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴۴ - ۶۴.

۳۰. انبیا: ۱۰۵ - ۱۰۶.

۳۱. ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۷۲.

۳۲. بحارالأنوار، ج ۹، ص ۲۲۳ و ج ۱۴، ص ۳۷ و...

۲. (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛^{۳۳} او، کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه‌ی آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

قدر مسلم، وعده‌ی غالب شدن دین اسلام بر همه‌ی آیین‌ها، تاکنون تحقق نیافته و آیین‌های دیگری با پیروان فراوان وجود دارند که هنوز نه تنها مغلوب دین حق پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نشده‌اند، بلکه سعی می‌کنند تا اسلام را از بین ببرند، ولی چون وعده‌ی الهی حق است، پس باید روزی تحقق پیدا کند. به همین دلیل، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «این پیروزی، به هنگام قیام مهدی از آل محمد (صلی الله علیه وآله) خواهد بود که احدی در روی زمین باقی نماند، جز آن که به نبوت محمد (صلی الله علیه وآله) اعتراف کند».^{۳۴}

هم چنین طباطبایی نیز در تفسیر المیزان در ذیل این آیه می‌نویسد:

در تفسیر برهان از صدوق (ره) نقل کرده که وی، به سند خود از ابی بصیر روایت کرده که گفت: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه‌ی (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ...) فرمود: به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آن که قائم (علیه السلام) خروج کند.

هم چنین در ادامه می‌نویسد:

معنای این که این آیه درباره‌ی حضرت مهدی (عج) نازل شده، این است که خروج آن حضرت، تأویل این آیه است...^{۳۵}

۳. (الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)؛^{۳۶} همان کسانی که هر گاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه‌ی کارها از آن خداست.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «این آیه، برای آل محمد (علیهم السلام) است و مهدی و اصحابش را فرمانروای مشارق و مغارب زمین می‌گرداند و به دست او و یارانش، دین را غالب کرده و بدعت‌ها و باطل‌ها را می‌میراند».^{۳۷}

۴. (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ)؛^{۳۸} کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری او را برطرف می‌سازد.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود:

۳۳. توبه: ۳۳.

۳۴. حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۱، ص ۷۵.

۳۵. ترجمه‌ی تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۴۰.

۳۶. حج: ۴۱.

۳۷. علی بن جمعه عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵.

۳۸. نمل: ۶۲.

این آیه، درباره‌ی قائم آل محمد(علیه السلام) نازل شده است. سوگند به خدا، او، مضطر است زمانی که در مقام، دو رکعت نماز بگذارد و خدا را بخواند، خدا دعای او را استجابت می کند و رنج او را برطرف می سازد و او را در زمین خلیفه قرار می دهد.^{۳۹}

۵. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «آیه‌ی (وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ)»؛^{۴۰} درباره‌ی حضرت قائم(عج) نازل شده است.^{۴۱}

۶. (وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛^{۴۲} اراده می کنیم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار می دهیم. مؤلف تفسیر گزر در ذیل این آیه می نویسد:

اصحاب ما، روایت کرده اند که این آیه، در شأن امام مهدی (عج) است که خدای تعالی وی و اصحابش را پس از آن که تضعیف کرده باشند ایشان را، بر ایشان منت نهد. و مراد از زمین، جمله‌ی روی زمین است. و ایشان را امامان و وارثان گرداند.^{۴۳}

در تفسیر جامع نیز گفته شده:

شبیانی، از حضرت باقر(علیه السلام) روایت کرده که فرموده اند: آیه‌ی (وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...) مخصوص حضرت حجت(علیه السلام) است که در آخر زمان ظاهر شده و کفار و ستمکاران را که مانند فرعون و هامان هستند، هلاک و به قتل رسانیده و از بین می برند و مالک شرق و غرب جهان شده و پس از آن که جور و ظلم عالم را پر کرده باشد، عدالت مطلقه را اجرا می فرماید.^{۴۴}

نتیجه و جمع بندی

از بررسی این آیات، چنین به دست می آید که خداوند، پیروزی مطلق حق بر باطل را وعده داده است و این پیروزی — که تاکنون تحقق نیافته — در آینده، به دست کسانی تحقق خواهد یافت که اقامه کننده‌ی نماز هستند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند. اینان، با اقامه‌ی شعائر الهی، وارث زمین خواهند شد.

چنان که در ابتدای بحث ذکر شد، تعیین مصداق این آیات و تفسیر آن ها، تنها، در صورت رجوع به ائمه معصوم(علیهم السلام) میسر است و همان گونه که در ذیل آیات اشاره شد، امامان معصوم(علیهم

۳۹. تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۷۹؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

۴۰. مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنان کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنان گذشت و قلب هایشان قساوت پیدا کرد، و بسیاری از آنان گناهکارند. حدید: ۱۶.

۴۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۴۲. قصص: ۵.

۴۳. جرجانی، تفسیر گزر، ج ۷، ص ۱۵۲.

۴۴. سیدابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج ۵، ص ۱۵۴، (به نقل از نرم افزار ترجمه و تفسیر قرآنی جامع).

السلام) امام مهدی (عج) و یاران آن حضرت را مصادیق این آیات و تحقق دهندگان وعده‌ی الهی، معرفی می‌کنند.

مهدویت از دیدگاه اهل سنت

س: آیا اهل سنت، به ظهور امام مهدی (عج) در آخرالزمان اعتقاد دارند؟

ج: اعتقاد به ظهور مصلح آخرالزمان که نامش «مهدی» و از اولاد پیامبر اسلام است، مورد اتفاق

همه‌ی فرقه‌های اسلامی است. صاحب کتاب عون المعبود (شرح کتاب سنن ابی داوود) می‌نویسد:

بدان که در طول اعصار، مشهور بین همه‌ی اهل اسلام، این است که حتماً در آخرالزمان، مردی از اهل بیت (علیهم السلام) ظهور می‌کند که دین را یاری، و عدل را آشکار می‌کند... نامش، مهدی است و عیسی، بعد از مهدی یا هم زمان با مهدی، نزول، و او را در کشتن دجال یاری، و در نماز به او اقتدا می‌کند.

احادیث مربوط به مهدی (عج) را عده‌ای از بزرگان آورده‌اند، از آن جمله است، ابوداوود، ترمذی، ابن ماجه، بزار، حاکم، طبرانی، ابویعلی. سند این احادیث، برخی، صحیح و برخی دیگر، حسن و یا ضعیف است.^{۴۵}

یکی دیگر از علمای اهل سنت می‌نویسد:

روایات فراوانی درباره‌ی مهدی (عج) وارد شده به حدی که به حدّ تواتر می‌رسد. این امر، در میان علمای اهل سنت شیوع دارد، به گونه‌ای که از جمله معتقدات آنان به شمار می‌آید. این احادیث به طرق گوناگون و متعدّد، از صحابه و بعد از آنان، از تابعان، نقل شده است، به گونه‌ای که مجموع آن‌ها، مفید علم قطعی است. به همین دلیل، ایمان به ظهور مهدی، واجب است، همان گونه‌ای که این وجوب، در نزد اهل علم ثابت بوده و در عقائد اهل سنت و جماعت، مدوّن شده است.^{۴۶}

ابن کثیر نیز در البدایة و النهایة می‌گوید:

مهدی، در آخرالزمان می‌آید و زمین را پر از عدل و قسط می‌کند، همان گونه که پر از جور و ظلم شده است. ما، احادیث مربوط به مهدی را در جلد جداگانه‌ای گرد آوردیم، همان گونه که ابوداوود در سنن خود، کتاب جداگانه‌ای را به آن اختصاص داده است.^{۴۷}

۴۵. عون المعبود (شرح سنن ابی داود)، ج ۱۱، ص ۳۶۲ (به نقل از سعید ایوب، الطريق الی المهدی المنتظر، ص ۱).

۴۶. نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، ص ۲۲۶. (به نقل از الطريق الی المهدی المنتظر، ص ۹۱).

۴۷. اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی، البدایة و النهایة، ج ۶، ص ۲۸۱.

از این مطالب که از بزرگان اهل سنت نقل شد، معلوم می شود که مسئله‌ی مهدویت و اعتقاد به ظهور مهدی (عج) جزء عقاید ثابت اهل سنت و جماعت است و احادیث مربوط به ظهور آن حضرت، در میان آنان، به حدّ تواتر رسیده است.

کتاب های متعدّد و متنوعی درباره‌ی ظهور آن حضرت از سوی علمای اهل سنت تألیف شده است به گونه ای که شیخ محمدّ ایروانی در کتاب الإمام المهدی می نویسد:

اهل سنت، کتاب های متعدّدی در گردآوری روایات مربوط به امام مهدی (عج) و این که در آخرالزمان شخصی به اسم مهدی ظهور خواهد کرد، نوشته اند. تا حدّی که من اطلاع دارم، اهل سنت، بیش از سی کتاب در این باره تألیف کرده اند.^{۴۸}

هر چند این مسئله، مورد اتفاق اهل سنت و شیعه است، امّا تعداد انگشت شماری از اهل سنت، احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را ضعیف می انگارند. مثلاً، ابن خلدون در تاریخ خود، این احادیث را ضعیف می شمارد^{۴۹} و یا رشید رضا (مؤلف تفسیر المنار) در ذیل آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی توبه، به ضعیف بودن احادیث مربوط به مهدویت اشاره می کند.^{۵۰} البته، این دو، دلیلی بر ادعای خود نیاورده اند و تنها به مطالبی واهی استناد کرده اند. سخنان آن دو، از سوی دیگر علمای اهل سنت، به شدت ردّ شده و در تألیفات علمای شیعه نیز به آن دو پاسخ داده شده است.

خود ابن خلدون، در بیان عقیده‌ی مسلمانان در مورد امام مهدی(علیه السلام) می نویسد:

مشهور بین همه‌ی اهل اسلام، این است که حتماً، در آخرالزمان، مردی از اهل بیت(علیهم السلام) ظهور می کند که دین را حمایت، و عدل را آشکار می کند و مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر ممالک اسلامی استیلا می یابد. آن شخص، مهدی نامیده می شود.^{۵۱}

بنابراین، ضعیف شمردن احادیث از سوی وی خدشه ای بر اتفاق نظر اهل سنت در مورد ظهور مهدی (عج) وارد نمی کند؛ زیرا، این اعتقاد، ناشی از کثرت احادیثی است که از طرق عامه نقل شده است. ما، در زیر، به ذکر نام برخی از کسانی که این گونه احادیث را در کتاب های خود آورده اند، می پردازیم، هر چند، تقریباً، می توان ادعا کرد که تمام کتاب های معتبر حدیثی اهل سنت، حدّ اقل، چند مورد از احادیث امام مهدی (عج) را ذکر کرده اند:

۱. ابن سعد (متوفی ۲۳۰ هـ)؛
۲. ابن ابی شیبّه (متوفی ۲۳۵ هـ)؛
۳. احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ هـ)؛

۴۸. شیخ محمد باقر ایروانی، الإمام المهدی(علیه السلام)، ص ۱۱.

۴۹. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹.

۵۰. تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۳۹۳، ج ۹، ص ۴۹۹ - ۵۰۷.

۵۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۵۵، فصل ۵۲.

۴. بخاری (متوفی ۲۷۳ هـ)؛
۵. مسلم (متوفی ۲۶۱ هـ)؛
۶. ابن ماجه (متوفی ۲۷۳)؛
۷. ابوبکر اسکافی (متوفی ۲۷۳ هـ)؛
۸. ترمذی (متوفی ۲۷۹ هـ)؛
۹. طبری (متوفی ۳۸۰)؛
۱۰. ابن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶)؛
۱۱. بربهاری (متوفی ۳۲۹)؛
۱۲. حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵)؛
۱۳. بیهقی (متوفی ۴۵۸)؛
۱۴. خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳)؛
۱۵. ابن اثیر جزری (متوفی ۶۰۶).^{۵۲}

س: از دیدگاه اهل سنت امام مهدی (عج) چه اوصافی دارد؟

ج: اوصافی که در کتاب های اهل سنت برای امام مهدی (علیه السلام) ذکر شده، بر گرفته از احادیثی است که آنان از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل می کنند و در کلیات، با اوصاف ذکر شده در کتاب های علمای شیعه، فرقی ندارد.

برخی از روایت هایی که در کتاب های حدیثی اهل سنت، آمده عبارت اند از:

۱. عن النبی (صلی الله علیه وآله) أنه قال: «لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجلٌ من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي»^{۵۳} دنیا به پایان نمی رسد، مگر آن که مردی از اهل بیت من که اسمش اسم من است، مالک عرب شود.»

۲. عن النبی (صلی الله علیه وآله): «لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً و جوراً و عدواناً ثم يخرج من أهل بيتي من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»^{۵۴} قیامت بر پا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و جور و دشمنی شود و سپس از اهل بیت من، شخصی ظهور می کند که زمین را پر از عدل و قسط می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.»

۵۲. در مورد کسانی که به ذکر احادیث مربوط به امام مهدی (علیه السلام) پرداخته اند، ر.ک: المهدي المنتظر في الفكر الاسلامي، ص ۲۶ - ۲۹.

۵۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳۵۶۳؛ ابن حجر هيثمي، الصواعق المحرقة، ص ۲۴۹.

۵۴. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶، ح ۱۰۹۲۰؛ المتقى الهندي، كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۱، ح ۳۸۶۹۱.

۳. عبدالله بن مسعود از پیامبر(صلی الله علیه وآله) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«لو لم يبق من الدنيا يوم لظول الله ذلك اليوم حتى يبعث فيه رجلا منى أو من أهل بيتي يملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»^{۵۵} اگر از دنیا، فقط يك روز باقی بماند، خداوند، آن روز را طولانی می کند تا در آن روز، مردی از من یا از اهل بیت من، مبعوث شود و زمین را پر از قسط و عدل کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود».

س: مهدویت از دیدگاه اهل سنت با مهدویت از دیدگاه شیعه، چه فرقی دارد؟

ج: همان گونه که گفته شد، اهل سنت، بالاتفاق، به مهدویت معتقد هستند و به دلیل وجود روایت های متواتر، ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان را جزء اعتقادات قطعی خود می دانند، برخلاف شیعه ای امامیه که معتقدند، امام مهدی (عج)، فرزند امام حسن عسکری(علیه السلام) است و هم اکنون نیز زنده و غائب است. در این زمینه، اهل سنت به چند گروه تقسیم می شوند:

عده ای از اهل سنت، مدعی هستند که مهدی، همان عیسی بن مریم است و در این مورد، به خبری واحد که از انس بن مالک نقل شده است، استناد می کنند.^{۵۶}

تعداد اندکی نیز مدعی هستند که مهدی، از اولاد عباس ابن عبدالمطلب است. آنان به خبر واحدی استناد می کنند که در کنز العمال ذکر شده است.^{۵۷}

عده ای نیز معتقدند، مهدی از اولاد امام حسن مجتبی(علیه السلام) است، نه امام حسین(علیه السلام).^{۵۸}

گروهی می گویند، پدر امام مهدی، هم نام پدر پیامبر اسلام است و چون نام پدر حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) عبدالله بود، پس مهدی بن حسن عسکری(علیه السلام) نمی تواند مهدی موعود باشد. مستند این احتمال هم خبری است که در کنز العمال ذکر شده است.^{۵۹}

جمعی از آنان، همانند امامیه، معتقدند که امام مهدی (عج) از اولاد پیامبر(صلی الله علیه وآله) و فاطمه(س) است و حضرت عیسی نیز به هنگام ظهور امام مهدی (عج) به یاری او خواهد شتافت و در نماز به آن حضرت اقتدا خواهد کرد، چنان که در روایت های متعدد از ام سلمه نقل شده است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: «المهدی من عترتی من ولد فاطمه»^{۶۰} مهدی، از عترت من و از فرزندان فاطمه است».

۵۵. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶ - ۱۰۷، ح ۴۲۸۲.

۵۶. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، ح ۴۰۲۹.

۵۷. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۳.

۵۸. ابن قیم جوزی، اطنار المنیف، ص ۱۵۱ (به نقل از میلانی، الامام مهدی، ص ۲۱).

۵۹. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۸، ح ۳۸۶۷۸.

۶۰. عثمان بن سعید المقری، السنن الواردة في الفتن و غوائلها و الساعة و أشراتها، ج ۵، ص ۱۰۵۷.

جابر بن عبدالله از پیامبر(صلی الله علیه وآله) نقل می کند که حضرت عیسی(علیه السلام) به هنگام ظهور مهدی (عج) نزول خواهد کرد.^{۶۱} عبدالله بن عمر می گوید: «المهدی الذی ینزل علیه عیسی بن مریم و یصلی خلفه عیسی(علیه السلام)»؛^{۶۲} مهدی، کسی است که عیسی بن مریم بر او نزول می کند و پشت سر او نماز می خواند».

این گروه، حدیث «مهدی، از اولاد عباس ابن عبدالمطلب است» را قبول ندارد. ذهبی می گوید: **تفرد به محمد بن الولید مولی بنی هاشم و کان یضع الحدیث**؛^{۶۳} این حدیث را تنها محمد بن ولید، آزاد کرده‌ی بنی هاشم گفته است، و او جاعل حدیث بود.

البته این گروه نیز تولّد حضرت مهدی (عج) و غیبت او را قبول ندارند. ابن حجر ادعا می کند: «همه‌ی مسلمانان غیر از امامیه، معتقدند که مهدی غیر از حجت (عج) است؛ چون، غیبت یک شخص، آن هم با این مدّت طولانی، از خوارق عادات است...».^{۶۴} در پاسخ گروه اخیر باید گفت:

اولاً، روایات نبوی متعدّدی وجود دارد که امامان دوازده گانه را با نام های آنان به طور روشن معرفی کرده اند، پس سخن او، باطل است.

از ابن عباس روایت شده که شخصی یهودی به نام نعتل، نزد رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آمد و سؤال های بسیاری را مطرح کرد. او، از اوصیا نیز پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «نخستین وصی من علی(علیه السلام) و پس از او، حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) و امامان نه گانه از فرزندان اویند». نعتل پرسید: «نام آنان چیست؟». حضرت، نام تک تک امامان را تا امام دوازدهم(عج) شمردند.^{۶۵}

هم چنین رسول خدا، در پاسخ جابر بن عبدالله انصاری که در مورد ائمه‌ی بعد از علی(علیه السلام) سوال کرده بود، فرمود: «بعد از علی(علیه السلام)، حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) سروران اهل بهشت، امام هستند، سپس سید العابدین در زمان خودش، علی بن حسین(علیه السلام)، سپس محمد بن علی باقر(علیه السلام). تو، او را خواهی دید. وقتی او را دیدی، سلام مرا برسان. سپس جعفر بن محمد صادق(علیه السلام)، سپس موسی بن جعفر کاظم(علیه السلام)، سپس علی بن موسی رضا(علیه السلام)، سپس محمد بن علی جواد(علیه السلام)، سپس علی بن محمد نقی(علیه السلام)، سپس حسن بن علی زکی(علیه السلام)،

۶۱. همان، ج ۶، ص ۱۲۳۷.

۶۲. نعیم بن حماد المروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۳.

۶۳. ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۷۸.

۶۴. همان، ج ۲، ص ۴۸۲.

۶۵. ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی، ج ۱.

و پس از او، قائم بالحق مهدی امت من، م ح م د بن حسن صاحب زمان (علیه السلام) امام است. او، زمین را پر از قسط و عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است».^{۶۶}

ثانیاً، شواهد تاریخی و گزارش های بسیاری وجود دارد که ولادت آن حضرت و ایام کودکی او را نقل کرده اند. برای نمونه، چند مورد از اقوال اهل سنت نقل می شود:

۱. حافظ سلیمان حنفی می گوید:

خبر معلوم نزد محققان و موثقان، این است که ولادت قائم (عج) در شب پانزدهم شعبان (۲۵۵ هـ. ق) در شهر سامرا واقع شده است.^{۶۷}

۲. خواجه محمد پارسا، در کتاب فصل الخطاب گفته است:

یکی از اهل بیت ابو محمد بن عسکری است که فرزندی جز ابوالقاسم که قائم و حجت و مهدی و صاحب الزمان نامیده می شود، باقی نگذاشت. او، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد. مادرش، نرجس نام دارد. او هنگام شهادت پدرش، پنج سال داشت.^{۶۸}

۳. ابن خلکان در وفيات الأعیان می نویسد:

ابوالقاسم محمد فرزند حسن عسکری فرزند علی هادی فرزند محمد جواد... دوازدهمین امام از ائمه ای دوازده گانه شیعه است که به «حجت» معروف است... ولادت او، روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق است.^{۶۹}

۴. ذهبی نیز در سه کتاب از کتاب هایش، به ولادت امام مهدی (عج) اشاره کرده و در کتاب العبر و در حوادث سال ۲۵۶ هـ. ق می نویسد:

در این سال، محمد بن حسن بن علی الهادی فرزند محمد جواد فرزند علی الرضا فرزند موسی الکاظم فرزند جعفر الصادق علوی حسینی، به دنیا آمد. کنیه اش، ابوالقاسم است و رافضیان، او را الخلف الحجة، مهدی، منتظر و صاحب الزمان می نامند. و او، آخرین امام از ائمه ای دوازده گانه است.^{۷۰}

۵. خیر الدین زرکلی (متوفی ۱۳۹۶ هـ. ق) از علمای معاصر اهل سنت نیز در کتاب اعلام می نویسد:

او، در سامرا به دنیا آمد و هنگام وفات پدرش، پنج سال داشت و گفته شده که در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ به دنیا آمده و در سال ۲۶۵ هـ. ق غایب شده است.^{۷۱}

۶۶. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، ج ۱، ص ۱۶۸.

۶۷. شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع المودة، ص ۱۷۹.

۶۸. همان.

۶۹. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۵۶۲.

۷۰. قایماز ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۳، ص ۳۱.

۷۱. خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۸۰.

آیه الله العظمی صافی (دام عزه) در کتاب مهدویت، بیش از هفتاد و هفت نفر از علمای اهل سنت را نام می برد که هر يك، به نحوی، ولادت آن حضرت را بیان کرده اند.^{۷۲}

بنابراین، اگر برخی از اهل سنت می گویند: «حضرت مهدی (عج) به دنیا نیامده است.»، ادعایی بی اساس است که حتی با گفته ها و نوشته های بزرگان خودشان نیز سازگار نیست.

شاید برخی از اهل سنت همانند ابن حجر هیثمی، طولانی بودن عمر را دلیل بر عدم ولادت امام مهدی (عج) بدانند، ولی باید گفت، خدایی که قادر است عیسی بن مریم را زنده نگه دارد تا به مهدی (عج) اقتدا کند و یونس را در شکم ماهی محافظت کند و یا به نوح پیامبر، نهصد و پنجاه سال عمر بدهد، آیا قدرت ندارد به مهدی (عج) عمر طولانی عنایت کند؟^{۷۳} خود اهل سنت نیز به زنده بودن عیسی، خضر، صالح، و... معتقدند.

نتیجه این که ولادت حضرت مهدی، امری است مسلم و قطعی و خود اهل سنت هم به آن واقفند و عوامل و انگیزه های دیگری وجود دارد که نمی گذارد حق را بازگو کنند و حقانیت شیعه و وجود امام زمان (عج) را ثابت کنند.

مهدویت از دیدگاه شیعه‌ی امامیه

س: امام مهدی (عج) از دیدگاه روایات اهل بیت (علیه السلام) چه خصوصیات و اوصافی دارد؟

ج: احادیث و روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) به دست ما رسیده، از حیث سند و دلالت، مختلف هستند. برخی از آن ها، متواتر و برخی، مستفیض یا خبر واحد هستند و از جهتی، برخی، صحیح و برخی دیگر، حسن به شمار می آیند و برخی نیز به دلیل مجهول بودن روای حدیث یا غیر موثق بودن راوی، ضعیف شمرده می شوند.

احادیث مربوط به امام مهدی (عج) نیز از این قاعده مستثنا نیستند و از دیدگاه علم حدیث، هر يك از جایگاه جداگانه ای برخوردار هستند، ولی با این همه، برخی از مطالب، در بیش تر این احادیث، مشترك هستند و در اکثر احادیث به این مطالب اشاره شده، به همین دلیل می توان ادعا کرد که این مطالب مشترك اگر چه متواتر لفظی نباشند، متواتر معنوی هستند. بنابراین، بدون کم ترین شبهه ای، می توان به این مطالب استناد کرد.

چون در فصل های آینده به تفصیل، به اوصاف و خصوصیات امام مهدی (علیه السلام) اشاره خواهد شد، در این قسمت، تنها، به همین مطالب مشترك اشاره می شود و برای هر يك از این مطالب، يك حدیث به عنوان شاهد آورده می شود:

۷۲. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۵۶ - ۲۴۱.

۷۳. رك: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۹ - ۱۰۲.

۱. امام مهدی (عج) هم نام رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است:

قال النبي (صلی الله علیه وآله): اسمه كاسمی و اسم أبیه كاسم ابنی و هومن ولد بنتی يظهر الله الحق بهم و یخمد الباطل باسیافهم...^{۷۴} اسم او، مانند اسم من است و اسم پدرش، مانند اسم فرزندم است. او، از فرزندان دخترم است. خداوند، به دست آنان، حق را آشکار می کند و با شمشیرهای آنان، باطل را فرسوده می کند....

۲. او از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و از فرزندان امام حسین (علیه السلام) است:

قال النبي (صلی الله علیه وآله): لاتذهب الدنيا حتى یقوم بأمر أمتی رجل من ولدالحسین یملأها عدلا كما ملئت ظلماً و جوراً؛^{۷۵} دنیا به پایان نمی رسد، مگر این که مردی از فرزندان حسین (علیه السلام) برای اصلاح امر امت من، قیام کند و جهان را پر از عدل کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

۳. امام مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است:

امام حسن عسکری (عج) به نرجس خاتون فرمود:

ستحملین ذکراً و اسمه م ح م د و هو القائم من بعدی؛ به زودی پسری به دنیا خواهی آورد که اسمش م ح م د است و او بعد از من قائم و امام است.^{۷۶}

۴. آن حضرت قبل از ظهور به غیبت طولانی می روند:

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: المهدي من ولدی. اسمه اسمی و کنیته کنیتی أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً. تكون له غیبة و...^{۷۷} مهدی، از فرزندان من است. اسمش، اسم من و کنیه اش، کنیه من است. از حیث خلق و خوی و شکل و صورت، شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبتی است....

۵. به هنگام ظهور، زمین را پر از عدل و داد می کند و حضرت عیسی (علیه السلام) پشت آن حضرت نماز می گذارد:

ابن عباس، از رسول خدا نقل می کند که آن حضرت فرمود: «جانشینان و اوصیای من و حجت های خداوند بر خلق، بعد از من، دوازده نفرند. اولشان برادرم و آخرشان فرزندم است.» گفته شد: «یا رسول الله! برادر تو کیست؟». فرمود: «علی بن ابی طالب.» گفته شده: «فرزندت کیست؟». فرمود: «مهدی است که جهان را پر از قسط و عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شود. قسم به آن که مرا مبعوث کرد! اگر از دنیا، فقط يك روز بماند، خداوند آن روز را طولانی کند تا این که در آن روز، فرزندم مهدی ظهور کند و روح الله عیسی بن مریم نزول کند

۷۴. همان، ص ۶۷.

۷۵. همان، ص ۶۶.

۷۶. همان، ص ۱۶۱.

۷۷. همان، ص ۷۲.

و پشت سر او نماز بگزارد، و زمین به نور پروردگار او روشن شود و حکومتش شرق و غرب را فراگیرد.^{۷۸}

البته موارد و مطالب مشترك احاديث مربوط به امام مهدی (عج) بیش تر از موارد مذکور است، ولی به دلیل طولانی نشدن این بخش و عدم تکرار، به همین اندازه اکتفا می شود.

س: چه مقدار روایت از اهل بیت (علیهم السلام) در مورد امام مهدی (علیه السلام) به دست ما رسیده است؟
ج: اولاً، همان گونه که گذشت، اخبار مربوط به ظهور امام مهدی (عج) از دید اهل سنت، به حدّ تواتر رسیده و اصل مسلمی به شمار می آید و نزد شیعه نیز این احادیث فراتر از حدّ تواتر است، به گونه ای که آیه الله العظمی صافی در کتاب منتخب الاثر می نویسد:

بر هر کسی که توجه به تاریخ و احادیث داشته باشد، معلوم است که بشارت های نقل شده از پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) و اصحاب آن حضرت در مورد ظهور مهدی (عج) به تواتر رسیده است.^{۷۹}

ثانیاً، باید گفت، تاکنون استقرار کاملی در مورد تمام احادیث مربوط به امام مهدی (عج) صورت نگرفته است، ولی در این مورد می توان به کتاب هایی اشاره کرد که سعی کرده اند بخشی از احادیث مربوط به آن حضرت را گردآورند:

۱. مرحوم شیخ الطائفه، محمد طوسی در کتاب الغیبة بخش مهمی از احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را گردآورده است.
۲. مرحوم نعمانی نیز در کتاب الغیبة بخشی از این احادیث را نقل کرده است.
۳. علامه مجلسی، جلد های پنجاه و یکم و پنجاه و دوم و پنجاه و سوم کتاب بحار الأنوار را به تاریخ امام مهدی (عج) اختصاص داده است.
۴. از علمای معاصر نیز آیه الله العظمی صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را گردآورده است. ایشان، مجموع احادیث مربوط به آن حضرت را که در کتاب های مختلف و معتبر اهل سنت و شیعه ذکر شده، حدود شش هزار و سیصد و سی و هشت روایت می دانند و در کتاب مذکور، با حذف احادیث مکرر، نهصد و بیست و نه حدیث را نقل کرده اند.

۷۸. همان، ص ۷۱.

۷۹. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، مقدمه، ص ۲.

س: چرا خداوند اجرای عدالت موعود در زمان حضرت مهدی (عج) را بر عهده‌ی پیامبران یا امامان قبلی نگذاشت؟

ج: باید توجه داشت که خداوند برای هر امتی متناسب با شرایط همان امت، پیامبرانی فرستاده است، ولی هیچ پیامبری در اجرای برنامه هایش، به طور کامل، موفق نبود و نتوانست حکومت عدل فراگیر را — که یکی از اهداف اصلی آنان بوده — تشکیل دهد؛ زیرا که مردم عصرشان، استعداد پذیرش حکومت عدل فراگیر را نداشته اند.

هنگامی که پیامبران الهی مبعوث می شدند و مردم را به پرستش خدای یگانه و اطاعت از دستورهای او و بیزاری از بت ها دعوت می کردند، عموماً، با انکار و مخالفت مردم مواجه می شدند. خداوند می فرماید:

(ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَآكُلٌ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ...)^{۸۰} سپس رسولان خود را یکی پس از

دیگری فرستادیم. هر زمان، رسولی برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند....

فرمانروایان و ثروت مندان جامعه که سرمست عیش و به مال و مکنّت یا علم و دانش خود مغرور بودند، سرسختانه، کمر مبارزه با پیامبران را می بستند و بسیاری از دیگر قشرهای جامعه را به دنبال خود می کشاندند و از پیروی راه حق باز می داشتند. خداوند از آنان نقل می کند که روز قیامت می گویند:

(وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا)^{۸۱} و می گویند: پروردگارا! ما، از

سران و بزرگان خود اطاعت کردیم پس ما را گمراه ساختند.

در این میان، تنها، گروهی اندک که غالباً از محرومان جامعه بودند، به انبیای الهی ایمان می آوردند و کم تر اتفاق می افتاد که جامعه ای بر پایه عقاید صحیح و موازین عدل و قسط و مطیع فرمان خدا و پیامبران، تشکیل گردد. البته، بخش هایی از تعالیم انبیا، تدریجاً، در فرهنگ جوامع، نفوذ می کرد و مورد اقتباس قرار می گرفت.^{۸۲}

هدف اول بعثت انبیا، ایجاد شرایط رشد و تکامل انسان و کمک به رشد عقلانی و تربیت روحی و معنوی افراد مستعد بوده است. همه‌ی انبیای الهی، درصدد تشکیل جامعه‌ی ایده آل براساس خداپرستی و گسترش عدل در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حدّ توان، قدمی در این راه برداشته اند و بعضی توانستند در محدوده‌ی جغرافیایی و زمانی خاص، حکومت الهی را برقرار سازند، ولی برای هیچ کدام از ایشان، شرایط تشکیل حکومت عدل جهانی فراهم نشد.

۸۰. مومنون: ۴۴.

۸۱. احزاب: ۶۷.

۸۲. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۳۷۹.

فراهم نشدن چنین شرایطی، به معنای نارسایی تعالیم الهی نیست؛ زیرا هدف الهی، فراهم شدن زمینه و شرایط برای حرکت اختیاری انسان و انتخاب اختیاری حق یا باطل از سوی انسان است، نه الزام و اجبار مردم به پذیرفتن دین حق و پیروی از رهبران الهی، آن هم به شیوهی جبر که هر گونه اختیار را از انسان می‌گیرد.

به همین دلیل، حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) و امامان بعد از آن حضرت که وظیفه‌ی تاباندن شعاع عدالت بر همه‌ی جهان و دعوت مردم به اسلام را داشتند، به خاطر فراهم نبودن شرایط و اوضاع روحی و فکری مردم، نتوانستند حکومت عدل فراگیر را در تمام گیتی ایجاد کنند.

براساس روایات و احادیث اسلامی، شرایط پذیرش حکومت عدل جهانی و تحوّل فکری مردم که بستگی به تکامل عقول، صنایع، اخلاق، معنویت، شکوفایی علم و دانش دارد، فقط در عصر ظهور امام عصر (عج) فراهم می‌شود.

در این قسمت، برای تبیین بیش تر بحث، برخی از روایات را که به بازگویی اوضاع و احوال مردم و جوامع انسانی در عصر ظهور امام مهدی (عج) می‌پردازند، ذکر می‌کنیم:

الف) امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ^{۸۳} هُنْكَامَ ظُهُورِ إِمَامِ

زمان (عج) خداوند دست رحمت خود را بر سر تمام بندگان قرار می‌دهد و از این طریق،

عقل‌های مردم متمرکز می‌شود و تکامل پیدا می‌کند.

یعنی، «امام زمان چون دستورهای اسلامی را به طور کامل اجرا می‌کند، باعث رشد فکری مردم می‌شود و هدف پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) — که به کمال رساندن اخلاق مردم بود — تحقق می‌یابد».^{۸۴}

مرحوم کلینی در کتاب کافی همین حدیث را نقل کرده، ولی در آنجا به جای کلمه‌ی «اخلاقهم» کلمه‌ی «احلامهم» آورده، یعنی عقل‌های آنها کامل می‌شود. بدیهی است هر دو معنا می‌تواند مورد نظر باشد و هیچ تعارضی با همدیگر ندارند.^{۸۵}

ب) تحقق انقلاب جهانی، وسائل و ابزارهایی لازم دارد که بدون تکامل صنایع، امکان پذیر نیست. احادیث، نوید می‌دهد که در عصر ظهور امام(علیه السلام) صنایع به حدّی تکامل پیدا می‌کند که جهان، حکم يك شهر را پیدا می‌کند و افرادی که در خاور زندگی می‌کنند، کسانی را که در باختر زندگی می‌کنند، می‌بینند و سخنان آنان را می‌شنوند.

امام صادق(علیه السلام) در این مورد می‌فرماید:

۸۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸ و ۳۳۶.

۸۴. نجم الدین طیبی، چشم اندازی از حکومت مهدی، ص ۲۰۷.

۸۵. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵.

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَنِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيَرَى أَخَاهُ بِالْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ
الَّذِي بِالْمَشْرِقِ؛^{۸۶} در زمان قائم (عج) فرد با ایمان که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را
که در مغرب زندگی می کند، می بیند.

در حدیث دیگر، مطلب به طور روشن تر بیان شده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ،
يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَاتِهِ؛^{۸۷} آن گاه که قائم ما قیام می کند، خداوند، به
دیدگان و گوش های پیروان ما، قدرت می بخشد تا آن جا که میان آنان و رهبرشان، فاصله ای
باقی نمی ماند. او، با آنان سخن می گوید و سخنان او را می شنوند و به او می نگرند، در حالی
که او در جای خود قرار دارد.

شاید وجود رسانه های ارتباطی مانند رادیو، تلویزیون، تلفن، اینترنت، ماهواره، ... که باعث
شده اند تا عصر حاضر را عصر رسانه ها و ارتباطات جمعی بنامند، در فهم این حدیث و دیگر
احادیث مربوط به این موضوع، ما را یاری کند و ما بتوانیم همین ها را یکی از شرایط ظهور امام
مهدی (عج) به شمار آوریم.

ج) انسان ها، در صورت تجربه کردن حکومت های مختلف و روش های گوناگون اجتماعی به
نکات ضعف و قوت هر حکومت و نظام سیاسی و اجتماعی پی می برند. برای همین، خداوند، این
فرصت را به آنان می دهد تا با انتخاب و اختیار خود، نظام های سیاسی و اجتماعی مختلف را
ببازمایند تا با شناخت کامل از ضعف و نارسایی آن نظام ها، حجت الهی بر آنان تمام شود و آمادگی
لازم را برای پذیرش نظام سیاسی و اجتماعی الهی که امام زمان (عج) آن را برپا خواهد کرد، داشته
باشند.

امام باقر(علیه السلام) در روایتی می فرماید:

دَوْلَتَنَا آخِرَ الدُّوَلِ وَلَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ لِهْمِ دَوْلَةٍ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَثَلَا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا: «إِذَا
مَلَكْنَا سَرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هَوْلَاءَ.»؛ و هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)؛^{۸۸} حکومت ما، آخرین
حکومت است و هیچ خاندانی که قدرت حکومت دارند، نمی ماند، مگر این که قبل از ما به
حکومت می رسند. این، از آن رو است که بعداً، هنگامی که روش و سیره ی ما را دیدند، نگویند:
«اگر ما هم به حکومت می رسیدیم، مانند آنان رفتار می کردیم.»! و این، قول خداوند است که
می فرماید: (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ).^{۸۹}

۸۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۸۷. همان، ص ۳۳۶.

۸۸. همان، ص ۳۳۲.

۸۹. اعراف: ۱۲۷؛ قصص: ۸۳.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که خداوند، با آن که قادر مطلق است، حکیم نیز هست، به همین دلیل کارها را با اسبابش انجام می دهد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

أبي الله أن يجري الأشياء إلا بالاسباب فجعل لكل سبب شرحاً و جعل لكل شرح علماً و جعل لكل علم باباً ناطقاً عرفه من عرفه و جهله من جهله. ذلك رسول الله(صلى الله عليه وآله) ونحن^{٩٠} خداوند از این که کارها را بدون اسباب انجام دهد، ابا دارد؛ به همین خاطر برای هر سببی شرحی قرار داده و برای هر شرحی علمی قرار داده و برای هر علمی باب ناطقی قرار داده که هر کس بخواند می شناسد و هر کس خود را به نادانی بزند، نمی شناسد و آن باب ناطق رسول خدا(صلى الله عليه وآله) و ما هستیم.

نتیجه این که چون برپا شدن حکومت عدل و فراگیر گشتن حکومت الهی، مستلزم آمادگی انسان است، خداوند، فراهم شدن این بستر را به صورت طبیعی انجام می دهد و اگر يك باره بخواند چنین شرایطی را آماده کند، مستلزم جبر و الزام انسان خواهد شد و مجبور کردن انسان، با عدل الهی سازگار نیست. و این آمادگی در زمان رسول خدا(صلى الله عليه وآله) و امامان معصوم قبلی، تحقق نیافت و طبق روایات، این شرایط تحول، فقط در عصر ظهور امام عصر (عج) فراهم می شود و همه ی مردم، انقلاب بزرگ مهدی (عج) را می پذیرند و از حکومت عدلش بهره می گیرند.

زندگانی امام مهدی(عج)

ولادت

س: امام مهدی(عج) فرزند کیست؟

ج: امام مهدی(عج) دوازدهمین پیشوای معصوم ما، فرزند پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری(علیه السلام) است. امام رضا(علیه السلام) فرموده اند:

الخلف الصالح من ولد إبي محمد الحسن بن علي و هو صاحب الزمان و هو المهدى؛^{٩١} خلف صالح، از فرزندان ابومحمد حسن بن علی(علیه السلام) است. او، صاحب زمان و مهدی است.

از ابی غانم خادم نقل شده است که گفت:

ولد لابی محمد ولد فسماه محمداً فعرضه على أصحابه يوم الثالث و قال: «هذا صاحبكم من بعدي و خليفتي عليكم و هو القائم الذي تمتد إليه الاعناق بالانتظار. فإذا امتلأت الارض جوراً و ظلماً،

٩٠. بحار الأنوار، ج ٢، ص ٩٠.

٩١. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٤٣، ح ٣١.

خرج، فملاها قسطاً وعدلاً؛^{۹۲} برای ابو محمد فرزندی به دنیا آمد که نامش را محمد گذاشت. او را روز سوم، به یاران خویش نشان داد و فرمود: «بعد از من، او، صاحب شما است. او، جانشین من است. او، همان قائم است که همه انتظارش را می کشند. پس هر گاه زمین پر از جور و ظلم شد، ظهور می کند و زمین را پر از قسط و عدل می کند.

س: امام مهدی (عج) در چه زمانی و در کجا به دنیا آمده است؟

ج: در مورد تاریخ تولد امام مهدی (عج) چهار قول وجود دارد:

قول اول — این قول که معروف ترین و مستندترین قول است — تاریخ تولد آن حضرت را نیمه‌ی

شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق می داند. ثقة الإسلام کلینی می نویسد:

وُلِدَ (عليه السلام) لِلنَّصَفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتِينَ؛^{۹۳} امام مهدی(علیه السلام) در

نیمه‌ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری متولد شده است.

علامه‌ی مجلسی در بحار الأنوار نیز همین تاریخ را ذکر می کند.^{۹۴}

از شهید اول (ره) نیز نقل شده است که:

وُلِدَ (عليه السلام) بِسَرِّ مَنْ رَأَى يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَيْلًا خَامِسَ عَشْرَ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ

مِائَتِينَ؛^{۹۵} امام مهدی(علیه السلام) در سامرا، جمعه شب، در پانزدهم شعبان ۲۵۵ هـ. ق به دنیا

آمد.

ابن خلکان، یکی از علمای اهل سنت نیز همین تاریخ را تاریخ ولادت امام مهدی(علیه

السلام) می داند.^{۹۶}

قول دوم؛ در برخی از مآخذ، تاریخ تولد حضرت مهدی (عج) سال ۲۵۶ هجری ضبط شده است.

کتاب کمال الدین^{۹۷} شیخ صدوق و الغیبة^{۹۸} شیخ طوسی، از جمله‌ی این منابع است.

قول سوم؛ ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، تاریخ ولادت امام مهدی(علیه السلام) را سال

۲۵۷ هـ ق دانسته است.^{۹۹}

۹۲. همان، ص ۵.

۹۳. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۹.

۹۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲.

۹۵. همان، ص ۲۸.

۹۶. همان، ص ۲۴.

۹۷. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۴۳۲.

۹۸. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۹ و ۱۴۷.

۹۹. محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامة، ص ۲۷۱ — ۲۷۲.

قول چهارم؛ برخی، مانند علی بن عیسی اربلی^{۱۰۰} و ابن ابی الثلج بغدادی^{۱۰۱}، تاریخ ولادت امام مهدی (عج) را سال ۲۵۸ هـ ق ذکر کرده اند.

همان گونه که از شهید اول نقل شد، مکان ولادت آن حضرت، شهر سامراء است^{۱۰۲} که در نزدیکی شهر بغداد قرار دارد. این شهر، بعد از شهادت امام رضا(علیه السلام) در دوره‌ی حکومت معتصم عباسی بنا گردید.

نام‌ها و القاب و معجزات

س: امام مهدی (عج) در احادیث، به چه القابی نامیده شده است؟

ج: در احادیث رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی معصومین(علیهم السلام) القاب متعددی برای امام مهدی (عج) ذکر شده است؛ در این میان، می‌توان به القابی مانند القائم، المنتظر، المهدی، الحجة، المنصور، الخلف الصالح، صاحب الزمان، بقیة الله، ... اشاره کرد.

در برخی از روایات، ضمن ذکر برخی از القاب، به وجه تسمیه‌ی آن‌ها نیز اشاره شده است:

۱. از امام جواد(علیه السلام) پرسیده شد که چرا به امام مهدی (عج) «منتظر» گفته می‌شود؟ امام(علیه

السلام)فرمود:

لأنّ له غیبة تكثر أيامها و يطول أمدها، فينتظر خروجه المخلصون و ينكره المرتابون...^{۱۰۳}؛

چون برای مهدی(علیه السلام) غیبتی است که روزهای آن بسیار و مدت آن، طولانی است.

مخلصان، منتظر ظهور او می‌مانند و اهل ریب او را انکار می‌کنند.

۲. ابو سعید خراسانی می‌گوید:

به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم: «آیا مهدی و قائم یکی هستند؟» فرمود: «آری». گفتیم: «به

چه علت او را مهدی می‌نامند؟». فرمود: چون به هر امر مخفی هدایت می‌کند. و قائم نامیده

می‌شود، چون بعد از آن که از یادها رفت که او به کار عظیمی قیام می‌کند. و قیام خواهد

کرد.^{۱۰۴}

س: چرا حضرت مهدی (عج) را در دعای ندبه، «ابن طه» می‌نامند؟

۱۰۰. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۲۷.

۱۰۱. ابن ابی الثلج بغدادی، تاریخ الاممه، ص ۱۵.

۱۰۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۸.

۱۰۳. همان، ص ۳۰.

۱۰۴. همان.

ج: در دعای ندبه به آن حضرت «یا ابن طه و المحکّمات» خطاب می کنیم.
امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

و اَمَّا طه فاسمٌ من اسماء النبی(صلی الله علیه وآله) و معناه: یا طالب الحق الهادی إلیه؛^{۱۰۵} و اَمَّا طه، پس اسمی است از اسم های پیامبر(صلی الله علیه وآله) و معنی آن، این است: ای طالب حق که راهنمای به آن هستی.

مرحوم فیض کاشانی، در تفسیر آیهی (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ)،^{۱۰۶} نقل می کند که امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «انّ المحکّمات أميرالمؤمنين و الائمه(علیهم السلام)؛^{۱۰۷} محکّمات، امیرمؤمنان و ائمه(علیهم السلام) هستند.» البته، منظور، مصداقی از مصداقی آیات محکّمات است. به همین دلیل، در دعای ندبه، به حضرت مهدی(علیه السلام) «یا ابن طه و المحکّمات» خطاب می شود. در نهایت، باید توجه داشت که هر يك از کلماتی که در دعای ندبه مطرح شده است، یقیناً، ارتباطی با مقام امام زمان(علیه السلام) داشته و ریشه در عقاید و معارف اسلامی دارد.

س: علت نهی از ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) چیست؟

ج: روایاتی که درباره ی امام مهدی (عج) از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه ی طاهر(علیهم السلام) نقل شده است، به دو دسته ی کلی قابل تقسیم است:

۱. دسته ی نخست، روایاتی هستند که از طریق اهل سنت و یا از طریق اصحاب ائمه(علیهم السلام) نقل شده اند.

این روایات، دو گونه اند:

الف) بعضی از این روایات، با کنایه، به اسم خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده اند. مانند روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی»؛^{۱۰۸} مهدی، از فرزندان من است. اسمش، اسم من و کنیه اش، کنیه ی من است...».

ب) برخی دیگر از روایات نیز به صورت صریح، به نام خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده اند. مفضل بن عمر از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که فرمود: «الإمام من بعدي ابني موسى و الخلف المأمون المنتظر م ح م د بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی؛^{۱۰۹} امام بعد از من، پسر من موسی

۱۰۵. فیضی کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۵۹.

۱۰۶. آل عمران: ۷.

۱۰۷. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۱۰۸. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۱۰۹. همان، ج ۴۸، ص ۱۵.

است و جانشینی که مورد امید و انتظار است، م ح م د بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است.»

۲. دسته‌ی دوم، روایاتی هستند که نه تنها نام خاص امام مهدی (عج) را به صورت صریح ذکر نکرده اند، بلکه از ذکر نام خاص آن حضرت، به شدت نهی کرده اند:

عن موسی به جعفر (علیه السلام) أنه قال عند ذکر القائم (علیه السلام): «یخفی علی الناس ولادته ولایحل لهم تسميته حتی یظهره الله عزوجل فیملأ به الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً»^{۱۱۰} ولادت او، از مردم پوشیده خواهد بود و بر آنان جایز نیست که نام او را ذکر کنند تا این که خداوند او را ظاهر کند و زمین را پر از قسط و عدل کند، آن گونه که پر از جور و ظلم شده بود.»

هم چنین در یکی از توقیع های امام زمان (عج) آمده است: «هر کس در بین مردم، اسم خاص مرا ذکر کند، بر او لعنت خدا باد.»^{۱۱۱}

در برخی از این احادیث، علت این نهی نیز ذکر شده است:

۱. نام امام مهدی (عج) ودیعه ای الهی است و پیامبر (صلی الله علیه وآله) اجازه ی ذکر آن را نداده اند.^{۱۱۲}

۲. شما را از تصریح به اسم آن حضرت نهی کرده ایم تا اسمش بر دشمنان ما مخفی بماند و آنان او را نشناسند.^{۱۱۳}

علمای شیعه نیز با توجه به احادیث نهی، از ذکر اسم خاص آن حضرت، پرهیز کرده اند، ولی در مورد زمان و مدت این نهی، اختلاف دارند و به دو گروه تقسیم می شوند:

بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، علامه ی مجلسی، و... فتوا به منع ذکر نام امام مهدی (عج) تا زمان ظهور آن حضرت داده اند و از تخصیص این احادیث به دوره ی غیبت صغرا، پرهیز کرده اند. علامه ی مجلسی در بحار الأنوار بعد از ذکر برخی از احادیث نهی، می نویسد: «این احادیث، تصریح دارد در ردّ سخن کسانی که نهی از ذکر نام خاص را مختص زمان غیبت صغرا می دانند.»^{۱۱۴}

عده ای دیگر از علما، از احادیث نهی، چنین استنباط کرده اند که علت این نهی، تقیه و خوف از دشمن بود. پس اگر تقیه یا خوف نباشد، ذکر نام خاص امام مهدی (عج) هیچ منعی ندارد. مؤلف کشف الغمّة می نویسد:

۱۱۰. همان، ج ۵۱، ص ۳۲.

۱۱۱. همان، ص ۳۳.

۱۱۲. همان.

۱۱۳. شیخ حرّ عاملی، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۱۱۴. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۲.

عجیب است که شیخ طبرسی و شیخ مفید می گویند: «ذکر اسم و کنیه آن حضرت (عج) جایز نیست» و بعد می گویند: «اسمش، اسم پیامبر(صلی الله علیه وآله) و کنیه اش، کنیه پیامبر(صلی الله علیه وآله) است» و گمان می کنند که اسم و کنیه آن حضرت را ذکر نکرده اند! آن چه به نظر می آید، این است که منع، به خاطر تقیه و در زمان خوف بر آن حضرت و... بود و الان، چنین نیست...^{۱۱۵}

با توجه به مطالب یاد شده و در جمع بندی آنها می توان گفت:

اولاً، در همه ای احادیث، تقیه و ترس از دشمن، علت نهی از ذکر نبوده و حضرت علی(علیه السلام) اسم خاص امام مهدی(علیه السلام) را ودیعه ای الهی می دانند و می فرمایند: «پیامبر(صلی الله علیه وآله) اجازه ی ذکر آن را نداده اند».

ثانیاً، حمل تمام احادیث منع بر زمان تقیه و ترس از دشمن، با توجه به تعداد زیاد آن احادیث، و نیز تصریح امام کاظم(علیه السلام) به عدم ذکر نام خاص امام مهدی (عج) تا زمان ظهور، کمی مشکل می نماید. اگر این احادیث، حرمت ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) را تا زمان ظهور ثابت نکنند، حداقل، کراهت شدید آن را اثبات می کنند.

مرحوم آیه الله محسن امین، در جمع میان اخبار نهی و تسمیه می نویسد: تصریح به اسم خاص، مطلقاً مکروه است، ولی ذکر نام خاص آن حضرت، صراحتاً یا با کنایه، در زمان خوف، حرام است.^{۱۱۶}

بنابراین، شایسته است که با توجه به تصریح احادیث نهی، ما نیز از ذکر اسم خاص امام زمان (عج) پرهیز کنیم و از القاب آن حضرت، برای ذکر یاد و نام وی استفاده کنیم.

س: آیا امام مهدی (عج) معجزه ای دارد؟

ج: قبل از پاسخ به این سؤال، لازم است که اشاره ای هر چند مختصر، به معنا و تعریف معجزه داشته باشیم.

محقق خوئی، در تعریف معجزه می نویسد:

معجزه، در اصطلاح، این است که مدعی منصبی از مناصب الهی، برای اثبات صحت ادعایش، کاری را انجام دهد که خارق قوانین طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن عاجزند.^{۱۱۷}

چون خداوند، بعد از خاتم انبیا حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) امامان معصوم(علیهم السلام) را مجریان شریعت و جانشینان طریقت آن حضرت و حجت خویش در روی زمین قرار داده تا راه هدایت را بر

۱۱۵. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۶.

۱۱۶. شیخ حرّ عاملی، المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۷۸.

۱۱۷. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ص ۳، (به نقل از: ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ربانی گلپایگانی، ص ۳۴۵).

مردم هموار کنند و از آن جا که همواره در طول تاریخ، مدعیان دروغین نبوت و امامت، واقعیت را بر مردم مشتبه می کردند و مردم را به گمراهی و ضلالت می کشاندند، لازم است که راهی برای شناخت امام و حجت، قرار داده شود. این راه و علامت، همان است که در اصطلاح متکلمان، «معجزه» و در اصطلاح قرآن، «بینه» و «آیه» نامیده می شود. خداوند می فرماید:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...)^{۱۱۸} ما، رسولان خود را با دلائل روشن (معجزه) فرستادیم و با آنان، کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در روایتی از امام صادق(علیه السلام) درباره‌ی علت اعطای معجزه از سوی خداوند، سوال شد. حضرت، در جواب فرمودند:

معجزه، علامتی است از طرف خداوند که آن را فقط به انبیا و رسل و امامان اعطا می کند تا صدق آنان از دورغ دروغگو شناخته شود.^{۱۱۹}

حال، با توجه به این که جمیع مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا عقیده دارند — چنان که تفتازانی می گوید: «جمهور مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا معتقد هستند»^{۱۲۰} — پس انجام دادن معجزات و کرامات از سوی امامان معصوم(علیهم السلام) — و از جمله امام زمان (عج) — که حجت های خداوند بر روی زمین و وارثان زمین هستند، امر عجیبی نیست. با مراجعه به کتاب های تاریخی و روایی و ورق زدن صفحات آن، مشاهده می کنیم که معجزات و کرامات فراوانی از سوی آنان به وقوع پیوسته است.

بعد از این مقدمه باید گفت، معجزات آن حضرت، دو دسته است:

الف) معجزاتی که آن حضرت در دوران تولد و کودکی و غیبت، انجام داده اند.

۱. تولد بدون ظاهر شدن آثار حمل

از امام حسن عسکری(علیه السلام) نقل شده که به حکیمه (دختر امام جواد(علیه السلام)) فرمود: «امشب، به خانه‌ی ما بیا؛ زیرا، امر مهمی رخ خواهد داد». حکیمه پرسید: «چه اتفاقی؟». امام(علیه السلام)فرمود: «قائم آل محمد امشب به دنیا خواهد آمد». حکیمه پرسید: «از چه کسی؟». امام(علیه السلام)فرمود: «از نرجس».

حکیمه می گوید: «به نزد نرجس رفتم و به او، فرزند بزرگواری را بشارت دادم، در حالی که هیچ اثر حملی در او مشاهده نکردم».^{۱۲۱}

۱۱۸. الحديد: ۲۵.

۱۱۹. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۷۱.

۱۲۰. الإلهيات من شرح المواقف، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، ص ۱۳۲.

۱۲۱. سیدهاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۸، ص ۱۰ و ۲۶.

چنین معجزه ای، در مورد حضرت موسی(علیه السلام) هم بیان شده است. در مادر او، یوکابد، هیچ آثار حملی ظاهر نبود^{۱۲۲} و تا روزی که موسی(علیه السلام) به دنیا آمد، کسی نفهمید که او حامله است.

۲. قرآن خواندن در بدو تولد

هنگامی که امام مهدی (عج) از مادر متولد شد، ایشان را به امام حسن عسکری(علیه السلام) دادند. آن حضرت، وی را در آغوش گرفت و فرمود: «قرآن بخوان». امام مهدی (عج) شروع به قرآن خواندن کرد.^{۱۲۳}

۳. شفای مریض لاعلاج

محمد بن یوسف نقل می کند، به مرضی دچار شدم که پزشکان از علاج آن ناامید شدند. نامه ای به حضرت امام مهدی (عج) نوشتم و از آن حضرت، طلب شفا کردم. ایشان در جواب نوشتند: «ألبسك الله العافية؛ خداوند، بر تو لباس عافیت بپوشاند». مدتی نگذشت که شفا پیدا کردم و وقتی پزشکان از این ماجرا مطلع شدند، گفتند: «این شفا و عافیت، به یقین، از جانب خداوند بوده است».^{۱۲۴}

۴. طلا شدن سنگریزه

یکی از اهالی مدائن می گوید: به همراه رفیقم، به حج می رفتیم. در نزدیکی موقوف، فقیری به سوی ما آمد. ما به او جواب رد دادیم. سپس به سوی جوانی خوش سیما که ردایی پوشیده بود رفت. او، سنگی از روی زمین برداشت و به فقیر داد. شخص فقیر، مدتی زیادی در حق او دعا می کرد. در این هنگام، آن جوان غائب شد. ما به نزد مرد فقیر رفتیم و گفتیم: «وای بر تو! آیا برای گرفتن يك سنگ، این قدر دعا می کنی؟» که ناگهان در دست او سنگی از طلا دیدیم که در حدود بیست مثقال می شد. وقتی در مورد آن جوان از اهل مکه و مدینه سوال کردیم، گفتند: «چنین شخصی از علویان است و هر سال با پای پیاده به حج می آید».^{۱۲۵}

۵. خبر دادن از غیب

از پسر مهزیار نقل شده که در سفری با کشتی همراه پدرم بودم و مال زیادی به همراه او بود. پدرم، دچار بیماری سختی شد و گفت: «من، در حال مردن هستم». و در مورد آن اموال، وصیت کرد که آن ها را به امام زمان (عج) بدهم. از این وصیت تعجب کردم، ولی مطمئن بودم که پدرم بیهوده سخن نمی گوید. با خود گفتم: «اگر امر برایم روشن شد، مانند دوران امام حسن عسکری(علیه السلام) به وصیت عمل می کنم والا آن را صدقه می دهم».

۱۲۲. هاشم رسولی محلاتی، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، ج ۲، ص ۴۶.

۱۲۳. سیدهاشم بحرانی، تبصرة الولی، ج ۱۸.

۱۲۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹۷؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۹.

۱۲۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ مدینه المعجز، ج ۸، ص ۷۱.

مدتی در عراق بودم تا این که فرستاده ای از جانب امام زمان (عج) آمد و مشخصات مال و محلّ مخفی کردن آن را گفت و حتی بعضی از مشخصاتی را که خودم هم نمی دانستم، بیان کرد و من هم مال را به او دادم.^{۱۲۶}

ب) معجزاتی که امام مهدی (عج) به هنگام ظهور انجام خواهد داد.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

هیچ معجزه ای از معجزات انبیا نیست مگر این که خداوند آن را به دست حضرت قائم (عج) برای اتمام حجّت، بر دشمنان ظاهر خواهد کرد.^{۱۲۷}

بنابراین، معجزات آن حضرت به دوره‌ی غیبت و قبل از آن، ختم نمی شود و به هنگام ظهور نیز آن حضرت برای معرفی حقانیت خویش و اتمام حجّت بر دشمنان و منکران، معجزاتی را انجام خواهند داد.

ویژگی های امام مهدی (عج)

س: امام مهدی (عج) از لحاظ جسمانی چه ویژگی هایی دارد؟

ج: در بشارت هایی که از سوی انبیای گذشته و پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی معصوم(علیهم السلام) داده شده، اوصاف جسمانی متعدّدی برای امام مهدی (عج) ذکر شده که به بعضی از آن ها اشاره می شود.

۱. در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می کند که می گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان (عرب)... مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار و...».^{۱۲۸}

۲. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده که امیرالمؤمنین(علیه السلام) بر بالای منبر فرمود: «مردی از دودمان من در آخرالزمان ظهور می کند که رنگش سفید مایل به سرخی، و شکمش عریض، ران هایش پهن، استخوان شانۀ هایش درشت است. در پشت وی، دو خال است: یکی به رنگ پوست بدنش و دیگری شبیه خال پیامبر(صلی الله علیه وآله)....».^{۱۲۹}

۱۲۶. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۸۲.

۱۲۷. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر، ص ۳۱۲.

۱۲۸. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۴۳ - ۲۴۴.

۱۲۹. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵.

۳. حذیفه از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) روایت کرده است که «مهدی (عج) مردی از فرزندان من است. چهره‌ی آن حضرت، مانند ماه درخشان است. رخسار او، گندم‌گون و جسم و قامت وی رشید است...».^{۱۳۰}

۴. هیثم بن عبدالرحمان از علی(علیه السلام) روایت کرده است که «مهدی (عج) از اهل بیت نبی(صلی الله علیه وآله) است. او، برای مدتی، به بیت المقدس هجرت می‌کند. محاسن او پر پشت، چشمانش سیاه، دندان‌هایش سفید و براق است، و در صورتش خال بزرگی نمایان است و در کتف او علامت پیامبر(صلی الله علیه وآله) است».^{۱۳۱}

۵. امام باقر(علیه السلام) در ذکر شمائل امام مهدی (عج) بیان می‌دارد: «رنگ چهره اش به سرخی می‌گراید. چشمانش در چهره، فرو رفته، ابروانش برجسته و میان دو شانه اش پهن است...».^{۱۳۲}

از مجموع این احادیث و برخی دیگر از روایات، می‌توان برخی از خصوصیات جسمانی آن حضرت را به هنگام ظهور، چنین بیان کرد:

۱. همانند جوانی میان سال خواهد بود.
۲. متوسط القامه و جسم و قامت وی رشید خواهد بود.
۳. خوش صورت و خوش مو است.
۴. محاسن وی پر پشت است.
۵. رنگ چهره اش، سفید متمایل به سرخی است.
۶. میان شانه‌هایش پهن است.
۷. خالی شبیه خال پیامبر(صلی الله علیه وآله) دارد.

و

س: امام مهدی (عج) از لحاظ رفتار اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارد؟

ج: امام مهدی (عج) مانند سایر فرستادگان الهی و ائمه‌ی معصوم(علیهم السلام)همه‌ی ویژگی‌ها و خصوصیات عالی را دارا است، لکن از لحاظ رفتار اجتماعی، بعضی خصوصیات را دارد که خداوند متعال به آن حضرت عطا کرده است:

۱. امام مهدی (عج) هیچ حکومتی را حتی از روی تقیّه، به رسمیت نشناخته و نمی‌شناسد. او مأمور به تقیّه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد.

۱۳۰. شیخ سلیمان قندوزی حنفی، *ینابیع الموده*، ص ۱۸۸، (به نقل از تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۳۴).

۱۳۱. ملاحم ابن طاووس، ص ۷۳، (به نقل از تاریخ زندگانی حضرت مهدی، ص ۳۴).

۱۳۲. ترجمه‌ی فارسی مهدویت، از کتاب *اعیان الشیعه*، ص ۲۷، (به نقل از نرم افزار کتابخانه امام مهدی (عج)).

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «قائم(علیه السلام) قیام می کند، در حالی که بیعت هیچ کس را بر گردن ندارد».^{۱۳۳}

۲. آن حضرت، در قضاوت، از علم الهی استفاده کرده و نیازی به بیّنه و شاهد ندارد و همانند حضرت داوود(علیه السلام) و سلیمان(علیه السلام) قضاوت خواهد کرد. امام باقر(علیه السلام) می فرماید: «سپس امام مهدی (عج) به منادی، امر خواهد کرد تا ندا دهد که این مهدی است و همانند قضاوت داوود(علیه السلام) و سلیمان(علیه السلام) قضاوت می کند و در این امر بیّنه ای نمی خواهد».^{۱۳۴}

۳. هر چند برخی از پیامبران و امامان، تشکیل حکومت دادند، ولی حکومت آنان فراگیر نبود، بلکه محدود به مناطق خاص و قسمت هایی از سرزمین های عالم خاکی می شد، اما امام مهدی حکومتی فراگیر تشکیل می دهد که تمام کره ی خاکی را در بر می گیرد. پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) در این مورد می فرماید: «... حکومت امام مهدی(علیه السلام) غرب و شرق را فرا می گیرد».^{۱۳۵}

۴. حکومت حضرت مهدی (عج) حکومت عدل و داد است و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. تقریباً در اکثر احادیث مربوط به امام زمان(علیه السلام) آمده است که خداوند به وسیله ی آن حضرت، جهان را پر از عدل و قسط خواهد کرد.^{۱۳۶}

۵. چون حکومت امام زمان، حکومت عدل است، همه از حکومت آن حضرت راضی خواهند بود. پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «در خلافت مهدی(علیه السلام) اهل زمین و اهل آسمان راضی خواهند بود».^{۱۳۷}

غیبت

غیبت صغرا و کبرا

س: غیبت صغرا و کبرا یعنی چه و فرق آن دو چیست؟

۱۳۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۹.

۱۳۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۶۵.

۱۳۵. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۱۳۶. همان، ص ۷۳.

۱۳۷. همان، ص ۸۰.

ج: کلمه‌ی «غیبت» مصدر است و اگر از فعل معلوم باشد، به معنای «پنهان شدن»، «دور شدن»، «ضد حضور» است و اگر از فعل متعدی باشد، به معنای «آشکار کردن عیب دیگری» خواهد بود. معنای اخیر، در علم اخلاق، کاربرد دارد. آن چه در این بحث مورد نظر است، معنای نخست، یعنی ضد حضور و پنهان شدن است. در اصطلاح شیعه‌ی امامیه، «غیبت»، بیش تر در مورد دوره ای به کار می رود که با وفات امام حسن عسکری و نهان شدن امام مهدی (عج) آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. به همین خاطر، علمای شیعه، تاریخ اسلام را از این دیدگاه، به دو عصر حضور و عصر غیبت تقسیم می کنند و خود عصر غیبت نیز به دو دوره‌ی غیبت صغرا و غیبت کبرا تقسیم می شود.

چنان که از روایات بر می آید و عملاً نیز واقع شده، امام مهدی (عج) دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است. غیبت کوتاه را غیبت صغرا، و غیبت طولانی را که بعد از غیبت صغرا آغاز شده و هنوز نیز ادامه دارد، غیبت کبرا گویند.

غیبت صغرا؛ این غیبت از سال دویست و شصت هجری (سال شهادت امام حسن(علیه السلام)) آغاز شد و تا سال سیصد و بیست و نه (سال وفات آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود شصت و نه سال طول کشید. در این مدت، گرچه امام (عج) از نظرها پنهان بود، لکن این غیبت، عام و فراگیر نبود، و کسانی بودند که با امام زمان (عج) در تماس باشند. اینان به «نایبان خاص» امام(علیه السلام) مشهور شده اند. مردم، در کارهای خود به این نواب مراجعه می کردند و نامه ها و نیازمندی ها را به واسطه‌ی این افراد خاص به محضر حضرت می فرستادند و پاسخ را دریافت می داشتند و احياناً بعضی نیز با واسطه‌ی نواب خاص، به محضر امام(علیه السلام) شرفیات می شدند.

می توان دلایل عمده‌ی شکل گیری غیبت صغرا قبل از غیبت کبرا را در دو مورد ذیل خلاصه کرد:

۱. غیبت صغرا که همراه با ارتباط نایبان خاص و برخی از شیعیان با امام مهدی (عج) بود، موجب تثبیت مسئله‌ی ولادت و حیات حضرت مهدی شد و از بروز برخی از انحرافات و شبهات جلوگیری کرد.

۲. غیبت صغرا، دوران آماده سازی شیعیان برای شروع غیبت کبرا بود و شیعیان، در این مدت، خود را با دوره‌ی عدم حضور امام(علیه السلام) هماهنگ کردند. اگر غیبت صغرا نبود و غیبت کبرا به يك باره اتفاق می افتاد، موجب ایجاد مشکلات متعدّد و بروز انحراف برخی از افکار می شد.

غیبت کبرا؛ این غیبت از سال سیصد و بیست و نه (هـ ق) یعنی به هنگام پایان نیابت چهارمین نایب خاص، شروع شد و تا زمان ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت. این، همان غیبتی است که آزمایش سخت بشری در آن نهفته است.^{۱۳۸}

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی هدی (علیه السلام) در روایات متعددی از این دو غیبت خبر داده اند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

قائم را دو غیبت خواهد بود: یکی طولانی و دیگری کوتاه. در غیبت نخست، شیعیان خاص، جایش را می دانند، ولی در دومی، جز خواص دوستان دینی او، کسی از جایش اطلاع ندارد.^{۱۳۹} با این توضیح، نتیجه گرفته می شود که غیبت صغرا یا همان غیبت کوتاه، مقدمه ای برای غیبت کبرا و بزرگ بوده است. به طور خلاصه، تفاوت این دو غیبت، عبارت است از:

۱. غیبت صغرا، محدود و کوتاه بود، در حالی که غیبت کبرا طولانی و مدت آن نامعلوم است.
۲. در غیبت صغرا، اشخاصی به عنوان نائب خاص، معرفی و آنان واسطه‌ی مردم و امام به حساب می آمدند، در حالی که در غیبت کبرا نواب عام، با ملاک‌های مشخص، وجود دارند و امکان تماس با آن حضرت کم تر و محدودتر از غیبت صغرا است.

س: وضعیت سیاسی - اجتماعی عصر غیبت امام مهدی (عج) چگونه بود؟

ج: برای شناخت هر چه بهتر تاریخ سیاسی عصر غیبت صغرا و دست یافتن به تحلیلی صحیح و جامع در مورد این دوره و پی بردن به علل و زمینه های غیبت امام دوازدهم (عج) و در نهایت، عمق موضع گیری های امام (علیه السلام) بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی و فکری آن زمان ضروری است. تاریخ نگاران، عصر حکومت عباسیان را که بیش از پنج قرن (از ۱۳۲ - ۷۹۴ هـ ق) به طول انجامید، به چهار دوره تقسیم کرده اند. آن چه که در این قسمت مورد نظر ما است، بررسی دوره‌ی دوم حکومت عباسی یعنی از ابتدای خلافت متوکل تا شروع غیبت صغرا (۳۶۰ هـ ق) است.

وضعیت سیاسی - اجتماعی و فکری دوره‌ی دوم عباسیان

الف) وضعیت سیاسی:

بیش تر وزرا و امرای عباسیان، افرادی بی کفایت و ستمگر بودند و در تحقیر و ضرب و شتم و شکنجه‌ی مردم و از بین بردن حقوق آنان و چپاول اموالشان از هیچ کاری فروگذار نبودند. در زمان «وائق»، وزیرش «محمد بن عبدالملک الزیات» تنوری ساخته و در آن میخ‌هایی کار گذاشته بود و مردم را در آن شکنجه می داد و جالب این که خود او در همان تنور شکنجه و کشته شد.^{۱۴۰}

۱۳۹. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵.

۱۴۰. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۸۸، ابن اثیر؛ الكامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۳۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ

طبری، ج ۱۱، ص ۲۸ و ۶۷.

متوکل، یکی از خلفای عباسی، رسماً، اظهار انزجار از ذریه‌ی علی(علیه السلام) و علویان می‌کرد. آل ابی طالب، در زمان او، مصائبی را متحمل شدند که در عهد هیچ یک از خلفای ستمگر پیشین ندیده بودند!

وی، به حاکم خود در مصر، فرمان داد با علویان، بر اساس قواعد زیر برخورد کند:
یک. به هیچ یک از علویان ملکی داده نشود.

دو. به هیچ یک از علویان جواز داشتن بیش از یک برده داده نشود.

سه. اگر دعوی ما بین یک علوی و غیر علوی صورت گرفت، قاضی نخست به سخن غیر علوی گوش فرا دهد و پس از آن بدون گفت گو با علوی، آن را بپذیرد.^{۱۴۱}
متوکل، زیارت قبر امام حسین(علیه السلام) را ممنوع کرده بود. او قبر آن حضرت را به آب بست، لیکن آب به گرد قبر حلقه زد و آن جا را فرا نگرفت. از آن پس، آن جا «حائر» نامیده شد^{۱۴۲}. او، هر کس را که منسوب به علی(علیه السلام) یا از دوستداران آن حضرت بود، نابود می‌کرد و اموالش را مصادره می‌کرد.^{۱۴۳}

دیگر خلفای عباسی نیز علاوه بر ظلم‌های فراوان به علویان و شیعیان، اقدام به ریختن خون ائمه(علیهم السلام) می‌کردند. با درک چنین شرایط و اوضاعی، ضرورت غیبت امام زمان (عج) ملموس تر می‌شود.

ب) وضعیت اجتماعی;

در این دوره، به علت بی‌کفایتی خلفا و غرق بودن آنان در عیاشی و زن‌بارگی و شب‌نشینی‌های آنچنانی و ولخرجی‌های بی‌حد و حصر، رفاه‌زدگی و دنیازدگی، جامعه، عملاً، به دو قشر و دو قطب بزرگ غنی و فقیر، تقسیم شده بود و شکاف و فاصله‌ی طبقاتی میان خلفا و کارگزاران آنان با توده‌ی مردم، به اوج خود رسیده بود.

همان گونه که می‌دانیم، هدف پیامبران و ائمه(علیهم السلام) از حضور در جامعه، هدایت آن جامعه به سوی حق و کمال است و این امر، زمانی تحقق می‌یابد که بستر مناسبی فراهم گردد، لکن همان گونه که ذکر شد، در دوره‌ی دوم حکومت عباسیان، دنیازدگی و رفاه‌طلبی، سراسر جامعه را فرا گرفته بود و ثروت‌مندان بی‌توجه به دیگر اقشار، در رفاه غوطه‌ور شده بودند و اقشار پایین دست نیز خود را در بی‌خیالی و بی‌تحریکی فرو برده بودند و نه تنها فرصتی برای عرضه‌ی اوامر الهی پیش نمی‌آمد بلکه فشارهای فوق‌العاده‌ای از سوی خلفای عباسی بر امامان و یاران ایشان وارد می‌شد. این وضع، می‌رساند که بستر مناسب برای بهره‌گیری از هدایت امامان، به اندازه‌ی لازم و حداقل هم وجود

۱۴۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه، ص ۴۱۵.

۱۴۲. باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن عسکری(علیه السلام)، ص ۲۴۵.

۱۴۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۲۴.

نداشت. به همین دلیل، حکمت الهی، اقتضا می کرد که امام مهدی (عج) غیبت کند تا زمانی که آمادگی لازم و بستر مناسب برای هدایت در جامعه‌ی انسانی به وجود آید.

ج) وضعیت فکری؛

آن چه به لحاظ وضعیت فکری در این دوره در خور توجه و تأمل است، تغییر خط مشی فکری خلافت عباسی بود؛ زیرا، خلفای قبل از متوکل، همگی، طرفدار مکتب اعتزال بودند و این مکتب، مکتب رسمی خلافت به حساب می آمد، اما با روی کار آمدن متوکل، مذهب رسمی خلافت، به مذهب اهل حدیث تغییر یافت و سرکوبی معتزله و شیعیان و حمایت جدی از اهل حدیث – که غالب اهل سنت را در بر می گرفت – آغاز شد. متوکل، با این چرخش فکری، برای رسیدن به اهداف خود و نابودی هر چه بیش تر معتزله و شیعه، روش های خاصی را اتخاذ کرد. نخست، تفتیش عقاید از مخالفان را آغاز کرد و دوم این که «ابن الزیات» وزیر و همکارانش را از مشاغل حکومتی بر کنار کرد و به جای او «جرائی» و «ابن خاقان» را که گرایش های افراطی ضد شیعی داشتند، منصوب کرد.^{۱۴۴}

س: وجود امام غائب چه فایده ای دارد؟

ج: متکلمان امامیه، در اثبات ضرورت وجود امام در هر زمان، به ادله‌ی عقلی و نقلی استناد می کنند که یکی از آنها «قاعده‌ی لطف» است. بر اساس دلایل عقلی، وجود امام، زمینه را برای اطاعت انسان ها مهیا کرده و آنان را از گناه دور می سازد. بنابراین، وجود امام، لطف است و چون لطف بر خداوند واجب است، باید در هر زمان، امامی برای هدایت انسان ها وجود داشته باشد.^{۱۴۵} طبق این توضیح، وجود امام در هر عصر و زمانی، لازم و ضروری می شود، اما نحوه‌ی حضور امام (علیه السلام) بستگی تام به اوضاع و احوال جامعه‌ی انسانی دارد؛ زیرا، اگر شرایط لازم برای حضور امام مهیا باشد، امام در میان جامعه، حضوری آشکار خواهد داشت، ولی اگر چنین شرایطی آماده نبود، امام (علیه السلام) مستور خواهد شد.

حضرت علی (علیه السلام) درباره‌ی ضرورت وجود امام در میان انسان ها و چگونگی این حضور، می فرماید:

هرگز، روی زمین، از قیام کننده ای با حجت و دلیل، خالی نمی ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد، خواه بیم ناک و پنهان. [این چنین است] تا دلائل و اسناد روشن الهی از بین نرود و به فراموشی نگراید.^{۱۴۶}

۱۴۴. ر.ک: تاریخ سیاسی، غیبت امام دوازدهم، ص ۸۲. مسعود پورسید آقایی و دیگران، درسنامه‌ی تاریخ عصر غیبت.

۱۴۵. علامه‌ی حلی، کشف المراد، ص ۱۸۱.

۱۴۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۴۷، حکمت ۱۴۳.

بنابراین، نقش امام، حفظ دین و احکام الهی است و این نقش، از سوی امام در هر زمانی ایفا می شود، حال، امام حاضر باشد یا غائب.

هم چنین از امام سجاد(علیه السلام) نقل شده است که درباره‌ی فوائد وجود ائمه(علیهم السلام) فرمود:
در پرتو وجود ما است که خداوند، آسمان را از فروپاشی، زمین را از لرزش و سلب آرامش ساکنانش، نگه می دارد؛ به واسطه‌ی ما است که خداوند باران نازل می کند و رحمت خود را می گستراند و برکات و نعمت های زمین را بیرون می آورد. و اگر از ما، کسی در زمین نباشد، زمین، اهل خود را فرو می برد.^{۱۴۷}

طبق این حدیث، امامان، علاوه بر نقش تشریحی، نقش تکوینی دارند و در صورت غیبت، هر چند نقش تشریحی آنان در پس پرده می ماند، اما آنان به نقش تکوینی خود عمل می کنند و وجودشان باعث استمرار حیات و زندگی و اتمام حجّت الهی بر روی زمین می شود. امام صادق(علیه السلام) در بیان ضرورت وجود امام بر روی زمین، می فرماید:

اگر زمین، بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می برد.^{۱۴۸}
بنابراین، نقش تکوینی امام، منحصر در حضور نیست و در دوره‌ی غیبت نیز این تأثیر ادامه دارد و ساکنان زمین از وجود امام بهره مند می شوند.

با بررسی این احادیث، می توان نتیجه گرفت که وجود امام بر روی زمین، فوائد زیر را دارد و فرقی نمی کند که حضور امام به صورت آشکار باشد یا به صورت پنهانی و مستور:

۱. وجود امام، موجب ارتباط میان خالق و مخلوق و زنده بودن حجّت ها و دلائل الهی در جامعه‌ی انسانی می شود.

۲. وجود امام، امن و امان برای مردم است و خداوند، به خاطر آنان، زمین و آسمان را از فروپاشیدن باز می دارد.

۳. وجود امام در زمین، موجب فرستاده شدن نعمت های الهی می شود.

۴. وجود امام، موجب امیدواری مؤمنان برای تحقق عدل الهی بر جوامع انسانی می شود.

۵. وجود امام در حیات انسان، دو نقش تشریحی و تکوینی دارد. در زمان غیبت، نقش تشریحی او در پس پرده، مستور می ماند، اما نقش تکوینی او، موجب استمرار و ادامه‌ی حیات می شود.

چگونگی ارتباط مردم با امام مهدی (عج)

س: چه کسانی حضرت قائم (عج) را قبل از آغاز غیبت کبرا دیده اند؟

۱۴۷. شیخ صدوق، امالی، ص ۱۱۲، مجلس ۳۵.

۱۴۸. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۱۰.

ج: بعد از تولّد حضرت مهدی (عج) و قبل از وفات امام حسن عسکری(علیه السلام) برخی از اصحاب و شیعیان خاص، هنگام تشرّف به خدمت امام حسن عسکری(علیه السلام) به ملاقات امام مهدی (عج) رسیده اند. در این میان، ملاقات سعد بن عبدالله اشعری با حضرت مهدی(علیه السلام) و سوالات وی از آن حضرت در حضور امام حسن عسکری(علیه السلام) معروف است.^{۱۴۹}

دومین ملاقات، مربوط به دیدار چهل نفر از اصحاب امام حسن عسکری(علیه السلام) با امام مهدی (عج) است که تفصیل آن را حسن بن ایوب بن نوح چنین بیان می دارد:

ما برای پرسش درباره‌ی امام بعدی، به حضور امام حسن عسکری(علیه السلام) رسیدیم. در مجلس آن حضرت، چهل نفر حضور داشتند. عثمان بن سعید عمّری، — که بعدها از نایبان خاص امام زمان(علیه السلام) شد — به پاخواست و عرض کرد: «می خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره‌ی آن، از من دانائتری». امام(علیه السلام) فرمود: «بنشین». عثمان با ناراحتی خواست از مجلس خارج شود. حضرت(علیه السلام) فرمود: «هیچ کس از مجلس بیرون نرود». کسی بیرون نرفت و مدّتی گذشت. در این هنگام، امام(علیه السلام) عثمان را صدا کرد. او به پاخواست. حضرت فرمود: «می خواهید به شما بگویم که برای چه به این جا آمده اید؟». همه گفتند: «بفرمایید». فرمود: «برای این به این جا آمده اید که از حجّت و امام پس از من بپرسید.»

گفتند: «بلی». در این هنگام، پسری نورانی، مانند پاره‌ی ماه که شبیه ترین مردم به امام حسن عسکری(علیه السلام) بود، وارد مجلس شد. حضرت، با اشاره، به او فرمود: «این، امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است. فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت، هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد.....».^{۱۵۰}

«نسیم»، خادم امام حسن عسکری(علیه السلام) نقل می کند که يك شب بعد از تولّد صاحب الأمر(علیه السلام) نزد ایشان رفتم. ناگهان، نزد ایشان عطسه کردم. حضرت فرمود: «یرحمک الله». نسیم می گوید: «من، خوش حال شدم». حضرت (عج) فرمود: «آیا از فوائد عطسه، به تو خبر بدهم؟». گفتیم: «آری». فرمود: «عطسه، سه روز، امان از مرگ است.».^{۱۵۱}

بعد از شهادت امام حسن عسکری(علیه السلام) و آغاز غیبت صغرا نیز این دیدارها ادامه داشت و علاوه بر نایبان خاصّ آن حضرت که دائماً با ایشان ارتباط داشتند و به ملاقات آن حضرت می رسیدند، عدّه‌ی کثیری غیر از نایبان خاصّ نیز به دیدار آن حضرت رسیده اند. این ملاقات ها، تا آغاز غیبت کبرا ادامه داشته است.

۱۴۹. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۷۸ — ۸۹.

۱۵۰. همان، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

۱۵۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۰.

مرحوم علامه‌ی مجلسی در کتاب بحارالأنوار، جلد پنجاه و دوم، روایات مختلف و فراوانی را از کسانی که به حضور امام زمان (عج) رسیده و آن حضرت را ملاقات کرده اند، نقل کرده است. در این جا، به ذکر چند نمونه اکتفا می شود:

۱. طریف می گوید: خدمت صاحب الزمان (عج) رسیدم... حضرت فرمود: «آیا مرا می شناسی؟». گفتم: «آری». فرمود: «من کیستم؟». گفتم: «شما، مولای من و فرزند مولای من هستید». فرمود: «این را از تو سوال نکردم». گفتم: «فدایت شوم! خودتان توضیح دهید». فرمود: «من، خاتم اوصیا هستم و به دست من خداوند، بلا را از اهل من و شیعه‌ی من دفع می کند». ^{۱۵۲}
۲. حمیری می گوید: از محمد بن عثمان عمری سوال کردم: «آیا صاحب الزمان را دیده‌ای؟». او گفت: «آری و آخرین دیدار من با ایشان، در بیت الله الحرام بود. آن حضرت فرمود: «اللهم! أنجزلی ما وَعَدْتَنِي؛ خدایا! به جا آور آن چه را که به من وعده داده‌ای». ^{۱۵۳}
۳. ابراهیم بن ادريس می گوید: «امام زمان (علیه السلام) را در حالی که بزرگ شده بود — یعنی بعد از وفات امام حسن عسکری — ملاقات کردم و دست و صورتش را بوسیدم». ^{۱۵۴}

س: آیا دیدار آن حضرت (عج) بعد از آغاز غیبت کبرا امکان دارد؟

ج: برای روشن شدن این مطلب، خوب است اشاره ای به روایاتی که کیفیت غیبت را بیان داشته اند، داشته باشیم.

الف) روایاتی که غیبت را تنها مستور بودن معرفی می کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «در صاحب این امر، سنت هایی از پیامبران (علیه السلام) است. سنتی از موسی بن عمران، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف، سنتی از محمد (صلی الله علیه وآله). سنتی که از موسی (علیه السلام) دارد، آن است که خائف و منتظر فرصت نشسته است. سنتی که از عیسی (علیه السلام) دارد، آن است که درباره اش بگویند، آن چه را که درباره‌ی عیسی (علیه السلام) می گفتند. سنتی که از یوسف دارد، مستور بودن است. خداوند، میان او و مردم، حجابی قرار می دهد، به طوری که او را می بینند، ولی نمی شناسند. سنتی که از محمد (صلی الله علیه وآله) دارد، آن است که هدایت شده به هدایت او و سیر کننده به سیرت او است». ^{۱۵۵}

۱۵۲. همان.

۱۵۳. همان.

۱۵۴. همان، ص ۱۴.

۱۵۵. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۲۹، باب ۳۳، ح ۴۶.

با توجه به این روایت و مانند آن، زندگی حضرت مهدی(علیه السلام) در دوران غیبت، به شکل طبیعی صورت می‌گیرد و حتی مردم عادی نیز به دیدار او توفیق می‌یابند، اما از شناخت او ناتوان اند.

با این تفسیر، غیبت آن بزرگوار، فقط به عنوان «حجاب معرفت» و «مانع شناخت»، مطرح می‌شود که آن هم بر دیده و دل مردم کشیده شده است، نه بر وجود شریف او و بدین ترتیب می‌توان گفت، هر گاه آن حجاب و مانع، از چشم و دیده‌ی مردم برداشته شود، او را خواهند دید و خواهند شناخت.

ب) روایاتی که حضور مستمر و مستور برای آن حضرت بیان کرده اند.

در بخش‌هایی از دعای ندبه می‌خوانیم: «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مَغِيبٍ لَمْ يَخُلْ مَنَا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحِ مَا نَزَحَ عَنَّا؛ به جانم سوگند که تو آن نمانده‌ای که بیرون از جمع ما نیستی. به جانم سوگند که تو آن دور شده‌ای که از ما دوری نداری».^{۱۵۶}

دو تعبیر «نمانده‌ای که همیشه با ما است» و «دور شده‌ای که به ما نزدیک است»، نوید بخش حضور مستمر امام زمان(علیه السلام) در جمع شیعیان و محبان او است. مراد از این تعبیر، این است که هر چند آن حضرت، همیشه با ما است، ولی چون شناخته نمی‌شود، نمانده و مستور به شمار می‌آید و یا این که هر چند آن حضرت دور شده از عموم مردم به حساب می‌آید، لکن به خاصان و دوستان خویشتن، نزدیک است.

ج) روایاتی که می‌گویند، آن حضرت، از دیدگان پنهان است نه از دل‌ها.

راوی می‌گوید: از امام کاظم(علیه السلام) درباره‌ی آیه‌ی (وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً)^{۱۵۷} پرسیدم. فرمود: «نعمت ظاهر و آشکار، امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان، امام غائب». پرسیدم: «آیا از امامان ما، کسی غایب می‌شود؟». فرمود: «نعم. یَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرَهُ؛ آری. چهره‌اش از دیدگان مردم پنهان می‌شود، لکن یادش از دل‌های مومنان غائب نمی‌شود».^{۱۵۸}

مردم، اگر چه از دیدن چهره‌ی پر فروغ امام خویشتن در دوران غیبت محروم می‌مانند، لکن می‌توانند یاد او را همیشه در دل داشته باشند.

توجه به اختلاف دو تعبیر «أَبْصَارِ النَّاسِ» و «قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» در کلام حضرت، نشان دهنده‌ی امتیاز مومنین و اختلاف تلقی آنان از غیبت، نسبت به سایر مردم است. آن چه برای مردم عادی مهم

۱۵۶. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۱۵۷. لقمان: ۲۰؛ و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان، بر شما ارزانی داشته است.

۱۵۸. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۲۹۹، فصل ۲، باب ۲۲، ح ۳.

است، دیدن با چشم سر است. اگر نبینند، باور نمی کنند. دلشان از امامی که نمی بینند، متأثر نمی شود و چون «دل» متأثر نشد، عمل شان رنگ تبعیت از امام نمی گیرد.

برای مؤمنان، آن چه اهمّیت دارد، دیدن با چشم دل است و چون با چشم دل، امام معصوم خویش را می بینند، ایمان می آورند و رفتار و گفتارشان رنگ ولایت می گیرد و اگر چه او را با چشم سر نتوانند ببینند.

د) روایاتی که می گوید، یاران حقیقی آن حضرت، به مکان غیبت آگاهی دارند.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

برای حضرت قائم(علیه السلام) دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست جز شیعیان مخصوص، کسی از جای آن حضرت با خبر نیست و در غیبت دوم، جز دوستان مخصوص و موالیان حقیقی در دین، کسی به مکان او آگاه نیست.^{۱۵۹}

هـ) برخی از روایات می گویند، آن حضرت در بازارها راه می روند و حتی پا روی فرش های مردم می گذارند.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

برادران یوسف(علیه السلام)، همه، نوادگان و فرزندان پیامبر بودند، ولی اگر چه با یوسف تجارت و خرید و فروش کردند و مورد خطابش قرار دادند، اما در عین برادری، او را نشناختند تا آن زمان که خودش گفت، من، یوسف هستم و این، برادر من است. پس این امت چه گونه انکار می کند که خدای عزوجل، با حجّت خویش (امام دوازدهم) در يك زمانی، همان کند که با یوسف کرد؟... چه گونه این امت انکار می کند که خداوند عزوجل، با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد که امام آنان در بازارهاشان راه برود بر فرش های شان قدم بگذارد، اما او را شناسند تا آن زمانی که خداوند به ظهور او اجازه فرماید.^{۱۶۰}

بنابر آن چه گفته شد، نه تنها حرف زدن با ایشان، بلکه دیدن ایشان، ممکن است و بهترین دلیل بر این مطلب، امکان وقوعی آن است. در بیش تر کتاب های مربوط به امام زمان (عج) باب مفصلی به این موضوع، اختصاص داده شده است.^{۱۶۱}

نایبان امام مهدی(عج)

۱۵۹. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۲ - ۱۴۹.

۱۶۰. کافی، ج ۲، ص ۳۴، کتاب الحجّة، ح ۴.

۱۶۱. رك: منتخب الأثر، فصل پنجم، باب دوم.

نیابت خاص

س: به چه کسانی نایبان خاص می گویند؟

ج: بعد از آغاز غیبت صغرا، امام مهدی (عج) افرادی امین و مورد اعتماد را با نام و نشانی خاص که بین شیعیان شناخته شده بودند، به عنوان نایب خویش در بین مردم، انتخاب کردند. این افراد، واسطه‌ی آن حضرت و شیعیان بودند و یکی بعد از دیگری، عهده دار منصب نیابت شدند.

عمده ترین وظایف این افراد عبارت بود از:

۱. انتقال سؤال ها و مشکلات مردم به محضر امام زمان (علیه السلام) و رساندن جواب آن حضرت به مردم.

۲. بر طرف کردن مشکلات علمی، اقتصادی و اجتماعی شیعیان.^{۱۶۲}

۳. سازمان دهی وکلا و اخذ و توزیع اموال متعلق به امام (علیه السلام) در میان مردم.^{۱۶۳}

۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت و وکالت امام مهدی (عج).^{۱۶۴}

۵. مسئولیت های دیگری که از سوی امام زمان (عج) بر عهدهی آنان گذاشته می شد.

نایبان خاص امام زمان (عج) در زمان غیبت صغرا چهار نفر بودند: عثمان بن سعید؛ محمد بن عثمان؛ حسین بن روح؛ علی بن محمد سمري. هر يك از اینان در شهرهای مختلف، برای خود، نمایندگانی داشتند.^{۱۶۵}

۱. عثمان بن سعید عمری

وی، نخستین نایب امام زمان (عج) است. ایشان، از یازده سالگی، متولّی خدمت به ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام) شد. وی، در ظاهر، روغن می فروخت، در حالی که در اصل، حقوق شرعی را که به دستش می رسید، در ظرف روغن می گذاشت و به خدمت امام هادی (علیه السلام) و بعد از ایشان به خدمت امام حسن عسکری (علیه السلام) می برد. به همین دلیل، معروف به سمّان (روغن فروش) شده بود.^{۱۶۶}

عثمان بن سعید، بعد از آغاز غیبت صغرا، از سوی امام مهدی (عج) به عنوان نایب و وکیل آن حضرت در میان مردم انتخاب شد تا این که در سال دویست و شصت و سه هـ ق^{۱۶۷} یا دویست و شصت و پنج هـ ق^{۱۶۸} وفات یافت.

۱۶۲. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۸۴ و ۴۹۵.

۱۶۳. عباس راسخی نجفی، نواب اربعه، ص ۴۴.

۱۶۴. مهدی پیشوایی، سیره‌ی پیشوایان، ص ۶۸۹.

۱۶۵. سید حسن افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان (عج)، ص ۶۳.

۱۶۶. باقر شریف قریشی، حیاة الامام المهدی (عج)، ص ۱۲۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۱۶۷. عباس نجفی، سفیران امام زمان (علیه السلام)، ص ۲۷ و ۳۴.

۲. محمد بن عثمان بن سعید

وی، فرزند وکیل اول (عثمان بن سعید عمری) بود. حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) او و پدرش را توثیق کرده و به شیعیان خبر داد که او از وکلای فرزندان مهدی است.

چون هنگام وفات پدر محمد بن عثمان فرا رسید، توقیعی از جانب حضرت حجت (عج) بیرون آمد، مشتمل بر تعزیت نامه و این که بعد از وفات پدرش، او نایب از جانب ولی خدا است.^{۱۶۹} وی، بیش از چهل سال، مقام نیابت را داشت و در سال سیصد و چهار هـ. ق یا سیصد و پنج هـ ق وفات کرد.^{۱۷۰}

۳. حسین بن روح نوبختی

شیخ ابوالقاسم حسین بن روح (متوفای هجدهم شعبان سیصد و بیست و شش هـ ق) بعد از ابوسهل اسماعیل بن عسلی، مشهورترین افراد خاندان نوبختی است. عمده اشتها او، به واسطه مقام دینی بزرگی است که در میان شیعه امامیه دارد. سومین نایب خاص حضرت حجت (عج) است. این بزرگوار، از سال سیصد و پنج هـ ق تا شعبان سیصد و بیست و شش هـ ق نیابت خاص داشته است. وی، حتی در ایام امامت امام یازدهم (علیه السلام) از صحابه‌ی خاص به شمار رفته است.^{۱۷۱}

۴. علی بن محمد سمري

علی بن محمد سمري قائم مقام حسین بن روح شد. سه سال، امر نیابت با او بود. او، در نیمه‌ی شعبان سیصد و بیست و نه هـ ق به رحمت حق واصل شد. وفات او، آغاز غیبت کبرا بود. شیخ صدوق و شیخ طوسی روایت کرده اند از حسن بن احمد که گفت: در سالی که جناب سمري وفات کرد، ما، در بغداد بودیم. چند روز قبل از وفاتش، به خدمت او رفتیم. فرمانی از حضرت صاحب الامر (عج) بیرون آورد که مضمونش این است:

بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمري! خدا عظیم گرداند اجر برادران تو را در مصیبت تو. تا شش روز دیگر از دنیا مفارقت خواهی کرد. پس کارهای خود را جمع کن و وصی و قائم مقام از برای خود قرار مده که غیبت تامه، واقع شده است.^{۱۷۲}

س: آیا درست است که محمد بن عثمان بیشترین مدت نیابت را داشته است؛ مدت نیابت سایر نواب چند سال بوده است؟

۱۶۸. عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۶۵.

۱۶۹. عباس راسخی نجفی، نواب اربعه، ص ۷۴.

۱۷۰. سیره‌ی پیشوایان، ص ۶۷۸ - ۶۸۰.

۱۷۱. نواب اربعه، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۱۷۲. همان، ص ۱۳۴.

- ج: از آن جا که مدّت سفارت محمد بن عثمان به زمان وفات پدر بزرگوارش عثمان بن سعید، مربوط است، لازم است به اقوالی که در تاریخ وفات عثمان بن سعید، وارد شده است، اشاره کنیم:
۱. بعضی، تاریخ وفات عثمان بن سعید را دو سال و نیم پس از آغاز غیبت صغرا می دانند، یعنی نیمه‌ی دوم سال دویست و شصت و سه هـ ق. اگر او در این سال وفات کرده باشد، دوران نیابت فرزندش محمد بن عثمان، چهل و یک سال و نیم یا چهل و دو سال و نیم می شود.^{۱۷۳}
 ۲. برخی، تاریخ وفات عثمان بن سعید را سال دویست و شصت و پنج (هـ ق) می دانند که اگر این تاریخ درست باشد، مدّت نیابت فرزندش محمد بن عثمان، جمعاً چهل سال می شود.^{۱۷۴}
 ۳. برخی دیگر، احتمال داده اند که وفات نخستین سفیر، بین سال های دویست و شصت هـ ق تا دویست و شصت و هفت هـ ق رخ داده است. اگر وفات او را سال دویست و شصت و هفت هـ ق بدانیم، مدّت نیابت وی، سی و هشت سال می شود.
 ۴. برخی، تاریخ وفات نخستین سفیر امام را سال دویست و هشتاد هـ ق می دانند. بنابراین، دوران سفارت فرزندش محمد بن عثمان، جمعاً بیست و پنج سال می شود.^{۱۷۵}

تحلیل اقوال

چنان که ملاحظه شد، تاریخ دقیق وفات نخستین سفیر امام (علیه السلام) مشخص نیست، لذا مدّت سفارت دومین سفیر نیز دقیقاً مشخص نیست. مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبة و علامه‌ی مجلسی در بحارالأنوار، گفته اند، ابو جعفر محمد بن عثمان، در آخر جمادی الاوّلی سال سیصد و پنج هـ ق وفات یافت و حدود پنجاه سال، عهده دار منصب سفارت امام بود،^{۱۷۶} اما این سخن نمی تواند دقیق و منطبق بر حقایق تاریخی باشد؛ زیرا، چنان که بیان شد، اکثر دانشمندان معتقدند، وفات نخستین سفیر، میان سال های دویست و شصت تا دویست و شصت و پنج هـ ق بوده است، در این صورت، مدت نیابت دومین سفیر، چهل تا چهل و پنج سال می شود. البته، این قول که وفات عثمان بن سعید در سال دویست و شصت و پنج هـ ق رخ داده، به واقعیت نزدیک است.

بنابراین، دوران نیابت نایب نخست، حدوداً، پنج سال و مدّت نیابت دومین نایب امام (علیه السلام) حدوداً، چهل سال و دوران نیابت سومین نایب، بیست و یک سال و دوران نیابت چهارمین سفیر، سه سال بوده است.

۱۷۳. سید حسن افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان (علیه السلام)، ص ۶۲ - ۶۳.

۱۷۴. عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۶۵، داوود الهامی، آخرین امید، ص ۸۱.

۱۷۵. مسعود پور سیدآقایی و دیگران، در سنامه‌ی تاریخ عصر غیبت، ص ۱۶۴.

۱۷۶. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۱۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۲.

س: چرا امام مهدی (عج) در زمان غیبت کبرا نایب خاص ندارد؟

ج: در پاسخ این سوال، باید گفت اولاً، همان گونه که در صفحات قبلی گفته شد، غیبت صغرا مقدمه ای برای آغاز غیبت کبرا بود و در این دوره، نایبان خاص، وظیفه داشتند تا شیعیان را آماده‌ی غیبت امام(علیه السلام) کنند. در همین مدت غیبت صغرا، شیعیان توانستند خود را برای ورود به مرحله‌ی جدید آماده کنند؛ بنابراین، هدف اصلی از تعیین نواب خاص، تحقق یافته بود و دیگر نیازی به تعیین نایب خاص نبود؛ چون، با آغاز غیبت کبرا — که هدف از آن، حفظ جان امام، آزمایش مردم، آماده سازی مردم جهان برای قیام امام (عج) در آخرالزمان و... بود — تعیین نایب خاص، با اهداف و فلسفه‌ی غیبت تعارض پیدا می کرد.

ثانیاً، در صورت استمرار تعیین نایب خاص، امکان داشت فرصت مناسبی ایجاد شود تا هر کس ادعای نیابت امام زمان (عج) را بکند و صادق و کاذب مشتبه شود و البته این هم امکان نداشت که خود حضرت هر بار ظاهر شود و اولاً، معجزه ای بیاورد که خود امام است و ثانیاً، برای هر عصری، کسی را معرفی کند.^{۱۷۷}

ثالثاً، شاید دلیل عدم تعیین نایب خاص، این بوده که اگر نایب خاص تعیین می شدند، دشمنان، آنان را آزاد نمی گذاشتند، بلکه آنان را شکنجه و زجر می دادند.

نایبان عام

س: به چه کسانی نایبان عام گویند؟

ج: دین اسلام، آخرین دین الهی است که توسط پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان ها به سوی کمال و خوش بختی دنیوی و اُخروی، آورده شده است و باید همیشه کسی باشد که به تبلیغ و ترویج این دین و هدایت جامعه به سوی کمال، بپردازد. بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله) امامان معصوم(علیهم السلام) عهده دار این وظیفه بودند و به ترویج دین اسلام می پرداختند، لکن با آغاز غیبت کبرا و مستور شدن امام مهدی (عج) باید کسی عهده دار نقش هدایت جامعه می شد. ائمه‌ی معصوم(علیهم السلام) و بویژه امام مهدی (عج) قبل از آغاز غیبت کبرا شرایط و ضوابط کلی را برای رهبر جامعه در دوره‌ی غیبت بیان داشتند تا بعد از آغاز غیبت کبرا، هر کس آن شرایط و ضوابط را کسب کرد، زعیم و مرجع شیعیان باشد. در اصطلاح، به این شخص، نایب عام گفته می شود.

شرایطی که از سوی ائمه(علیهم السلام) برای نایبان عام ذکر شده، عبارت است از این که آنان باید از راویان احادیث اهل بیت(علیهم السلام)، فقیه، با تقوا، مطیع اوامر الهی، حافظ دین، مخالف با هواهای نفسانی و... باشند.

این شرایط، در روایات مختلفی بیان شده است:

۱. امام صادق(علیه السلام) به عمر بن حنظله می فرماید: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَارْضُوا بِهِ حَكْمًا؛ فَأَنْتَ إِذْ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ حَكْمًا»^{۱۷۸} هر کس از شما، حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر افکند، و احکام ما را شناخته باشد، او را به عنوان حاکم قبول کنید؛ زیرا من، او را حاکم بر شما قرار دادم.»

۲. امام صادق(علیه السلام) در حدیث دیگری می فرماید: «... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مَطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ»^{۱۷۹} ... اما هر کدام از فقها که نگهدار نفس خود و حافظ دینش باشد و با هواهای نفسانی مخالفت کرده، مطیع اوامر الهی باشد، عوام باید از او تقلید کنند...»

۳. امام مهدی (عج) نیز در پاسخ به سؤالی که از آن حضرت در مورد تکلیف شیعه در دوران غیبت، شده بود، می فرماید: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا؛ فَأَنْتُمْ حَجَّتِي وَعَلَيْكُمْ وَأَنَا حِجَّةُ اللَّهِ»^{۱۸۰}؛ اما در حوادثی که رخ می دهد، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آنان، حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم...»

س: نایبان عام امام زمان (عج) در عصر غیبت چه وظیفه ای دارند؟

ج: برای پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا باید به این مقدمه اشاره شود که هر چند نبوت با پیامبری رسول گرامی(صلی الله علیه وآله) خاتمه یافته، ولی ختم نبوت، ختم راهنمایی الهی (وحی) است و نه ختم رهبری الهی (یعنی امامت)؛ چرا که امامت و نبوت، دو منصب و دوشان هستند که احیاناً قابل تفکیک اند.^{۱۸۱} و چون اسلام آخرین و کامل ترین دین است، باید همیشه فردی برای هدایت و رهبری جامعه وجود داشته باشد. بعد از پیامبر(صلی الله علیه وآله) این منصب، از سوی خداوند، به امامان معصوم(علیهم السلام) واگذار شده است و چون آخرین امام (عج) مستور شده و غایب شده اند، برای اداره‌ی جامعه در دوره‌ی غیبت، نایبان عامی تعیین شده اند که عهده دار وظیفه‌ی رهبری جامعه در

۱۷۸. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۰.

۱۷۹. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

۱۸۰. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۱۸۱. مرتضی مطهری، امامت و رهبری، ص ۸.

این دوره هستند؛ البته، معلوم است که برخی از کمالات و مقامات ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام) قائم به نفس قدسی آنان است، مانند ولایت تکوینی و علم غیب و... این نوع مقامات، نه نیابت بردار است و نه نیاز به این است که در زمان غیبت، در این مناصب هم نیابتی باشد، اما مناصب دیگر، از قبیل فتوا و بیان احکام الهی و منصب قضا و فصل خصومت و زعامت و رهبری جامعه و اداره‌ی امور مملکت اسلامی، قطعاً، از وظایف نایب عام امام زمان (علیه السلام) به شمار می‌آید. بنابراین، می‌توان گفت، اساسی‌ترین و مهم‌ترین ویژگی نایبان عام، جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) است، بدین معنا که چون نایب عام، قائم مقام امام است، پس خود به خود، همه‌ی رسالت‌ها و وظایف اجتماعی آنان به وی منتقل می‌شود. امام صادق (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «علماء، وارثان انبیایند. این وراثت، برای درهم و دینار نیست، بلکه علم را به ارث گذاشته‌اند. پس کسی که از آن علم بگیرد، بهره‌ی فراوانی نصیبش خواهد شد».^{۱۸۲}

به صورت خلاصه می‌توان گفت، اهم وظایف نایبان عام، عبارت است از:

۱. استخراج و استنباط احکام از منابع

در این مورد قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛^{۱۸۳} شایسته نیست مومنین همگی کوچ کنند. پس چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به قوم خود، آنان را بیم دهند، شاید بترسند و خودداری کنند؟.

بنابراین، نایبان عام، باید تقه در دین داشته باشند و مسائل اعتقادی، اخلاقی، فقهی، مشکلات جاری مردم،... را با رجوع به قرآن و سنت و ادله‌ی عقلی، استنباط کنند و امت اسلامی را از قوانین بشری بی‌نیاز کنند.

۲. حافظ دین بودن

همان گونه که در صفحات قبلی گذشت، یکی از شرایط نایب عام، حافظ دین بودن است. بنابراین، وی، باید دین را از تحریف منحرفان حفظ کند و با پاسخ دادن به شبهات، از نفوذ عقاید النقطاتی و سست شدن احکام الهی، جلوگیری کند.

۳. ولایت و رهبری

چون دین اسلام، دین جهانی است و احکام آن اعم از اقتصادی، سیاسی، قضایی، و... تا روز قیامت ادامه دارد و لازم الاجراء است. این دوام احکام، نظامی را می‌طلبد که تحقق اهداف و احکام اسلامی را در زمان غیبت کبرا تضمین کند و مسلم است که تحقق احکام اسلام جز از رهگذر حکومت اسلامی،

۱۸۲. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲.

۱۸۳. توبه: ۱۲۲.

امکان پذیر نخواهد بود و حکومت اسلامی، در صورتی اسلامی خواهد بود که حاکم و رهبر آن حکومت، از میان فقهای شایسته و واجد شرایط تعیین گردد. امام حسین(علیه السلام) می فرماید: «مَجاری الامور و الاحکام علی ایدی العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه»^{۱۸۴} جریان امور و احکام، باید به دست علمای دانا به خدا و امنای بر حلال و حرام خدا باشد».

در غیبت کبرا خداوند حکیم، امت اسلامی را به حال خود رها نکرده و آنان را بدون تکلیف نگذاشته است. این نایبان عام هستند که وظیفه‌ی اداره و سرپرستی امت اسلامی را بر عهده دارند و باید به این کار ادامه دهند تا آن را به صاحب الامر(علیه السلام) تحویل دهند.

وظیفه‌ی شیعه در دوره‌ی غیبت

س: وظایف مسلمانان در زمان غیبت امام عصر (عج) چیست؟

ج: همان طور که قبلاً ذکر شد، دین اسلام، کامل ترین و آخرین دین الهی است که از سوی خداوند متعال و توسط پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) برای هدایت انسان ها به سوی کمالات دنیوی و اخروی، ابلاغ شده است، ولی ختم نبوت، به معنای ختم رهبری و امامت نیست؛ زیرا، وجود تکلیف، مستلزم وجود حجّت الهی بر روی زمین است. به همین دلیل، بعد از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) امامان معصوم، عهده دار هدایت انسان ها هستند. امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می فرماید: «هرگز، روی زمین، از قیام کننده ای با حجّت و دلیل، خالی نمی ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد، خواه بیمناک و پنهان. [چنین است] تا دلائل و اسناد روشن الهی، از بین نرود و به فراموشی نگراید.»^{۱۸۵}

طبق فرمایش حضرت علی(علیه السلام) حجّت الهی، همیشه روی زمین هست و با وجود امام و حجّت الهی و دین اسلام، باید به تکالیفی که از سوی دین ابلاغ شده، عمل شود. بنابراین، از این لحاظ، مردم دوره‌ی غیبت، از حیث مکلف بودن به تکالیف اسلامی، با مردم دوره‌ی حضور امام، هیچ فرقی ندارند و باید به همه‌ی تکالیف اسلامی که اصطلاحاً، فروع دین نامیده می شوند، عمل کنند، لکن در دوره‌ی غیبت و مستور بودن امام(علیه السلام) برخی از تکالیف، به دلیل مستور بودن امام، اهمیت بیش تری می یابد، به گونه ای که برخی از مؤلفان، تعداد این تکالیف را هشتاد مورد دانسته اند.^{۱۸۶} چون تبیین همه‌ی آن ها در این موجد نمی گنجد، به تعدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می شود:

۱۸۴. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۲۸.

۱۸۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۴۷، حکمت ۱۴۳.

۱۸۶. میرزا محمدنقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۲، ص ۱۰۴.

۱. شناخت و معرفت حجت خدا

مهم ترین وظیفه ای که هر شیعه بر عهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس حجة الله و امام عصر (عج) است. پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^{۱۸۷} هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است». چون در عصر ما، امام(علیه السلام) غایب است، پس شناخت آن، همّت بیش تری را می طلبد و بدون تردید، مقصود از شناختی که پیامبر(صلی الله علیه وآله)تحصیل آن را برای هر کس واجب دانسته، شناخت سطحی نیست، بلکه ما باید امام عصر خود را آن چنان که هست، بشناسیم، به گونه ای که این شناخت، موجب در امان ماندن ما از شبهه های ملحدان و مایه ی نجاتمان از اعمال گمراه کننده ی مدعیان دروغین و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی باشد.

۲. تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی

وظیفه ی مهم دیگری که هر شیعه بر عهده دارد، تهذیب نفس و آراستن خود به اخلاق نیکو است. چنانچه امام صادق(علیه السلام) در روایتی می فرماید: «... قال: من سر ان يكون من اصحاب القائم فلينتظر و ليعمل بالورع و محاسن الاخلاق»^{۱۸۸} هر کس دوست دارد از یاران امام مهدی (عج) باشد پس منتظر (ظهور آن حضرت) باشد و به پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل کند...».

توصیه به پرهیزکاری در عصر غیبت، نه تنها در کلام معصومان قبل از امام زمان(علیه السلام)آمده، بلکه در توقیعات هم ذکر شده است. در یکی از این توقیعات، امام (عج) می فرماید: «پس تقوای الهی پیشه کنید و به امر ما تسلیم شوید و امر را به ما واگذارید که بازگشت به سوی ما است...»^{۱۸۹} مسئله ی تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقیع شریفی که از ناحیه ی مقدسه امام زمان (عج) به شیخ مفید صادر گردید، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان سر می زند، یکی از اسباب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از توفیق دیدار، شمرده شده است.^{۱۹۰}

۳. انتظار فرج

همان گونه که از امام صادق(علیه السلام) نقل شد، هر کس که دوست دارد از یاران امام باشد، باید منتظر باشد. بنابراین، یکی از وظایف مردم در دوره غیبت، انتظار فرج امام مهدی (عج) است. پیامبر(صلی الله علیه وآله)می فرماید:

۱۸۷. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۳۲، ص ۳۳۳.

۱۸۸. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۱۸۹. مکمال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۱، ص ۳۰۸.

۱۹۰. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج من الله عزوجل؛^{۱۹۱} برترین اعمال امت من، انتظار فرج (حضرت مهدی) از نزد خداوند عزوجل است.

آن چه از احادیث مذکور استفاده می شود، این است که ما، در عین عمل به تکالیف دینی خود، همیشه باید منتظر ظهور امام زمان (علیه السلام) باشیم و از رحمت و اسعه‌ی الهی ناامید و مأیوس نگردیم. همین انتظار، خود، وظیفه‌ی ای است مستقل که دوره‌ی غیبت را به دوره‌ی تلاش برای رسیدن به دوره‌ی حکومت سراسر عدل امام مهدی (عج) تبدیل می کند و ضعف و سستی و ناامیدی را از جامعه‌ی اسلامی دور می سازد.

س: انتظار یعنی چه؟

ج: انتظار، در لغت، به معنای «چشم داشت پیدا کردن»^{۱۹۲} و در اصطلاح، به معنای «چشم داشتن به ظهور امام زمان (عج) و تشکیل حکومت عدل الهی توسط آن حضرت» است. انتظار، به معنای آینده نگری و به معنای ناراضی بودن از وضع موجود و راضی شدن به آینده‌ی بهتر است؛ انتظار فرج، یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان (علیه السلام) و تشکیل دولت اسلامی و حکومت آخرین سفیر الهی؛ انتظار فرج، یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که تمام بدبختی ها، ناکامی ها، بیدادگری ها، ظلم ها از میان رفته و فقر و تنگدستی،... يك باره و برای همیشه، رخت برمی بندد و به وسیله‌ی آن حضرت (عج) حکومت عدل در سراسر گیتی برقرار می گردد. برای چنین روزی، باید انتظار کشید و امیدوار بود.

امید و آرزوی عدل فراگیر، در روایات اسلامی، عبادت، بلکه افضل عبادات، و نشانه‌ی شیعه در دوران غیبت شمرده شده است. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «همانا، اهل زمان غیبت امام مهدی (عج) و معتقدان به امامت آن حضرت و کسانی که منتظر ظهور ایشان هستند، از اهل هر زمانی افضل هستند؛ زیرا خداوند متعال، از عقل و فهم و معرفت، آن چنان به آنان داده که به سبب آن، غائب بودن امام، همانند حاضر بودن امام است و خداوند، آنان را در آن زمان، به منزله‌ی کسانی قرار داده که در کنار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یا شمشیر جهاد می کردند. آنان، مخلصان واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا، در آشکار و نهان، هستند.» و نیز فرمود: «انتظار فرج، خودش، بزرگ ترین فرج هاست».^{۱۹۳}

۱۹۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

۱۹۲. المنجد، (عربی به فارسی)، ترجمه‌ی محمد بندر ریگی، ج ۲، ص ۱۹۵۸.

۱۹۳. همان، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

بنابراین، انتظار فرج، چشم داشت به گشایش امور از سوی خداوند است. این چشم داشت، هر چند فرج است، لکن طبق روایات اهل بیت (علیهم السلام) فرج اصلی در زمان ظهور امام زمان (علیه السلام) خواهد بود.

س: چه انتظاری صحیح و چه انتظاری غلط است؟

ج: انتظار فرج، دو گونه است:

۱. انتظاری که سازنده، نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرك بخش است، به گونه ای که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود.
 ۲. انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت بخش، فلج کننده است. انتظار این چینی، همان دست بر روی دست گذاشتن، کار نکردن، قبول ظلم و تعدی است.
- این دو نوع انتظار، معلول دو نوع برداشت از ظهور مهدی موعود (عج) است. این دو نوع برداشت، به نوبه ای خود، از دو نوع بینش درباره ی تحولات و انقلاب های تاریخی ناشی می شود.

انتظار ویران گر

برداشت عده ای از مردم از مهدویت و انقلاب مهدی موعود (عج) این است که این انقلاب، صرفاً، ماهیت انفجاری دارد و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم و تبعیض و اختناق و تباهی، ناشی می شود. به بیان دیگر، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح (خیر و نیکی) از بین برود و حق و حقیقت، هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه تاز میدان گردد و جز باطل، نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت، از آستین بیرون می آید.

طبق این تعریف، هر اصلاحی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) محکوم است؛ زیرا، هر اصلاحی، يك نقطه ای روشن است و تا وقتی که در صحنه ای اجتماع نقطه ای روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود، بلکه برعکس، هر گونه گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق کشی و پلیدی، به حکم این که مقدمه ای صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند، روا است؛ زیرا، هدف، وسیله را توجیه می کند، هر چند وسیله ای نامشروع باشد. پس بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه ی فحشا و فساد است! این جا است که گناه هم لذت و کام جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس! این جا است که این شعر معنا پیدا می کند که:

در دل دوست، به هر حيله رهي باید کرد *** طاعت از دست نیاید، گنهی باید کرد

انتظار سازنده

آیات قرآن، در جهت عکس برداشت بالاست؛ زیرا از آیات استفاده می شود که ظهور مهدی (عج) حلقه ای است از حلقه های مبارزه ای اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود؛ چنان که خداوند می فرماید:

(... فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)؛^{۱۹۴} حزب و جمعیت خداوند، پیروز است.

و درباره ی شکست و نابودی حزب شیطان می فرماید:

(... أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ)؛^{۱۹۵} بدانید حزب شیطان زیانکاران اند.

سهیم بودن يك فرد در پیروزی حزب خداوند، موقوف به این است که آن فرد، عملاً، در گروه حق و حزب خداوند باشد. خداوند می فرماید: (... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا...)؛^{۱۹۶} در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید. هر جا باشید، خداوند، همه ی شما را حاضر می کند...».

وقتی از امام کاظم (علیه السلام) درباره ی این آیه سؤال می شود، آن حضرت می فرماید: «ذَلِكَ وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ»؛^{۱۹۷} قسم به خدا! وقتی قائم ما (علیه السلام) قیام کند، خداوند، شیعیان ما را از همه ی شهرها، دور او جمع می کند...».

پس، عمل به نیکی و خوبی و سبقت گرفتن، شرط شیعه بودن است و چنین شیعه ای می تواند جزء یاران امام مهدی (عج) باشد، نه آن که گناهکار است و برای هیچ کار نیکی تلاش نمی کند. بنابراین، مهدی موعود، مظهر نویدی است که به اهل ایمان و صاحبان عمل صالح داده شده است و مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان بر حزب شیطان می باشد.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) خطاب به اصحاب خود فرمود:

... شما، اصحاب من هستید، لکن برادران من، مردمی هستند که در آخر الزمان می آیند، آنان، به نبوت و دین من ایمان می آورند، با آن که مرا ندیده اند. هر يك از آنان، اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می دارد، چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب با دست، پوست می کند یا آتش پردوام چوب تاغ را در دست نگاه می دارد. آن مؤمنان، مشعل های فروزان اند در تاریکی ها. خداوند، آنان را از آشوب های تیره و تاریک (آخر الزمان) نجات خواهد داد.^{۱۹۸}

طبق این حدیث، هر چند داشتن ایمان و عمل به احکام اسلام در دوره ی آخر الزمان، مشکل و سخت است، ولی تنها همین افراد هستند که به دلیل حفظ دین و ایمان خود و عمل به صالحات، برادران

۱۹۴. مائده: ۵۶.

۱۹۵. مجادله: ۱۹.

۱۹۶. بقره: ۱۴۸.

۱۹۷. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۱۹۸. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۷۸.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) هستند و به هنگام ظهور امام(علیه السلام) به یاری او خواهند شتافت، نه آنان که با ترویج گناه و اشاعه‌ی فساد، ناخواسته، به گروه شیطان پیوسته اند.

س: راه های دوستی با امام زمان (عج) کدام است؟

ج: در ابتدا، لازم است این موضوع را مطرح کنیم که خداوند، در قرآن مجید، محبت و دوستی همه‌ی اهل بیت(علیهم السلام) و همین طور تنها ذخیره و یادگار آل عصمت و طهارت، حضرت مهدی(عج) را بر همگان واجب کرده است و دوستی آنان را اجر و مزد رسالت پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) قرار داده است. خداوند به پیامبر(صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى);^{۱۹۹} بگو: «من، از شما، جز مودت و محبت خویشاوندانم، اجر و مزدی برای رسالت نمی خواهم».

با توجه به این که مودت و دوستی آنان، منفعتی برای ایشان نیست، بلکه نفع آن برای دوستداران است و بهره های بی پایانی را در دنیا و آخرت به همراه دارد، در این مورد نیز می فرماید: (قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ);^{۲۰۰} بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام، برای خود شما است».

در حقیقت، این دوستی ها، موجب ارتباط روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم می آورد و سلوک انسان را در جهت اراده‌ی حق، شکل می دهد، خداوند می فرماید: (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا);^{۲۰۱} بگو: «من، در برابر (آن رسالت)، هیچ گونه پاداشی از شما نمی خواهم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند». با محبت امام زمان (عج) است که زمینه های اطاعت از او فراهم می آید و با اطاعت از او است که راه کمال انسان هموار می شود.

با توجه به این مطالب، معلوم می شود که دوستی و محبت، اساس و پایه‌ی دین، بلکه مساوی دین است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «هل الدین إلا الحب»;^{۲۰۲} آیا دین، چیزی جز دوستی است؟».

امام زمان (عج) فرموده است: «هر يك از شما، باید به آن چه که او را به مقام محبت و دوستی ما نزدیک می کند، عمل کند».^{۲۰۳} از این رو، اگر عبادتی یا عملی مستحبی یا دعا و زیارتی خاص، بتواند

۱۹۹. شوری: ۲۳.

۲۰۰. سباء: ۴۷.

۲۰۱. فرقان: ۵۷.

۲۰۲. ابونصر سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲۰۳. ابومنصور احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹.

مقدمه ای برای ایجاد محبت بیشتر به امام زمان (عج) باشد، انجام دادن آن، وظیفه خواهد بود و به فرمان صریح آن بزرگوار، برعهده شیعیان قرار گرفته است.

بنابراین، اگر ما به تکالیف شرعی خود عمل کنیم و به وظایفی که از سوی ائمه (علیهم السلام) برای شیعیان در دوره ظهور توصیه شده، عمل کنیم، از دوستان واقعی آن حضرت خواهیم بود. هر چند در صفحات قبلی، به برخی از وظایف منتظران امام مهدی (عج) اشاره شد، ولی در این قسمت، برای شناخت هر چه بهتر راه های دوستی امام زمان (علیه السلام) فهرستوار، به برخی از آن وظایف اشاره می شود:

۱. کسب معرفت و شناخت نسبت به امام زمان (علیه السلام).

۲. مایوس نشدن در دوره غیبت.

۳. دعا کردن برای امام زمان (علیه السلام) بویژه دعا برای تعجیل فرج آن حضرت.

۴. تلاش برای فراهم ساختن زمینه ظهور.

۵. تهذیب نفس و تقوا پیشگی و پرهیز از گناه.

۶. دعا برای سلامتی امام زمان (علیه السلام).

برخی دانشمندان اسلامی، نزدیک به هشتاد وظیفه برای منتظران ذکر کرده اند.^{۲۰۴}

س: اگر خداوند امام مهدی (عج) را حفظ می کند، چه نیازی به دعای ما برای سلامتی آن حضرت هست؟
ج: در دین اسلام، دعا کردن برای خود و دیگران، بسیار سفارش شده است. خداوند می فرماید: (وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ)^{۲۰۵} او را با بیم و امید بخوانید؛ زیرا، رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است؛ هم چنین خداوند، وعده قبولی دعاها را داده است: (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)^{۲۰۶} بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

روایات متعددی وجود دارد که در آن ها پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه معصوم (علیهم السلام) مسلمانان را به دعا کردن، ترغیب و تشویق کرده اند. امام رضا (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل می کنند که آن حضرت فرمود: «الدعاء سلاح المؤمن و عماد الدین و نور السماوات و الأرض»^{۲۰۷} دعا، سلاح مؤمن و عمود دین و نور آسمان ها و زمین است.».

۲۰۴. برای اطلاع بیشتر تر رک: میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، مکالمات المکارم.

۲۰۵. اعراف: ۵۶.

۲۰۶. غافر: ۶۰.

۲۰۷. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۸.

هم چنین حضرت علی(علیه السلام) می فرماید: «الدعا مفتاح الرحمة و مصباح الظلمة»^{۲۰۸} دعا، کلید رحمت و چراغ تاریکی است.».

دعا کردن، به دو گونه می تواند باشد:

الف) انسان فقط برای خود دعا کند.

ب) انسان برای دیگران دعا کند. این نوع دعا کردن، در اسلام، بسیار سفارش شده است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «هر کس، ابتدا، به چهل نفر از برادران (دینی) خود دعا کند، سپس برای خودش دعا کند، آن دعا، در مورد آن چهل نفر و خودش، مستجاب می شود.»^{۲۰۹}

بنابراین، اولاً، دعا کردن برای دیگران، فضیلت بیش تری دارد و سود آن به خود ما برمی گردد. پس اگر برای سلامت امام زمان(علیه السلام) دعا کنیم، در حقیقت، آن دعا، در حق ما نیز قبول می شود. در حدیثی از امام کاظم(علیه السلام) نقل شده که آن حضرت می فرماید: «إِنَّ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُوذِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِئَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ»^{۲۱۰} هر کس در نهان، برادر (دینی) خود را دعا کند، از عرش ندا می آید که برای تو، صد هزار برابر باد.».

در روایات آمده است که اگر به برادر مومن خود دعا کنی، ملائکه‌ی آسمان، همان دعا را در حق خودت آمین می گویند.^{۲۱۱} بنابراین، دعا برای سلامت آن عبد صالح و انسان کامل، موجب می شود تا دعا کننده، مشمول دعای خیر فرشتگان گردد.

نیز اگر فردی متوجه شود که دیگری برای او دعا کرده و از درگاه الهی رفع مشکلاتش را خواسته، او نیز در پاسخ چنین خواهد کرد. پس با دعا برای آن حضرت، می توان اطمینان یافت که مشمول دعای خیر ولی الله الاعظم (عج) خواهیم شد.

ثانیاً، در روایت، ترك کردن دعا به دلیل اتکا به قضا و قدر، مذموم شمرده شده است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «ادع الله عزوجل و لا تقبل إنَّ الأمر قد فرغ منه»؛ خداوند را بخوان و نگو که این کار مفروع عنه است.»^{۲۱۲}

زراره، در ذیل این حدیث می گوید: «منظور از این حدیث، این است که ایمان تو به قضا و قدر، مانع از دعا کردن نشود.»^{۲۱۳}

۲۰۸. همان، ص ۳۰۰.

۲۰۹. همان، ص ۳۸۳.

۲۱۰. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲۱۱. همان، ص ۱۱۱.

۲۱۲. همان، ص ۳۵.

۲۱۳. همان.

بنابراین، به دلیل این که خداوند، امام مهدی(علیه السلام) را حفظ می کند، نباید از دعا کردن برای سلامتی آن حضرت، دست برداریم، چون، این امر، تکلیف ما را ساقط نمی کند و ما، همیشه، مأمور به دعا کردن هستیم.

ثالثاً، یکی از راه های ابراز دوستی و ارادت نسبت به محبوب، دعا برای سلامتی او است. این ابراز دوستی، انسان را به محبوب نزدیک تر می گرداند تا جایی که برای رسیدن به او، سر از پا نمی شناسد. دعا برای وجود مقدس حضرت حجّت(علیه السلام) نوعی اظهار مودّت و موجب افزایش محبّت و اشتیاق فرد نسبت به آن محبوب دل ها است که به تدریج، وی را به کانون حرارت آن خورشید عالم افروز و انوار روشنی بخش او نزدیک تر می گرداند.

س: شرط عالم گیر شدن ظلم و فساد به عنوان نشانه ای برای ظهور امام زمان (عج) با وظیفه ای امر به معروف و نهی از منکر چگونه سازگار است؟

ج: در پاسخ به این سؤال، باید گفت، هیچ تعارضی میان امر به معروف و شیوع ظلم در آخرالزمان وجود ندارد؛ زیرا:

اولاً، همان گونه که در کتاب های کلامی و اعتقادی توضیح داده شده، دین اسلام، آخرین دین و برنامه برای هدایت انسان ها است که از سوی خداوند و توسط پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) ابلاغ شده است و تا روز قیامت ادامه خواهد یافت. رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالِي حَلالٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامِي حَرَامٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَّاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْكِتَابِ وَ بَيَّنَّاهُ لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي...»^{۲۱۴} ای مردم! آن چه حلال کرده ام، حلال است تا روز قیامت و آن چه حرام کرده ام، حرام است تا روز قیامت. این دو را خداوند در کتاب (قرآن) بیان داشته و من نیز برای شما در سنت و سیره ای خود تبیین کرده ام.»

طبق فرمایش پیامبر(صلی الله علیه وآله) احکام اسلامی تا روز قیامت به قوت خود باقی است و غیبت امام(علیه السلام) موجب سقوط تکالیف شرعی نمی شود و همان گونه که می دانیم، امر به معروف و نهی از منکر نیز یکی از احکام مهم دین اسلام است که در قرآن و احادیث سفارش بسیار به آن شده است. خداوند می فرماید:

وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^{۲۱۵}؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان، همان رستگاران اند.

۲۱۴. همان، ج ۲۷، ص ۱۱۹.

۲۱۵. آل عمران: ۱۰۴.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

ای مردم! امر به معروف و نهی از منکر کنید. همانا، امر به معروف و نهی از منکر، اجل را نزدیک نمی کند و رزق را دور نمی سازد.^{۲۱۶}

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از واجبات دینی است که ما مکلف به انجام دادن آن هستیم و از نظر عقلی، هیچ ملازمه ای میان فراگیر شدن فساد و ظلم در آخرالزمان و سقوط تکلیف وجود ندارد. در روایاتی که خبر از فراگیر شدن ظلم و جور در آخرالزمان داده اند، هیچ اشاره ای به سقوط تکلیف نشده و تک تک ما، مکلف به اجرای احکام الهی هستیم، هر چند دیگران از این کار کوتاهی کنند. ثانیاً، این که در احادیث گفته شده، امام مهدی (علیه السلام) به هنگام فراگیر شدن ظلم و جور، ظهور می کنند، به این معنا نیست که در آن زمان، هیچ شخص و گروه سالم و متقی پیدا نخواهد شد، بلکه برعکس، در بسیاری از احادیث ذکر شده که به هنگام ظهور، شیعیانی راستین و متقی خواهند بود که به یاری امام مهدی (عج) خواهند شتافت. امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «لو قد قام قائمنا یجمع الله إلیه شیعتنا من جمیع البلدان»^{۲۱۷} هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، شیعیان ما را از تمام شهرها به دور آن حضرت جمع خواهد کرد.»

شکی نیست که این روایات، حاکی از این است که شیعه، به هنگام طلوع دولت کریمه‌ی حضرت مهدی (علیه السلام) حضور دارد و نباید به خود سستی راه بدهد، بلکه باید به کمک آن حضرت بشتابد. حال، اگر ما شیعیان، دارای قدرتی متشکل و نیرومند و با ساز و برگ باشیم و سپاه و ارتشی مجهز و مؤمن و نیروهای مردمی وسیع و کارآمدی داشته باشیم و در هنگام ظهور، همه‌ی این امکانات را در اختیار حکومت حضرت مهدی (عج) قرار دهیم، قطعاً، بهتر به یاری آن حضرت شتافته ایم. بنابراین، تشکیل حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و تربیت فرزندان و سایر افراد جامعه‌ی اسلامی منافاتی با ظهور آن حضرت نخواهد داشت.

س: در روایتی، گفته شده، هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی (عج) برافراشته شود، طاغوت است. آیا این روایت، با حقایق انقلاب اسلامی، سازگار است؟

ج: در مورد این که «آیا قیام و انقلاب قبل از قیام حضرت مهدی (عج) صحیح و مشروع است یا نه؟»، دو نظریه‌ی متفاوت وجود دارد. تعداد اندکی، هر قیام و نهضتی قبل از ظهور امام مهدی (عج) را جایز نمی دانند و عده فراوانی، قیام علیه ستمگران در عصر غیبت را نه تنها جایز، بلکه واجب، و سکوت و خانه نشینی را خیانت به اسلام و مسلمانان می دانند. به همین دلیل، بررسی دیدگاه دو طرف

۲۱۶. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲۱۷. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹.

و ارزیابی دلائل آنان، امری ضروری به نظر می رسد؛ زیرا، هر دو گروه، سخن از اسلام می گویند و مدّعی هستند که نظر آنان موافق با شرع مقدس اسلام است.

دلایل مخالفان قیام

الف) دلایل مخالفان قیام از اهل سنت

در بینش اهل سنت، هر کسی که زمام امور مسلمانان را در دست گیرد و حاکم جامعه‌ی اسلامی شود، اطاعات او تا زمانی که اقامه‌ی نماز کند و کفر صریح نیاورد، بر همه واجب است، ولو ستمگر و معروف به خیانت، شرب خمر، فسق و فجور باشد. اینان، برای مدّعی خود، به روایاتی تمسّک می کنند که برخی از آن ها عبارت است از:

۱. در صحیح مسلم، خبری از حذیفه یمانی نقل شده که می گوید: خدمت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بودیم. سؤالاتی نسبت به آینده و پس از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) کردیم. حضرت فرمود: «حاکمانی بعد از من می آیند که نه به سنت من عمل می کنند و نه به هدایت من هدایت یافته اند. صورت انسانی دارند، ولی قلب شان، قلب شیطان است».

حذیفه می گوید: من از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نسبت به چنین حاکمانی کسب تکلیف کردم که وظیفه‌ی ما، در برابر آنان چیست؟ آیا با آنان به جنگ برخاسته و آنان را از دم شمشیرمان بگذرانیم؟ حضرت در جواب فرمود: «شما، جز اطاعت، چاره ای دیگر ندارید و موظّف به اطاعت هستید. گرچه به پشت تان تازیانه بزنند و اموال شما را غارت کنند، تنها وظیفه‌ی شما، اطاعت است».

۲. از احمد حنبل نقل شده که گفت: «... اگر کسی به زور و قهر و غلبه، بر جامعه‌ی اسلامی مسلّط شد، و زمام امور را در دست گرفت و خلیفه و امیرالمؤمنین شد، بر فرد فرد جامعه، اطاعت او لازم است و بر احدی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، روا نیست شبی را به صبح آورد و آن شخص حاکم را امام خود نداند، حال می خواهد آن حاکم، شخص نیک و خوب باشد و یا فاجر و بد. به هر حال او امیرالمؤمنین است».^{۲۱۸}

۳. در واقعه‌ی حرّه، عمال یزید، جنایات را به حدّ اعلی رسانده بودند. عبدالله بن مطیع خواست علیه یزید قیام کند، لکن عبدالله بن عمر به عنوان نصیحت به عبدالله بن مطیع گفت: «از پیامبر(صلی الله علیه وآله) شنیدم که اگر کسی بیعت امام خود را بشکند (و علیه او قیام کند)، در قیامت، حجّتی نخواهد داشت و اگر در آن حال بمیرد، با مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».^{۲۱۹}

در بررسی این گونه روایات، می توان گفت مسئله‌ی اطاعت از حاکم، در صورتی که عادل باشد، امری عقلی و شرعی است و بعضی از این روایت ها، مانند روایت عبدالله بن عمر را می توان

۲۱۸. القاضی ابی یعلی، الاحکام السلطانیة، ص ۲۰.

۲۱۹. صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲.

صحیح دانست، لکن در مورد حاکم عادل و نه حاکمی مانند یزید بن معاویه؛ زیرا، ما، نه تنها اطاعت این گونه رهبران را واجب نمی دانیم، بلکه مخالفت و تبری از او را نیز واجب می شماریم و در مورد روایات فوق می گوئیم:

اولاً، کسی که به تاریخ حدیث آشنا باشد و از چگونگی برخورد خلفای سه گانه و حکام بنی امیه با احادیث و راویان حدیث آگاه باشد، می داند که این روایات، جعلی و ساخته و پرداخته‌ی جاعلان حدیث در دستگاه های خلفای بنی امیه است. این روایات، برای حفظ حکومت جبّاران و توجیه ستم آنان ساخته شده است. تاریخ اسلام، از این کذب ها، فراوان دیده است.^{۲۲۰}

ثانیاً، این حکم که اطاعت از حاکم ستمگر واجب است و در نتیجه، مخالفت و قیام علیه او ناروا است، برخلاف صریح قرآن است. خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛^{۲۲۱} ای پیامبر!

تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است.

ثالثاً، روایات بسیاری از پیامبر(صلی الله علیه وآله) و اهل بیت(علیهم السلام) به دست ما رسیده که به مبارزه و مقاومت در برابر این گونه از حکومت ها، فرمان می دهد.

۱. پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود: «پس از من، فرمانروایی بر سر کار می آیند، هر کس در جرگه‌ی آنان وارد شود و دروغ آنان را تصدیق کند و بر ستم آنان کمک کند، از من نیست و من از او نیستم و هرگز در حوض (کوثر) بر من وارد نشود».^{۲۲۲}

۲. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: «هر کس برای خدمت سلطانی، تازیانه ای به کمر بندد، آن تازیانه، در روز رستاخیز، به صورت اژدهایی ظاهر می شود که در آتش دوزخ بر او مسلط می گردد».^{۲۲۳}

۳. پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود: روز رستاخیز، منادی ندا می کند: «دستیاران کجایند؟ حتی کسی که مرکب ادوات آنان را فراهم ساخته یا سرکیسه ای را برای آنان بسته یا قلمی را تراشیده، او را با ستمگران محشور کنید».^{۲۲۴}

بنابراین، احادیثی که از سوی اهل سنت در مورد اطاعت از حاکم ظالم و ستمگر نقل شده و قیام علیه چنین حاکمی را حرام دانسته، علاوه بر این که از حیث علم حدیث، مردود است، از حیث مخالفت با قرآن مجید و روایات صحیح پیامبر(صلی الله علیه وآله) نیز مردود است.

ب) دلایل مخالفان قیام از شیعه

۲۲۰. علامه امینی، الغدير، ج ۵، ص ۲۷۵ و ۳۳۴.

۲۲۱. احزاب: ۱؛ و نیز می توان به آیات: ۱۵۱ شعراء؛ ۸ قلم، ۲۸ کهف و ۲۴ انسان استناد کرد.

۲۲۲. سنن نسائی، ج ۷، ص ۱۶۰.

۲۲۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۳۶.

۲۲۴. همان، ص ۱۳۱.

دلیل این گروه، روایاتی است که از ظاهر آن چنین استفاده می شود که هر قیامی قبل از حضرت مهدی (عج) باطل و محکوم به شکست است؛ زیرا، رهبران قیام، طاغوت و منحرف از طریق اسلام است:

عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله(علیه السلام): **کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یُعبد من دون الله عزوجل**؛^{۲۲۵} هر پرچمی قبل از قیام حضرت مهدی(علیه السلام) برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است و اطاعت او، خروج از اطاعت خداست؛ زیرا، اطاعت افراد، از غیر طریق الهی است.

در بررسی این گونه روایات می توان گفت:

اولاً، از دید ائمه‌ی معصوم(علیهم السلام) قیام علیه حاکمان وقت، دو گونه است:

۱. قیامی که برای احیای حق ائمه‌ی معصوم(علیهم السلام) صورت می گیرد.

۲. قیامی که برای رسیدن به اهداف دنیوی و شخصی صورت می گیرد.

برای توضیح بیش تر، به نقل حدیثی از امام رضا(علیه السلام) پرداخته می شود:

مؤلف عیون اخبار رضا(علیه السلام) از محمد بن یزید نحوی و او هم از ابن ابی عیدون و وی نیز از پدرش نقل می کند که هنگامی که زید بن موسی بن جعفر(علیه السلام) را نزد مأمون آوردند - البته بعد از آن که این شخص، پیش تر، در بصره قیام کرده و خانه های بنی عباس را به آتش کشیده بود - مأمون، جرم او را به علی بن موسی(علیه السلام) بخشید و به امام(علیه السلام) گفت: «پیش از آن که برادر تو قیام کند و آن چه را که کرد، انجام دهد، زید بن علی هم قیام کرد و کشته شد. اگر مقام و منزلت تو نبود، برادر تو را هم می کشتم، چرا که آن چه او انجام داده، کوچک نیست.»

امام رضا(علیه السلام) فرمود: برادرم زید را با زید بن علی مقایسه نکن؛ چرا که زید بن علی، از علمای آل محمد(صلی الله علیه وآله) بود و به خاطر خداوند غضب کرد و با دشمنان خدا جنگید تا این که در راه معبود کشته شد. پدرم موسی بن جعفر(علیه السلام) به من می گفت که از پدرش جعفر بن محمد(علیه السلام) شنیده که آن حضرت می فرمود: «خداوند، عمویم زید را رحمت کند. او، مردم را به رضای آل محمد دعوت می کرد و اگر پیروز می شد، به آن چه که مردم را به سوی آن خوانده بود، وفا می کرد.»^{۲۲۶}

بنابراین، امام رضا(علیه السلام) میان قیام زید النار و قیام زید شهید، فرق می گذارند و قیام زید شهید را به دلیل آن که برای احیای حق ائمه‌ی معصوم(علیهم السلام) بود، تأیید می کنند.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

۲۲۵. همان، ج ۱۱، ص ۳۷.

۲۲۶. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۴۸.

لا تقولوا خرج زيد فإن زيدا كان عالماً و كان صدوقاً و لم يدعكم إلى نفسه إنما دعا إلى الرضا من آل محمد...; نگوید زید خروج کرده! چون، زید عالم و صادق بود و شما را به سوی خود فرا نمی خواند، بلکه شما را به سوی رضای آل محمد، دعوت می کرد...^{۲۲۷}.

بنابراین، قیامی باطل است که برای اهداف شخصی و غیر دینی باشد، اما قیامی که برای ولایت و امامت اهل بیت(علیهم السلام) و برای ادامه‌ی راه آنان باشد، باطل نیست، بلکه عین حق و حقیقت است. ثانیاً، روایاتی که قیام قبل از قیام مهدی (عج) را باطل می دانند با روایات دیگری که خبر از قیام های بعد داده و آن ها را تأیید می کنند، تعارض پیدا می کنند. امام موسی کاظم(علیه السلام) در روایتی می فرماید:

رجل من أهل قم يدعوا الناس إلى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد لاتزلهم الرياح العواصف و لايملّون من الحرب و لايجنبون و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين;^{۲۲۸} مردی از اهل قم، مردم را به حق فرا می خواند. مردمی دور او جمع می شوند که ماننده پاره های آهن هستند که بادهای سهمگین آنان را نمی لرزاند و از جنگ نمی هراسند و خسته نمی شوند و بر خداوند توکل می کنند. عاقبت، از آن کسانی است که اهل تقوا باشند.

بنابراین، اگر قیامی برای احیای حق و در راه خدا باشد، نه تنها باطل نیست، بلکه مورد تأیید ائمه(علیهم السلام) نیز هست. و روایاتی که مخالفان ذکر کرده اند، تنها قیام هایی را شامل می شود که برای منافع شخصی و غیر دینی صورت می گیرد.

ثالثاً، اگر روایاتی را که مخالفان ذکر کرده اند، تمام قیام ها، اعم از حق و غیر حق را، شامل شود، در آن صورت، با آیات و روایاتی که به وجوب امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده اند، تعارض پیدا می کند؛ زیرا، امر به معروف، مراتبی دارد که بالاترین مرتبه‌ی آن، قیام علیه ستمگران است.

پس معلوم می شود که منظور روایات مورد استدلال مخالفان، تمام قیام ها نیست، بلکه تنها قیام های غیر الهی را شامل می شود، قیام هایی که با ظاهری دینی و همراه با فریب مردم صورت می گیرد تا سردمداران آن قیام را به حکومت برساند و منافع دنیوی را نصیب آنان کند.

علائم و وقایع ظهور

س: شرایط ظهور امام مهدی (عج) با علائم ظهور آن حضرت، چه فرقی دارد؟

۲۲۷. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۲۴.

۲۲۸. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۲.

ج: به حوادثی که قبل از ظهور اتفاق می افتد، از دو جهت می توان نگریست: از يك دید، این حوادث، نشانه های نزدیک شدن ظهور امام مهدی (عج) هستند و از نگاه دیگر، برخی از این حوادث، زمینه ساز ظهور امام (عج) است. بنابراین، در تعریف این دو اصطلاح، شاید بتوان گفت: علائم ظهور، حوادثی است که بعد از شروع غیبت و قبل از آغاز ظهور، اتفاق می افتد و وقوع آن ها در احادیث پیامبر(صلی الله علیه وآله) و امامان ذکر شده است. ولو این که آن حوادث، رابطه‌ی مستقیمی با ظهور امام زمان (عج) نداشته باشد.

شرایط ظهور، حوادثی است که نزدیک ظهور امام زمان (عج) واقع می شود و زمینه‌ی ظهور را آماده می سازد و رابطه‌ی مستقیمی با ظهور امام زمان (عج) دارد. در احادیث، آمده که این حوادث، حتماً واقع خواهد شد.

بنابراین، از دید علم منطق، رابطه‌ی میان علائم ظهور و شرایط ظهور، عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا، هر شرط ظهوری، علامت ظهور هست، ولی هر علامت ظهوری، شرط ظهور نیست. بعد از ذکر تعاریف فوق، برای روشن شدن موضوع بحث، برای هر کدام از این موارد، مثالی از احادیث ائمه‌ی طاهر(علیهم السلام) ذکر می شود.

علائم ظهور

امام باقر(علیه السلام) فرمود: «دو نشانه پیش از ظهور وجود دارد: خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف خورشید در پانزدهم ماه. این امر، از زمانی که آدم(علیه السلام) به زمین هبوط کرد اتفاق نیفتاده است.»^{۲۲۹}

شرایط ظهور

ابوبصیر و محمد بن مسلم از امام صادق(علیه السلام) نقل می کنند که فرمود: «این امر (ظهور قائم(علیه السلام)) اتفاق نمی افتد مگر این که دو سوم مردم از بین بروند». به آن حضرت گفتند: «اگر دو سوم مردم از بین بروند، چیزی باقی نمی ماند». فرمود: «آیا راضی نیستید که شما از يك سومی که باقی می ماند باشید».^{۲۳۰}

البته گاهی هم علائم ظهور و هم شرایط ظهور در يك حدیث و يك جا ذکر شده است و تفکیک این دو از هم مشکل می نماید.

از دید دیگر، می توان ادعا کرد که علائم ظهور، عبارت است از رویدادهای اجتماعی و تحولات سیاسی و طبیعی که در زمان ظهور امام زمان(علیه السلام) واقع می شود و مردم در آن نقش بارز

۲۲۹. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

۲۳۰. همان.

ندارند و همه‌ی این وقایع، نشان از آماده شدن جهان برای ورود به عصری جدید و آغاز دورانی سرنوشت ساز دارد، و شرایط ظهور، عبارت است از مواردی که مردم باید برای تحقق و تعجیل ظهور امام زمان (عج) انجام دهند و در آن موارد تلاش کنند.

در توقیع شریفی که از ناحیه‌ی مقدس امام زمان (عج) به شیخ مفید صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناہانی که از شیعیان سر می زند، یکی از اسباب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از توفیق دیدار، شمرده شده است.^{۲۳۱}

بنابراین، اگر شیعیان، در تهذیب نفس کوشش کرده و از گناہان دوری کنند، یکی از علل طولانی شدن غیبت را از بین برده به تعجیل ظهور کمک کرده اند. نتیجه این که هر دو تعریف فوق که برای علائم و شرایط ظهور گفته شد، از يك لحاظ، صحیح و از لحاظ دیگر، نواقصی دارد و شاید بهترین تعریف، جمع بین این دو تعریف باشد.

س: امام زمان (عج) چه موقعی ظهور خواهند کرد و آیا آن حضرت از زمان ظهورش آگاهی دارد؟

ج: اکثر روایات اسلامی، چه از طریق شیعه و چه از طریق اهل سنت که در مورد قیام حضرت مهدی (عج) وارد شده است، به این نکته اذعان دارند که هیچ کس جز خداوند متعال، از زمان ظهور آن حضرت، آگاهی ندارد. با این حال، علائم و نشانه هایی برای ظهور آن حضرت ذکر شده است که مهم ترین آن ها، فراگیر شدن ظلم و ستم، دوری مردم از دین، خروج سفیانی و... است.^{۲۳۲}

فضیل، از امام باقر(علیه السلام) پرسید: «آیا برای این امر وقتی تعیین می شود؟». امام سه بار فرمود: «کذب الوقتون؛ تعیین کنندگان وقت، دروغگویند».^{۲۳۳}

مفضل بن عمر می گوید:

به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم: «آیا برای مهدی منتظر(علیه السلام)وقتی تعیین شده که مردم آن را بدانند؟».

امام(علیه السلام) فرمود: «نه! هرگز! خداوند، اجازه نمی دهد که برای او وقت معینی باشد که شیعیان از آن آگاهی داشته باشند». گفتیم: «ای سرور و مولای من! چرا نمی توان از وقت آن مطلع شد؟».

فرمود: «زیرا، آن همان ساعت است که خدای تبارک و تعالی می فرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ);^{۲۳۴}

۲۳۱. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲۳۲. ر.ك: محمد حسين موسوي كاشان، جهان در آینده، ص ۲۴ - ۲۵.

۲۳۳. شيخ طوسي، الغيبة، ص ۲۶۱.

درباره‌ی قیامت از تو سؤال می‌کنند که کی فرا می‌رسد. بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او (نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد). در آسمان‌ها و زمین، سنگین (و بسیار پراهمیت) است... و نیز خداوند می‌فرماید: (يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ)؛^{۲۳۵} کسانی که به روز رستاخیز ایمان ندارند، درباره‌ی آن شتاب می‌کنند، ولی آنان که ایمان آورده‌اند، پیوسته، از آن هراسانند و می‌دانند آن حق است. آگاه باشید! آنان که در روز رستاخیز تردید می‌کنند، در گمراهی عمیقی هستند.

مفضل بن عمر می‌گوید: پرسیدم: «معنای مجادله در مورد ساعه چیست؟». امام فرمود: «کی متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ او کجا است؟ کی ظاهر می‌شود؟ این پرسش‌ها و مجادله‌ها، از شتاب در امر خدا، تردید در حکم خدا، مداخله در قدرت خدا، سرچشمه می‌گیرد. چنین اشخاصی در دنیا، زیان کار هستند و گروه کافران در آخرت بازگشت بسیار بدی دارند...»^{۲۳۶}

اسحاق بن یعقوب، نامه‌ای به توسط محمد بن عثمان عمری خدمت امام زمان (علیه السلام) فرستاد و سؤالاتی کرد. امام، در فرازی از پاسخ در مورد وقت ظهور فرمود: «و أما ظهور الفرج فإنه إلى الله تعالى ذكره و كذب الوقتون؛ ظهور فرج، به فرمان خدای متعال وابسته است و تعیین کنندگان وقت، دروغ‌گویانند».^{۲۳۷}

بنابراین، علم به وقت ظهور امام زمان (عج) از اسرار خداوند است که آن را برای بندگان خویش بیان نکرده و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) تعیین وقت برای ظهور امام مهدی (عج) را به هیچ وجه جایز نشموده‌اند و آن را از اسرار الهی دانسته‌اند، ولی علاماتی را ذکر فرموده‌اند که چون آن علائم واقع شد، نزدیک بودن ظهور را نوید می‌دهد.

س: مردم چگونه از ظهور امام مهدی (عج) در اقصی نقاط عالم با خبر می‌شوند؟

ج: از سوی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم (علیهم السلام) علامت‌ها و نشانه‌هایی برای ظهور آن حضرت ذکر شده است که مردم با دیدن آن علائم و نشانه‌ها، از ظهور امام مهدی (عج) با خبر می‌شوند. این علائم، از يك حیث، دو گونه‌اند:

۲۳۴. اعراف: ۱۸۷.

۲۳۵. شوری: ۱۸.

۲۳۶. محمد خاتمی شیرازی، جهان بعد از ظهور یا فروغ بی‌نهایت، ص ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲.

۲۳۷. سید حسین حسینی، یاد محبوب، ص ۷۸.

۱. **علامت خاص:** این علامت ها، خاص و مختص وجود پر برکت حضرت صاحب الامر(علیه السلام) است و حضرت بدان وسیله می داند که خداوند او را اذن و اجازه‌ی ظهور داده است. در روایتی طولانی، ابی بن کعب از پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) درباره‌ی علامت های ظهور امام مهدی(علیه السلام) سؤال می کند. آن حضرت می فرماید:

او «امام مهدی (عج)» پرچمی دارد که چون وقت ظهورش فرا رسد، خود به خود باز می شود و خدای تعالی آن را به سخن می آورد و عرض می کند: «یا ولی الله فاقتل اعداء الله؛ ای ولیّ خدا! دشمنان خدا را بکش!». و این دو علامت است: اولی باز شدن پرچم، دومی، صدایی است که از پرچم بر می آید.

و نیز او شمشیری دارد که در غلاف است و چون هنگام ظهور حضرتش فرا رسد از غلاف بیرون می آید و خداوند آن را به سخن می آورد و صدا می زند: «اخرج یا ولیّ الله! فلا یحِلّ لك انْ تَقْعَدَ فی اعداء الله؛ ای ولیّ خدا! قیام کن که دیگر جای درنگ نیست و نشستن برای تو روا نیست که از دشمنان خدا دست برداری». پس حضرت خروج می کند و قیام می کند و دشمنان خدا را هر کجا که بیابد به قتل می رساند...^{۲۳۸}

۲. **علامت عام:** علائم عام، علامت هایی هستند که جنبه‌ی عمومی دارد و برای مردم ظاهر خواهد شد و هر کس از عوام و خواص، در طول زندگی خود، برخی از آن ها را خواهد دید. این علامت ها بسیارند. در این جا به برخی از مهم ترین آن ها اشاره می شود:

۱. خروج سفیانی.
۲. گرفتن خورشید در نیمه‌ی ماه مبارک رمضان.
۳. گرفتن قرص ماه در آخر ماه مبارک برخلاف عادت.
۴. فرو رفتن زمین «بیداء» که سرزمینی است میان مکه و مدینه.
۵. فرو رفتن زمین یا جمعیتی در مشرق.
۶. توقّف خورشید از آغاز ظهر تا وسط وقت عصر.
۷. طلوع خورشید از مغرب.
۸. کشته شدن نفس زکیه که سیدی است هاشمی در پشت کوفه — یعنی: نجف — با هفتاد نفر از صالحان.

۹. خراب شدن دیوار مسجد کوفه.

۱۰. نمایان شدن پرچم های سیاه از طرف خراسان.

۱۱. خروج یمانی از طرف یمن.

۱۲. فرود آمدن ترك ها در جزیره (شمال عراق کنونی).
۱۳. ورود رومیان در رمله (منطقه ای در اردن کنونی).
۱۴. پیدا شدن سرخی شدید در آسمان که در اطراف آن پراکنده شود.
۱۵. پیدایش آتش در طول مشرق که تا سه روز یا هفت روز در هوا بماند.
۱۶. عرب ها استقلال پیدا کنند و کشورگشایی کنند و از زیر بار و نفوذ دیگران بیرون روند.
۱۷. اهل مصر، فرمانروای خود را بکشند.
۱۸. شام خراب شود و سه پرچم در آن جا پدیدار گردد.
۱۹. رودخانه‌ی فرات طغیان کند یا شکافته شود، به حدی که آب در کوچه های کوفه داخل شود.
۲۰. پلی در بغداد در کنار محله (کرخ) ساخته شود.
۲۱. ترسی عمومی و مرگی سریع و همگانی، همه‌ی اهل عراق و مردم بغداد را فرا گیرد که قرار و آرام یا راه فرار نداشته باشند.

۲۲. صدایی از آسمان بلند شود که همه‌ی مردم روی زمین آن را به زبان خود بشنوند.^{۲۳۹}
 علامت ها و نشانه های دیگری نیز هست که در کتاب های مبسوط، مانند بحار الأنوار، (جلد پنجاه و دوم) ذکر شده است و ما، در این قسمت، به برخی از این احادیث که شامل چندین علامت است، اشاره می کنیم.

۱. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «پنج اتفاق قبل از ظهور قائم(علیه السلام) اتفاق می افتد: قیام یمانی؛ خروج سفیانی؛ منادی که از آسمان ندا می کند؛ فرو رفتن زمین در بیداء؛ کشته شدن نفس زکیه.»^{۲۴۰}
۲. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است: «... در آخر الزمان، نشانه هایی هست. از آن جمله است: دابّه الارض؛ دجال؛ نزول حضرت عیسی؛ طلوع خورشید از مغرب.»^{۲۴۱}
۳. در حدیثی طولانی، صعصعة بن صوحان از امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در مورد خروج دجال که از علائم ظهور امام مهدی (عج) است، می پرسد. آن حضرت می فرماید: «... علامت خروج دجال، این است که نماز را سبک شمارند و امانت را ضایع کنند و دروغ را حلال بدانند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمان ها را بلند سازند و دین را به دنیا بفروشند و سفیهان را به کار گیرند و با زنان مشورت کنند و قطع رحم کنند و از هواهای نفسانی تبعیت کنند و خون ریزی را سبک شمارند و حلم، ضعف شمرده شود و ظلم، فخر باشد و حاکمان، فاجر و وزیران، ظالم باشند و عارفان ضعیف و

۲۳۹. سید اسدالله شهیدی، زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی(علیه السلام)، ص ۲۲ - ۲۷؛ شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۵۶ -

۳۵۸

۲۴۰. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳.

۲۴۱. همان، ص ۱۸۱.

قاریان، فاسق باشند و شهادت دروغ آشکار شود و فسق و فجور و بهتان و گناه و طغیان علنی شود و قرآن‌ها، تزیین شود و مساجد آراسته گردد و مناره‌ها مرتفع شود... زنان با شوهران خود به خاطر حرص دنیوی، در تجارت شریک شوند و...»^{۲۴۲}

بنابراین، علامت‌ها و نشانه‌های فراوانی برای ظهور امام زمان (علیه السلام) وجود دارد که مردم با دیدن آن‌ها به ظهور امام زمان (عج) پی خواهند برد، لکن باید توجه داشت که برخی از این علائم، نشانه‌ی نزدیکی ظهور است و برخی دیگر، نشانه‌ی وقوع ظهور. به عنوان مثال علامت‌هایی که حضرت علی (علیه السلام) در این حدیث بیان داشتند، نشانه‌های نزدیک شدن ظهور است، اما خروج سفیانی، متصل به ظهور امام زمان (عج) است و او با آن حضرت جنگ خواهد کرد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «... زمانی که سفیانی مالک مناطق پنج‌گانه‌ی شام: (دمشق، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین) شد، در آن زمان، متوقع فرج باشید...»^{۲۴۳}

س: آیا جهانی شدن اقتصاد و ارتباطات و... زمینه‌های ظهور امام زمان (عج) را فراهم نمی‌کند؟

ج: برای «جهانی شدن»، تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. برای پاسخ دادن به این سؤال باید این تعریف‌ها را بیان کنیم:

۱. جهانی شدن، فرایند رو به گسترشی است که همه‌ی عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در نور دیده و تمامی کشورهای جهان، به گونه‌ای، با آن درگیر هستند. معتقدان به جهانی شدن، به دهکده‌ی جهانی ایده‌آلی می‌اندیشند که در آن، وظیفه‌ی مرزها، تعیین قلمرو کشورها است و همه چیز در میان جوامع، در حال انتقال است. سرمایه، نیروی کار، مواد اولیه، تفکر و اندیشه، فرهنگ و رسوم، تولید و مصرف، هر آن‌چه که قابلیت انتقال دارد، به برکت رشد فن آوری و ارتباطات، در اختیار جوامع قرار می‌گیرد.^{۲۴۴}

۲. جهانی شدن، در مفهوم عام آن، درهم ادغام شدن بازارهای جهان در تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جا به جایی و انتقال سرمایه و نیروی کار و فرهنگ در چهارچوب سرمایه‌داری و آزادی بازار و نهایتاً سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت‌های جهانی بازار است که منجر به شکافته شدن

۲۴۲. همان، ص ۱۹۳.

۲۴۳. همان، ص ۲۰۶.

۲۴۴. رکیت‌گرفین، مروری بر جهانی شدن و گذار اقتصادی، ترجمه‌ی محمدرضا فرزین، ص ۱۳.

مرزهای ملی و کاسته شدن از حاکمیت دولت می‌شود. عنصر اصلی و اساسی در این پدیده، شرکت های بزرگ چند ملیتی و فرا ملیتی است.^{۲۴۵}

۳. جهانی شدن، از پیامدهای سر برآوردن دولت های نیرومند ملی و عالی ترین مرحله‌ی روابط سلطه‌گری و سلطه‌پذیری امپریالیستی است. جهانی شدن، اوج پیروزی سرمایه داران جهانی در عالم است و از بطن دولت ملی که همچنان به تولید خود، در درون و بیرون مرزهایش، يك سان ادامه می‌دهد، زاده شده است.^{۲۴۶}

۴. جهانی شدن، رقابت بی قید و شرط در سطح جهانی است. این رقابت، برای کشورهای غنی، درآمد بیش تر و برای کشورهای فقیر، فقر بیش تر می‌آورد.^{۲۴۷}

۵. عصر جهانی شدن، عصر تحوّل عمیق سرمایه داری برای همه‌ی انسان ها است که در سایه‌ی چیرگی و رهبری کشورهای مرکز و نیز در سایه‌ی حاکمیت نظام جهانی، مبادله‌ی نامتوازن و ناهمگون صورت می‌پذیرد.^{۲۴۸}

بعد از این مقدمه، باید گفت، اگر نظر به زمینه‌های مثبت ظهور حضرت مهدی (عج) — که استاد مطهری، به انتظار سازنده تعبیر نموده است^{۲۴۹} —، باشد، یعنی مؤمنین تلاش کنند که همه چیز جهانی شود تا حضرت سریع تر ظهور کند. باید گفت در تعریف های پنج گانه، غیر از تعریف اول، چنین بار مثبتی مشاهده نمی‌شود و قابل توصیه به مؤمنان نیست؛ چون، به ضرر جامعه‌ی بشری است؛ زیرا، جهانی شدن، یعنی سر فرود آوردن در مقابل قدرت های مالی و سست شدن حاکمیت ها و قرار گرفتن همه چیز در اختیار شرکت های چند ملیتی و فرا ملیتی (تعریف دوم) و نهایتاً سر فرود آوردن جهان در برابر قدرت های جهانی بازار، و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری امپریالیستی و پیروزی سرمایه داران (تعریف سوم) که برای کشور غنی، درآمد بیش تر و برای کشورهای فقیر، فقر بیش تری می‌آورد (تعریف چهارم)؛ چون، مبادله، يك مبادله‌ی نامتوازن و ناهمگون است (تعریف پنجم). این است که عده‌ای جهانی شدن را مساوی با آمریکایی شدن دانسته اند.^{۲۵۰}

بنابراین، طبق چهار تعریف اخیر، جهانی شدن، باری مثبت در زمینه‌ی ظهور امام زمان (عج) ندارد، اما طبق تعریف نخست، هر چند بار منفی‌نمایی در آن مشاهده نمی‌شود، لکن بار مثبت آن هم

۲۴۵. مجله اطلاعات سیاسی — اقتصادی، ش ۱۰۵ — ۱۰۶، ص ۱۰۲.

۲۴۶. همان، ۱۰۲.

۲۴۷. همان، ص ۱۰۲ — ۱۰۳.

۲۴۸. همان، ص ۱۰۳.

۲۴۹. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، ص ۱۰۳.

۲۵۰. مجله اطلاعات سیاسی — اقتصادی، ش ۱۰۵ — ۱۰۶، ص ۱۰۳.

خیلی مشهود نیست و باید با احتیاط برخورد کنیم و خیلی نمی شود مؤمنان را تشویق کرد که در جهانی شدن اقتصاد بکوشند.

از این گذشته ما، نیازی به چنین توصیه ای نداریم؛ چون، وظیفه ی اصلی ما، در این زمان، خودسازی و دیگرسازی روحی جامعه است، نه اقتصادی. هر چند آن هم باید انجام شود؛ زیرا، جهانی شدن به معنای درست و صحیح (نه تعریف های موجود) آن است که در زمان حضرت مهدی (عج) انجام می گیرد و می توان تحت عنوان «امام مهدی و اصلاحات اقتصادی و اجرای عدالت» به آن اشاره کرد. عناوینی در روایات آمده، چنین است:

۱. فقر زدایی عمومی.^{۲۵۱}
۲. سازندگی گسترده و از بین رفتن خرابی ها.^{۲۵۲}
۳. پرداخت وام ها و تحت پوشش قرار گرفتن خانواده های بی سرپرست و آزادی بردگان.^{۲۵۳}
۴. استخراج گنج ها و تقسیم مال ها میان همه ی مردم.^{۲۵۴}
۵. بخشش گسترده، به اندازه ای که شخص بتواند حمل کند.^{۲۵۵}
۶. گسترده شدن خوان حکمت و ثروت.^{۲۵۶}
۷. مبارزه با ثروت اندوزی و مصرف گنج ها در راه مصالح مردم.^{۲۵۷}
۸. عدالت جهانی^{۲۵۸} و اجرای آن درباره ی نیکان و بدان.^{۲۵۹}
۹. بازپس گیری حقوق تا آن جا رسد که اگر در بُن دندان انسانی، حق دیگری باشد، باز پس گرفته می شود.^{۲۶۰}

اما اگر مراد، جنبه ی منفی زمینه های ظهور حضرت در جهانی شدن اقتصاد باشد - که اکثریت تعریف ها، نشانه ی بار منفی جهانی شدن بود - می شود آن را تحت عنوان بعضی از علائم ظهور، مثل زیاد شدن رشوه خواری و تقلب و تسلط بیگانگان و کافران و اهل باطل و چیره شدن آنان بر مسلمانان و دنیازدگی و خودباختگی مسلمانان و ... گنجانید.

۲۵۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۷، روایت ۲۱۲.

۲۵۲. ابوالقاسم خونی، منهاج البراعة، ج ۸، ص ۳۵۳.

۲۵۳. قزوینی، الامام المهدی، ص ۶۳۱.

۲۵۴. لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۴۷۲.

۲۵۵. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۳۹، ح ۲۲۳۲.

۲۵۶. نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۸.

۲۵۷. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۴، ح ۴۰۲.

۲۵۸. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۸.

۲۵۹. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۱۶۱.

۲۶۰. علی کورانی، موسوعة أحادیث الإمام المهدی (عج).

خلاصه، این که برای ظهور حضرت، علایمی مانند زیاد شدن ظلم و گناه و سلطه‌ی بیگانگان و... و حوادثی مانند ظهور سفیانی، سید حسنی، ... بیان شده است و عمده وظیفه‌ی ما، در زمان غیبت، خودسازی و دیگرسازی و انتظار سازنده است.

س: امام زمان (عج) به هنگام ظهور در چه سنی خواهد بود؟

ج: همان گونه که قبلاً گفته شد، آن حضرت در نیمه‌ی شعبان دویست و پنجاه و پنج هـ ق به دنیا آمدند^{۲۶۱} و بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) ابتدا، غیبت صغرا و سپس غیبت کبرا آغاز شد و جز خداوند متعال، هیچ کس از مدت غیبت امام مهدی (عج) و زمان ظهورش، آگاه نیست. پس برای دانستن سنّ واقعی آن حضرت در زمان ظهور، باید منتظر ظهور ایشان باشیم، لکن احادیثی وجود دارد که به هنگام بیان کیفیت و نشانه‌های ظهور امام مهدی (عج) به این مطلب اشاره کرده اند که آن حضرت به هنگام ظهور، چهل ساله یا حتی کم تر از آن به نظر خواهند رسید.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

... خداوند، عمر او (قائم علیه السلام) را به هنگام غیبت، طولانی می کند. سپس به قدرت

خداوند، به شکل جوانی که کم تر از چهل سال دارد، ظهور می کند...^{۲۶۲}

اباصلت هروی از امام رضا (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود: نشانه‌ی قائم ما، این است که در سنّ يك پیرمرد و به صورت يك جوان است، به گونه ای که هر کس آن حضرت را ببیند، او را چهل ساله یا کم تر می پندارد و تا هنگام مرگ، اثر پیری در او ظاهر

نمی شود.^{۲۶۳}

طبق این احادیث، امام مهدی (عج) به هنگام ظهور، از نظر ظاهری، جوان به نظر می رسند، به گونه ای که بینندگان گمان می کنند آن حضرت، چهل یا کم تر از چهل سال دارد.

س: امام زمان (عج) در کدام نقطه از جهان ظهور می کنند؟

ج: طبق روایات متواتر شیعه و سنی، قیام شکوه مند آن مصلح جهانی از سرزمین مکه و از مسجد الحرام، کنار کعبه‌ی معظمه، آغاز خواهد شد و تعداد سیصد و سیزده تن از اصحاب او که فرماندهان

۲۶۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴.

۲۶۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۲۶۳. همان، ص ۲۸۵.

لشکری و کشوری آن حضرت هستند، در میان رکن و مقام، با آن حضرت بیعت می کنند. آن گاه، تعداد ده هزار نفر تکمیل می شود و وجود مقدس حضرت بقیه الله (عج) با سپاه ده هزار نفری، از مکه حرکت می کنند و به اصلاح جهان می پردازند.^{۲۶۴}

مفضل از حضرت صادق (علیه السلام) می پرسد: «ای آقای من! حضرت مهدی (عج) از کجا و چه گونه ظهور می کند؟». حضرت فرمودند: «ای مفضل! او به تنهایی ظهور می کند و به تنهایی کنار کعبه می آید و به تنهایی شب را در آن جا می گذراند.»^{۲۶۵}

در روایت دیگری می فرماید:

چون مهدی به در آید، به مسجدالحرام رود. رو به کعبه و پشت به مقام ابراهیم بایستد. دو رکعت نماز گزارد. آن گاه فریاد برآورد: ای مردمان! منم یادگار امام و یادگار نوح و یادگار ابراهیم و یادگار اسماعیل. منم یادگار موسی و عیسی و محمد... منم صاحب قرآن و زنده کننده سنت...^{۲۶۶}

س: مسئله ی قرقسیا و رابطه ی آن با ظهور امام مهدی (عج) چیست؟

ج: «قرقسیا» که در برخی نسخه ها «قریه ی سبا»، ضبط شده است، نام شهری است که در سوریه واقع شده و اکنون در نزدیکی مرز عراق و سوریه است.^{۲۶۷} برخی نیز آن را معرب «گرگ سیاه» دانسته اند.

در علائم ظهور مربوط به خروج سفیانی گفته شده است، او، به محلی به این نام وارد می شود و رخدادی بزرگ برای او در آن جا اتفاق می افتد.^{۲۶۸}

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «سفیانی، در شام بر دشمنان پیروز می شود. بعد از آن، بین او و دشمنان دیگری در «قرقسیا»، جنگی روی می دهد که پرنندگان آسمان و درندگان زمین، از باقیمانده های کشته ها، سیر می شوند.»^{۲۶۹} هم چنین «قرقسیا» را محلی در کنار نهر فرات دانسته اند.^{۲۷۰}

۲۶۴. محمد خاتمی شیرازی، جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت، ص ۹۴.

۲۶۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲۶۶. همان، ص ۹.

۲۶۷. سیدمحمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۴۵۴.

۲۶۸. همان، ص ۲۵۱.

۲۶۹. حسین کریم شاهی بیدگلی، فرهنگ موعود، ص ۱۸۸.

۲۷۰. بحارالانوار، ج ۱۳؛ مهدی موعود، ترجمه ی علی دوانی، ص ۹۸۳.

بنابراین، به نظر می‌رسد نام «قرقسیا» تنها اسم محلی است که برخی از علائم ظهور در آن اتفاق می‌افتد و در کتاب‌ها، بیش از این اشاره نشده است.

س: آیا می‌توان به همه‌ی کتاب‌های علائم الظهور و ملاحم، استناد کرد؟

ج: مسئله‌ی موعود آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی (عج) یکی از مسائل مهم است و روایات بسیاری درباره‌ی علائم ظهور و مسائل مربوط به قبل و بعد از ظهور، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) به دست ما رسیده است، اما باید توجه داشت:

اولاً، این مسئله، به دلیل اهمیتش همیشه مطمح نظر طالبان قدرت و افراد فرصت طلب بوده است و عده‌ای برای نیل به مقاصد و مقامات دنیوی، با دسیسه و نیرنگ، به تحریف برخی از روایات و حتی جعل حدیث پرداخته‌اند و گاهی با در هم آمیختن احادیث صحیح با احادیث ضعیف یا جعلی، سعی در گمراه کردن دیگران داشته‌اند.

ثانیاً، هر چند مسئله‌ی مهدویت در برخی کتاب‌های اهل سنت و سایر ادیان وارد شده است، ولی باید توجه داشت که با وجود احادیث و کتاب‌های شیعی، تنها راه مطمئن در موضوع مهدویت، احادیث صحیح و کتاب‌های شیعه است.

ثالثاً، باید توجه داشت که ممکن است برخی از روایات و احادیث، به عنوان کنایه باشد؛ یعنی، اشاره به مفاهیم و معانی دیگر داشته باشد و نباید به ظاهر آن‌ها بسنده کرد؛ ممکن است بعضی از آن احادیث ضعیف باشند. بنابراین، باید در انتخاب کتاب، دقت کافی شود تا از نقاط ضعف زیاد برخوردار نباشد. بهترین راه برای اطلاع از ملاحم و علائم ظهور، مراجعه به کتاب‌های روایی و مستند شیعه است که به دست علمای بزرگ شیعه گردآوری شده است. نام برخی از کتاب‌های مفید، چنین است:

۱. موسوعة امام مهدی (عج)، شهید محدر صدر.
۲. موسوعة أحادیث الامام المهدی (عج)، علی کورانی، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۳. منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر، لطف الله صافی، مكتبة الصدر.
۴. انقلاب جهانی مهدی، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف.
۵. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مدعیان دروغین مهدویت

س: از چه زمانی، عده ای به دروغ، ادعای مهدویت کردند؟

ج: اعتقاد به مهدی موعود(علیه السلام) در بین مردم به خاطر تأکیدی که پیشوایان دینی ما داشتند، از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) رواج داشته است.^{۲۷۱} آن حضرت، بارها^{۲۷۲}، در مناسبت های گوناگون، از حضرت مهدی و از ظهور و قیام و غیبت طولانی و دیگر ویژگی های آن حضرت خبر داده اند و بسیاری از اصحاب پیامبر(صلی الله علیه وآله) از این موضوع خبر داشتند^{۲۷۳} و شعرای مسلمان، مانند کمیت اسدی (متوفای ۱۲۶ هـ ق) و اسماعیل حمیری (متوفای ۱۷۳ هـ ق) و دعبیل خزاعی (متوفای ۲۴۶ هـ ق) در اشعار خود، از آن یاد کرده اند. همین مسئله، سبب شده که در طول این مدت، افرادی پیدا شوند که یا خود، ادعای مهدویت کنند و یا عده ای از مردم به مهدویت آنان معتقد شوند. به عنوان مثال، عده ای، محمد حنفیه (پسر امیرالمؤمنین(علیه السلام)) را مهدی می پنداشتند و می گفتند او غیبت کرده است، در حالی که در سال (۸۱ هـ ق) وفات یافته است،^{۲۷۴} و یا مهدی عباسی خود را مهدی موعود می نامید.^{۲۷۵} بنابراین، آغاز ادعای مهدویت، به دوره ای بعد از شهادت امام حسین(علیه السلام) باز می گردد.

س: چرا با آغاز دوره ای استعمار، ادعای دروغین مهدویت زیاد شد؟

ج: بعد از آغاز غیبت صغرا، عده ای، به خیال کسب مال و مقام، شروع به ادعای نیابت و بابیت حضرت مهدی (عج) کردند و افرادی مانند شریعی، شلمغانی، نمیری، کرخی، حلاج، ابن ابی العزاقر و... خود را نایب و باب امام زمان(علیه السلام) نامیدند و بعد از اندک مدتی، کم کم، ترقی کردند، خود را امام و حتی پیامبر خواندند.^{۲۷۶}

ادعای نیابت و حتی ادعای مهدویت که برای رسیدن به مال و مقام دنیوی و فریب دادن مردم ساده دل بود، بعد از آغاز غیبت کبرا نیز ادامه یافت و عده ای با فریب مردم، مدتی به فتنه انگیزی پرداختند و بعد از بین رفتن تا این که نوبت به استعمار رسید. دولت های استعماری که در طول جنگ های صلیبی، طعم شکست را چشیده بودند، بعد از آغاز رنسانس و آغاز نفوذ به کشورهای

۲۷۱. طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۴۳؛ ابراهیم امینی، داندگستر جهان، ص ۷۴ - ۸۲.

۲۷۲. همان، ص ۳۱۰. روایت از یازده امام نقل شده است.

۲۷۳. لطف الله صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، ص ۹۱.

۲۷۴. عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲۷۵. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۹۳.

۲۷۶. ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷ - ۳۸۱.

آفریقایی و آسیایی، به این نتیجه رسیدند که برای نفوذ در کشورهای اسلامی، چاره ای جز ایجاد اختلاف های دینی ندارند.

همفر (جاسوس انگلیسی) به هنگام توضیح مواد موافقت نامه‌ی مقامات بلندپایه‌ی وزارت مستعمرات بریتانیا برای شکست و نابودی اسلام، به چهارده بند از آن اشاره می کند. در بند ششم چنین آمده است: تبلیغ عقاید و مذاهب من درآوردی و ساختگی در مناطق اسلامی با برنامه ریزی آگاهانه و منظم به گونه ای که تبلیغ پس از ارزیابی زمینه های مساعد فکری در اقشار مردم صورت گیرد... و اختلافات و منازعات شدیدی بین این فرقه ها بر پا گردد تا بدان جا که هر فرقه ای خود رامسلمان واقعی و دیگران را مرتد و کافر و واجب القتل پندارد.^{۲۷۷}

استعمار غرب، روش های گوناگونی را برای تحقق این اهداف، درپیش گرفت. یکی از آن ها، روشی بود که در يك برهه از زمان، مبارزان مسلمان برای مبارزه با استعمار از آن استفاده کرده بودند. آن روش، ادعای مهدویت از سوی برخی از مسلمانان آفریقا بود. استعمار می خواست از این حربه، برای شکست خود اسلام استفاده کند.

استعمار انگلیس، طعم مبارزه با مهدی سودانی یا متمدی سودانی را — که با ادعای مهدویت، عده ای را به دور خود گرد آورد و جنگ های بسیاری با دولت مصر و حتی انگلیس کرد^{۲۷۸} — به یاد داشت و حتی در نهایت، از این حرکت نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرد و با تشویق عده ای برای ادعای مهدویت، ایجاد تفرقه میان مسلمانان را آغاز کرد.

در کتاب ادیان و مهدویت، از حدود چهل و شش نفر نام برده شده است که مدعی مهدویت شده اند.^{۲۷۹} هر چند تعداد مدعیان مهدویت، بیش از این مقدار است، ولی باید دانست که اوج این ادعاها، در دوره‌ی استعمار بوده است. مؤلف کتاب مذکور، در ادامه می نویسد:

اشخاص دیگری مدعی مهدویت شدند که سیاست خارجی، آن ها را تحریک نمود وگرنه فرومایگی آن ها مانند آفتاب آشکار شد. مانند سید علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبدالبهاء، یوسف خواجه کاشغری که گفت من امام زمان هستم و پیشوای تراکه گردید و بیست و نه هزار ترکمن را در کنار رود گرگان با قشون ایران مصاف داده و نظایر بسیار در اطراف جهان از آن ها دیده شده است.^{۲۸۰}

استعمار، در هندوستان نیز احمدخان قادیانی را به این ادعا برانگیخت و فرقه قادیانیه را ایجاد کرد. این فرقه، بعدها، به دو فرقه تقسیم شدند و هم اکنون نیز در پاکستان به حیات خود ادامه می دهد.^{۲۸۱}

۲۷۷. خاطرات همفر، (جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی)، ص ۱۹۳.

۲۷۸. محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، ص ۷۱.

۲۷۹. ادیان و مهدویت، ص ۷۱ — ۸۳.

۲۸۰. همان، ص ۸۳.

۲۸۱. علی ربانی گلپایگانی، فرق و مذاهب کلامی، ص ۳۴۵ — ۳۴۷.

س: چه راه هایی برای شناختن مهدی نمایان وجود دارد؟

ج: همان گونه که گذشت، اعتقاد به مهدویت، از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) رواج داشته و تقریباً بعد از واقعه‌ی کربلا و شهادت امام حسین(علیه السلام) ادعای مهدویت نیز آغاز شد و برخی از مردم بعد از وفات محمد حنفیه، او را مهدی دانستند و بعدها نیز عده ای خود را مهدی نامیدند و ادعای مهدویت کردند... برای این که ما مهدی نمایان را تشخیص دهیم، لازم است شناخت کامل از امام زمان(علیه السلام) داشته باشیم. در روایات ما آمده است که زرارة بن اعین از امام صادق(علیه السلام) سؤال کرد: «در زمان غیبت امام زمان(علیه السلام)، امام را چگونه از امامان بدلی تشخیص دهیم؟». امام(علیه السلام) فرمود: «این دعا را یاد بگیر و تکرار کن: (اللهم عَرَفْنِي لِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ. اللَّهُمَّ! عَرَفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ. اللَّهُمَّ! عَرَفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرَّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَّتُ عَنْ دِينِي).^{۲۸۲}

بنابراین، بر ما لازم است که امام زمان(علیه السلام) را از چند جهت شناسایی کنیم، هم شناسنامه ای و هم اعتقادی و قلبی. روایات ما، به همه‌ی این ها اشاره کرده اند و فرموده اند: «امام زمان(علیه السلام) از بنی هاشم و از اولاد فاطمه(علیها السلام) و از سلاله‌ی سیدالشهداء امام حسین(علیه السلام) و نام پدرش حسن و خودش همان پیامبر(صلی الله علیه وآله) و... است، و بعد هم خصوصیات شخصی و جسمی امام دوازدهم(علیه السلام) را بیان فرموده اند و گفته اند: او، شبیه ترین مردم به پیامبر(صلی الله علیه وآله) است؛ پیشانی حضرت فراخ و سفید و تابان و اثر سجده در آن آشکار است؛ ابروهای حضرت، به هم پیوسته است؛ چشم حضرت، سیاه و سرمه گون است؛ در طرف راست صورت، خالی وجود دارد؛^{۲۸۳} هنگام ظهور، با شمشیر قیام می کند؛ از ایشان، کرامت های بی شماری ظهور می کند. برای ظهور نیز علائمی حتمی و غیرحتمی بیان کرده اند، ندای آسمانی، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نفس زکیه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابانی ما بین مکه و مدینه^{۲۸۴} و... از جمله‌ی آن علائم است.

از طرفی، انسان باید آن قدر قدرت تشخیص داشته باشد تا بتواند امام مهدی(علیه السلام) را با اوصافی که بعضی از آن ها ذکر شد، از مهدی نمایان تمییز دهد، چون، بدیهی است که در هر زمان، برخی عناصر فرصت طلب، از موضوع مهدویت سوء استفاده می کنند، چنان که مدعیان الوهیت یا نبوت یا سایر مقامات معنوی، در دنیا کم نبوده اند، ولی این ها، هرگز، دلیل بر این نمی شود که منکر اصل

۲۸۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۲. خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو، خودت را به من

نشناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت.

خدایا! حجت و امام زمان را به من بشناسان که اگر امامت را نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

۲۸۳. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ص ۲۸۹.

۲۸۴. رک: همان، و مهدی موعود، (در این کتاب بیش از چهارصد علامت ذکر شده است).

وجود خدا و نبوت انبیا و مهدویت شویم. از این رو، دانایان و اهل تشخیص، از پیامبران درخواست معجزه می کردند. به همین دلیل مشاهده می کنیم که برای شناخت امام بعدی، امام هر عصری، برای اصحاب خود، علائمی از امام پسین را نشان می دادند تا در مسئله، شکی باقی نماند و آنان بتوانند امام بعد را به صورت واضح، شناسایی کنند.

حکومت امام مهدی (عج)

نحوه ی حکومت

س: حضرت مهدی (عج) پس از ظهور، چه کارهایی انجام می دهند؟

ج: دوران پس از ظهور حضرت مهدی (عج) بدون شك، والاترین و شکوفاترین و ارج مندترین، فصل تاریخ انسانیت است. آن دوران، دورانی است که وعده های خداوند درباره ی خلافت مؤمنان و امامت مستضعفان و وراثت صالحان، عملی می گردد و جهان با قدرت الهی آخرین پرچمدار عدالت و توحید، صحنه ی شکوه مندترین جلوه های عبادت پروردگار می شود. در احادیث مختلف، گوشه هایی از عظمت آن دوران به تصویر کشیده شده است. ما، با استفاده از این احادیث به برخی از کارهایی که امام زمان (عج) برای ایجاد جامعه ای متکامل و ایده آل، انجام می دهند، اشاره می کنیم:

س: امام مهدی (عج) در هنگام تشکیل حکومت چه کارهایی را انجام خواهند داد؟

ج: با توجه به احادیثی که در مورد دوران حکومت حضرت مهدی (عج) وارد شده و آن دوران را توصیف کرده اند می توان اهم اموری که از سوی آن حضرت به اجرا در می آید را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. حاکمیت اسلام در سراسر هستی

بعد از ظهور امام زمان (علیه السلام) عده ای علیه آن حضرت وارد جنگ می شوند و سعی خواهند کرد تا از تشکیل حکومت عدل الهی بر روی زمین — که وعده ی آن، از سوی انبیا و امامان (علیهم السلام) داده شده است — جلوگیری کنند. امام (علیه السلام) ابتدا، آنان را به راه حق دعوت خواهد کرد و اگر قبول نکردند، با آنان وارد کارزار می شود و هرگونه فساد و کژی را نابود خواهد کرد.

امام باقر(علیه السلام) در تفسیر آیهی (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ);^{۲۸۵} می فرماید: تأویل این آیه، هنوز نیامده است... پس زمانی که تأویل آن فرا رسد، مشرکان کشته می شوند، مگر آن که موحد شوند و شرکی باقی نماند.^{۲۸۶}

و در حدیث دیگری می فرماید:

با مشرکان جنگ می کنند تا این که موحد شوند و شریکی برای خدا قرار ندهند. چنان (امنیتی حاصل) می شود که پیر زن کهنسال، از مشرق به مغرب می رود، بدون آن که کسی جلوی او را بگیرد.^{۲۸۷}

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ;^{۲۸۸} زمانی که قائم(علیه السلام) قیام کند، هیچ سرزمینی نمی ماند، مگر این که ندای شهادتین (لا إله إلا الله و محمد رسول الله) در آن طنین اندازد.

۲. احیای قرآن و معارف قرآنی

امیرالمؤمنین(علیه السلام) با اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) می فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُتِزِلُ;^{۲۸۹} گویا شیعیان ما اهل بیت(علیهم السلام) را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده اند و خیمه هایی برافراشته اند و در آن ها قرآن را آن چنان که نازل شده است، به مردم یاد می دهند.

بنابراین، محور حرکت نهضت جهانی امام مهدی، قرآن است و آن حضرت با تعلیم قرآن، آن را سرمشق زندگی انسان ها قرار خواهند داد. حضرت علی(علیه السلام) در بیان احوال زمان ظهور امام مهدی (عج) می فرماید:

(امام مهدی) هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی گرداند، زمانی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند، و رأی را به قرآن برمی گرداند، زمانی که مردم قرآن را به رأی و اندیشه مبدل کرده باشند.^{۲۹۰}

۳. گسترش عدالت و رفع ستم

مهم ترین شاخص قیام امام مهدی (عج) که تقریباً در اکثر روایات مربوط به آن حضرت ذکر شده است، ریشه کن ساختن ظلم و ستم و فراگیر کردن عدل و قسط در سراسر گیتی است، به گونه ای که

۲۸۵. انفال: ۳۹.

۲۸۶. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸.

۲۸۷. همان، ص ۳۴۳.

۲۸۸. همان، ص ۳۴۰.

۲۸۹. همان، ص ۳۶۶.

۲۹۰. شرح نهج البلاغه، علینقی فیض الاسلام، ج ۳، ص ۴۲۴، خ ۱۳۸.

می توان ادعا کرد که جمله‌ی «یَمَلَا الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مَلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» که در اکثر احادیث ذکر شده، هم تواتر لفظی دارد و هم تواتر معنوی.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

قیامت بر پا نمی شود، مگر این که مردی از اهل بیت من که اسمش شبیه اسم من است، حاکم شود و زمین را پر از عدل و قسط کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.^{۲۹۱}

۴. گرایش دوباره به اسلام حقیقی

بعد از وفات پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و واقعه‌ی سقیفه بنی ساعده، خلفا سعی کردند با منع نقل و تدوین احادیث پیامبر(صلی الله علیه وآله) از روشن شدن جایگاه اهل بیت(علیهم السلام) — که به عنوان مفسران دین اسلام و ثقل اصغر نقش هدایت جامعه را داشتند — جلوگیری کنند و همین امر موجب شد تا انحرافات و گمراهی هایی که دامن گیر سایر ادیان شده بود، در میان مسلمانان نیز شیوع یابد و برخی عناصر یهودی و مسیحی، با کمک دستگاه خلافت، اسلام را مطابق سلیقه‌ی خود و مناسب با منافع حاکمان توجیه و تفسیر کنند و موجب جدایی هر چه بیش تر مردم از اهل بیت(علیهم السلام) شوند. افرادی مانند تمیم داری، وهب بن منبه، کعب الاحبار، ابوهریره، عروه بن زبیر، عبدالله بن عمر، ... با تفسیرهایی که بیش تر با هواهای نفسانی و خواسته های حاکمان مطابقت داشت از همان آغاز، موجب بروز برخی انحرافات و بعدها ایجاد فرقه های کلامی در زمان های بعد و ... شدند و مردم را از چشمه‌ی علم اهل بیت(علیهم السلام) محروم ساختند. به همین دلیل، آن گاه که امام زمان(علیه السلام) قیام می کند، به پیراستن دین اسلام از انحرافات و پیرایه هایی خواهد پرداخت که از سوی منحرفان بر دین اسلام تحمیل شده است و مردم را به اسلامی که پیامبر(صلی الله علیه وآله) آن را ابلاغ کرده بود، دعوت خواهد کرد.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

زمانی که حضرت قائم(علیه السلام) قیام می کند، مردم را مجدداً به اسلام فرا می خواند و به امری هدایت می کند که فراموش شده و جمهور از آن منحرف شده اند...^{۲۹۲}

۵. فراوان شدن نعمت های دنیوی

یکی از مطالب مهم که در احادیث مربوط به امام زمان (عج) بر آن تأکید شده است، وفور نعمت های مادی در زمان حکومت امام مهدی(علیه السلام) است. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

... یَظْهَرُ اللَّهُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ مَعَادِنَهَا؛ خداوند، گنج های زمین و معادن آن را برای امام مهدی

(عج) ظاهر خواهد کرد.^{۲۹۳}

۲۹۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۲۹۲. همان، ص ۳۰.

۲۹۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

... هنگامی که قائم ما قیام کند، آسمان، باران خود را فرو خواهد ریخت و زمین، گیاهان خود را خواهد رویانید... به گونه ای که زن، میان عراق و شام راه خواهد رفت و همه جا بر روی گیاه پا خواهد گذاشت...^{۲۹۴}

۶. عمران و آبادی

امام زمان (علیه السلام) علاوه بر هدایت دینی، اجتماعی، سیاسی، به امور دنیوی نیز رسیدگی می کند و به عمران و آبادی شهرها و روستاها می پردازد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

فلا یبقی فی الارض خراب الا عمر؛^{۲۹۵} بر روی زمین، هیچ خرابی نخواهد بود، مگر این که آباد خواهد شد.

مفضل از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد (علیهم السلام) قیام کند، در پشت کوفه، مسجدی بنا خواهد کرد که هزار در دارد و خانه های کوفه به نهر کربلا متصل خواهد شد.^{۲۹۶}

در حدیث دیگری نقل شده که امام مهدی (علیه السلام) راه ها را وسیع می کند، آب های ناودان ها و فاضلاب ها را که به راه های عمومی می ریزد، قطع می کند و چیزهایی را که موجب راه بندان می شوند، رفع می کند. خلاصه، امور شهری را سامان خواهد داد.^{۲۹۷}

۷. تکامل علمی و عقلی مردم

امام مهدی (عج) با نهضت خود، درهای رحمت را باز می کند و موجب تکامل علوم و صنایع خواهد شد و علوم، چنان رشد و گسترش خواهد یافت که همه شگفت زده خواهند شد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

علم، بیست و هفت حرف است. تمام آن چه انبیا آورده اند، دو حرف است و مردم، تا امروز، بیش از آن دو حرف نمی شناسند. هنگامی که قائم ما (علیه السلام) قیام کند، بیست و پنج حرف را می آورد و بین مردم توسعه خواهد داد و به دو حرف قبلی اضافه خواهد کرد تا بیست و هفت حرف کامل شود.^{۲۹۸}

این حدیث، نشانه‌ی سرعت و شتاب زدگی و گسترش و توسعه‌ی علوم در میان مردم است که به دست امام مهدی (عج) صورت خواهد گرفت، به گونه ای که در مدت حکومت آن حضرت، مردم،

۲۹۴. همان، ص ۳۲۲.

۲۹۵. همان، ص ۱۹۱.

۲۹۶. همان، ص ۳۳۷.

۲۹۷. همان، ص ۳۳۹.

۲۹۸. همان، ص ۳۳۶.

بیش از ده برابر آن چه را از زمان خلقت تا زمان قیام آن حضرت از علم به دست آورده بودند، به دست خواهند آورد.

در روایت دیگری امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر روی سر بندگان خواهد گذاشت و بدین وسیله، عقل های آنان جمع می شود و اخلاقتشان کامل می شود.^{۲۹۹}

از مجموع احادیث، استنباط می شود که در دوره ی حکومت امام مهدی (عج) تمام ایده آل ها و آرزوهای به حقی که انسان ممکن است بر آن ها دست بیازد، تحقق خواهد یافت و از نظر علمی، اخلاقی، اقتصادی، امنیتی، ... به کمال مطلوب خود، خواهد رسید.

س: آیا امام مهدی (عج) با اجبار، اسلام را در جهان پیاده می کنند؟

ج: از روایات، چنین استفاده می شود که امام مهدی (عج) ابتدا، مردم را به سوی حق دعوت می کند و قبل از آغاز هر جنگی، به معرفی دین حق برای دشمنان می پردازد و فرصت انتخاب میان حق و باطل را به آنان می دهد و تنها بعد از اتمام حجّت بر دشمنان، از قدرت شمشیر استفاده می کند. پس چون آن حضرت، ابتدا، اتمام حجّت می کند و آنان با این که به حق واقف می شوند و از آن اطلاع پیدا می کنند، از آن روی گردان می شوند، نمی توان گفت، آن حضرت، اسلام را با اجبار پیاده می کند، بلکه باید گفت، هر کس که اسلام را قبول می کند، از روی رغبت و اختیار است و هر کس آن را قبول نمی کند، باز با آگاهی و اختیار است، لکن بعد از این سوء اختیار، از سوی لشکریان امام نابود می شود تا در جهان فتنه ای نماند.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

حضرت مهدی (عج) به سوی کوفه رهسپار می شود. در آن جا، شانزده هزار نفر مجهّز به سلاح در برابر حضرت می ایستند. آنان، قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی هایشان از عبادت زیاد، پینه بسته، چهره هایشان در اثر شب زنده داری، زرد شده، اما نفاق، سرپایشان را پوشانده است. آنان يك صدا فریاد بر می آورند: «ای فرزند فاطمه! از همان راهی که آمده ای، باز گرد. زیرا، به تو نیازی نداریم.» حضرت مهدی، در پشت شهر نجف، پس از ظهر روز دوشنبه تا شام گاه، بر آنان شمشیر می کشد و همه را از دم تیغ می گذراند و در این نبرد، از یاران حضرت، حتّی يك نفر زخمی نمی شود.^{۳۰۰}

۲۹۹. همان.

۳۰۰. همان.

طبق این حدیث، افرادی که در مقابل حضرت مهدی(علیه السلام) می ایستند، می دانند که او مهدی و فرزند فاطمه (س) است، ولی از قبول دین حق سر بر می تابند و بدین ترتیب، آگاهانه، با آن حضرت مخالفت می کنند و حضرت به جنگ با آنان می پردازد و آنان را قلع و قمع می کند.

این جنگ، به این دلیل است که این اشخاص، با این که حق را می شناسند، ولی از آن پیروی نمی کنند و می خواهند مانع از اجرای حق و عدالت در جامعه‌ی انسانی باشند و از آن جا که وجود چنین کسانی، مانع از گسترش عدالت و موجب سلب اختیار و انتخاب دیگر افراد جامعه که می خواهند حق را انتخاب کنند، می شود، پس باید از میان بروند تا ریشه‌ی فساد و موانع شناخت حق از باطل از بین برود.

همان طوری که از احادیث استفاده می شود، عملکرد ایشان، یعنی رفتار قاطعانه و قدرت شمشیر حضرت، می تواند یکی از عواملی باشد که در پیاده کردن اسلام در جهان نقش خواهد داشت، ولی عوامل دیگری مانند آمادگی جهانی، سلاح مدرن، سلاح علم، انتخاب کارگزاران لایق، ... نیز نقش عمده ای خواهد داشت که به اختصار به ذکر هر کدام پرداخته می شود:

الف) برخورد جدی و قدرت مندانه با ستمگران

دیگر، این گونه نخواهد بود که پیامبران و امامان، مردمان را موعظه کنند و بسیاری از مردم گوش فرا ندهند و سرگرم جنایت و فساد باشند، به گونه ای که پیامبران را بکشند و سنت های آنان را محو کنند. امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

ان رسول الله(صلی الله علیه وآله) سار فی اُمتِه بالین، کان یتألف الناس، و القائم یسیر بالقتل... و لا یستتیبُ أحدًا...^{۳۰۱} رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با اُمت خویش به نرمی و محبت رفتار می کرد، ولی مهدی (عج) با کشتن با آنان برخورد می کند... و کسی را به توبه فرا نخواند...

ب) آمادگی جهانی^{۳۰۲}

به طوری که از روایات استفاده می شود، پیروزی امام زمان(علیه السلام) به آمادگی جهان نیز بستگی دارد. وقتی جهان، حالت پذیرش برای حکومت جهانی پیدا کرد و انسان جنگ زده، صلح طلب شد، پیروزی انقلاب حضرت مهدی(علیه السلام) تحقق می پذیرد.

در بعضی از روایات آمده است که پیدایش این آمادگی جهانی، بر اثر يك جنگ وحشت ناك است که انسان جنگ زده، به دنبال آب حیات صلح و آرامش می رود. امام صادق(علیه السلام) فرموده است:

حکومت جهانی و رهبری واحد، تحقق پیدا نمی کند، مگر روزی که در يك جنگ ویران کننده، دو سوم بشر نابود شوند.^{۳۰۳}

۳۰۱. محمود بجنستانی، چهل حدیث سیره مهدوی، ص ۳۷.

۳۰۲. شماره های ب و ج و د، از کتاب ایندولوژی و عقاید اسلامی، تألیف محمد دشتی، ص ۲۲۸ - ۲۳۰، اخذ شده است.

۳۰۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷، ح ۴۴.

ج) سلاح برتر و مدرن

در بعضی از روایات آمده است: حضرت مهدی(علیه السلام) از سلاح برتر بهره مند است که جهان تسلیم خواهد شد. سلاح ایمان و آلات مدرن جنگی، نقش عظیمی دارد.^{۳۰۴}

د) سلاح علم و دانش

در بسیاری از احادیث، به این واقعیت اشاره می شود که امام زمان(علیه السلام) با قدرت علمی، مغزها را متوجه خود می کند و جهان علم به او ایمان می آوردند. امام صادق(علیه السلام) فرموده است: تا زمان انقلاب حضرت مهدی(علیه السلام)، علم و دانش تا چهار کلمه ترقی می کند، اما در عصر مهدی(علیه السلام) به اندازهی هفتاد و چهار کلمه ترقی خواهد کرد. این، یکی از اسباب پیروزی است.^{۳۰۵}

هـ) کارگزاران و وزیران لایق

اداره‌ی سرزمین‌ها، در سایه‌ی رهبری الهی و کارگزاران لایق و دل‌سوز و حاکمیت اسلام، امکان پذیر است. امام عصر(علیه السلام) برای اداره‌ی جهان، استانداران و وزیرانی می گمارد که جز به مصالح اسلام و رضایت خدا به چیزی نمی اندیشند. طبیعی است کشوری که کارگزارانش از چنین خصوصیت برجسته‌ای برخوردار باشند، بر تمام دشواری‌ها، پیروز می شود، به گونه‌ای که زندگان، آرزوی زندگی دوباره‌ی مردگان را می نمایند.^{۳۰۶}

کیفیت ترکیب دولت حضرت مهدی(علیه السلام)

در روایات، ترکیب دولت مهدی(علیه السلام) از پیامبران و جانشینان آنان و تقوای پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر بیان شده است. نام برخی از آنان بدین گونه است:

حضرت عیسی(علیه السلام); هفت نفر از اصحاب کهف; یوشع وصی موسی(علیه السلام); مؤمن آل فرعون; سلمان فارسی; ابودجانه انصاری; مالک اشتر نخعی; قبیله‌ی همدان و... و عیسی(علیه السلام) به حضرت مهدی(علیه السلام) می گوید: «من، به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام، نه امیر و فرمانروا».^{۳۰۷}

س: آیا امام مهدی (عج) برای گسترش عدالت و افراشتن پرچم اسلام، از امدادهای غیبی استفاده می کند؟

۳۰۴. همان، ص ۳۲۱ - ۳۲۷.

۳۰۵. همان، ج ۴۲، ص ۳۲۷.

۳۰۶. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۲۹۴.

۳۰۷. نجم الدین طبسی، چشم اندازی از حکومت مهدی، ص ۱۹۰.

ج: در گفتار پیشوایان معصوم (علیهم السلام) جنگ های پس از ظهور مهدی (عج) و فتوحات، به قدرت فردی و انسانی و نیروهای نسبت داده شده است که از سراسر جهان به یاری حضرت می شتابند، ولی پیروز شدن بر تمام جهان با توجه به پیشرفت علم و صنایع جنگی قبل از ظهور، کاری است بس دشوار که علاوه بر قدرت فردی و زمینه های اجتماعی عصر قیام، به امدادهای غیبی و الهی نیز نیازمند است.

در این جا، مناسب است که نقش عوامل پیروزی انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (عج) را با استفاده از احادیث و روایات، به طور اختصار مورد بررسی قرار دهیم:

الف) قدرت فردی و انسانی؛ ریان پسر صلت می گوید:

به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: «آیا شما صاحب این امر هستید؟». فرمود: «من، امام و صاحب امر هستم، ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می کند، آن گاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چه گونه می توانم صاحب آن امر باشم در حالی که ناتوانی جسمی مرا می بینی؟ حضرت قائم، کسی است که وقتی ظهور می کند، در سنّ پیران است، ولی به نظر جوان می آید. او، اندامی قوی و تتومند دارد، به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه ها فریاد برآورد، صخره ها می شکند و از جا کنده می شود...»^{۳۰۸}

در روایات دیگر نیز داریم که با گفتن تکبیر مهدی (عج) و لشکریانش، دیوارهای شهر به لرزه در می آید و فرو می ریزد. در هنگام قیام حضرت قائم (عج) دل های شیعیان آن حضرت، چنان پاره هایی از پولاد می شوند که قدرت هر مرد از آنان، در روایات، به اندازه ی قدرت چهل مرد بیان شده است. بنابراین، قدرت فردی، در انقلاب مهدی (عج) بی اثر نخواهد بود.

ب) نقش نیروهای مردمی در انقلاب جهانی حضرت مهدی؛^{۳۰۹} در احادیث آمده است که حضرت مهدی (عج) به هنگام ظهورش، از مردم کمک و یاری می طلبد و این، بدان سبب است که هم مردم را به راه سعادت و حق ببرد و هم قیام جهانی خویش را تا جایی که ممکن است، با دست و توان خود مردم به ثمر برساند.

در احادیث می خوانیم:

مهدی (عج) از مردم یاری می طلبد. یکی از یاران خود را می خواهد. به او می فرماید: به نزد مردم مکه برو و بگو ای مکّیان! من فرستاده ی مهدی ام. مهدی می گوید: «ما، خاندان رحمتیم؛ ما، مرکز رسالت و خلافتیم... مردمان به ما ستم کردند... حق ما را از ما ستانندند. اکنون من از شما یاری می طلبم به یاری من بشتابید.»^{۳۱۰}

۳۰۸. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۳۰۹. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۹۰ - ۲۹۵.

۳۱۰. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

یا ایها الناس! إنا نستنصر الله و من أجابنا من الناس؛^{۳۱۱} ای مردمان! ما، از خدا یاری می طلبیم و از هر کسی از مردم که دعوت ما را بپذیرد و در صف یاران ما در آید....
إنا نستنصر الله اليوم و كل سلیم؛^{۳۱۲} ما، امروز، از خدا یاری می طلبیم و از هر مسلمانی که در جهان هست.

باز در حدیث می خوانیم:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند، شیعیان را از همه‌ی شهرها نزد او گرد می آورد.^{۳۱۳}
از امام باقر (علیه السلام) نیز روایت شده است که بانوان نیز در این قیام بزرگ مشارکت دارند.
آن حضرت فرمود: «سیصد و سیزده تن نزد او آیند که با آنان پنجاه زن نیز هست. این جماعت، در مکه گرد آیند».^{۳۱۴}

این ها، نخستین گروه از یاران مهدی است. سپس دسته دسته مردمانی که جزء یاران او خواهند بود، از زن و مرد، به آنان خواهند پیوست.
بنابراین، در پیروزی انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) نیروهای مردمی و قدرت فردی و انسانی، نقش عمده ای خواهند داشت.

ج) امدادهای غیبی در انقلاب جهانی مهدی (عج)؛^{۳۱۵} نقش امدادهای غیبی در پیروزی حکومت جهانی مهدی (عج) قابل توجه است. حضرت، با انجام دادن معجزاتی، مشکلات را از سر راه برمی دارد و با رعب و ترسی که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند و با ملائکه ای که به یاری آن حضرت می فرستد، موجبات پیروزی آن حضرت فراهم می شود. در برخی از روایات نیز از نیروهایی سخن گفته شده که دارای خصوصیات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرتند تا او را یاری کنند و از تابوت حضرت موسی (علیه السلام)... نیز به عنوان وسیله ای دیگر برای نصرت و یاری حضرت مهدی (عج) نام برده شده است:

۱. رعب و ترس؛ امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

قائم ما اهل بیت، با ترس و رعب یاری می شود.^{۳۱۶}

هم چنین می فرماید:

خداوند، حضرت قائم (عج) را به سه لشکر یاری می دهد: فرشتگان؛ مومنان؛ رعب.^{۳۱۷}

۳۱۱. همان، ص ۲۳۸.

۳۱۲. همان، ص ۲۲۳.

۳۱۳. همان، ص ۲۹۱، ح ۳۷.

۳۱۴. همان، ص ۲۲۳.

۳۱۵. نجم الدین طیبی، چشم اندازی از حکومت مهدی، فصل پنجم.

۳۱۶. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵، و ج ۱۴، ص ۳۵۴.

۳۱۷. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

از این روایات و احادیث دیگر نیز استفاده می شود که دشمن، از حرکت لشکریان حضرت مهدی (عج) چنان وحشت زده می شود که وقتی لشکریان حضرت می خواهد از جای حرکت کند، کسی جرأت شورش علیه آن ها را ندارد.

۲. **فرشتگان و جنیان**; حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «خداوند، حضرت مهدی (عج) را با فرشتگان و جن و شیعیان مخلص، یاری می کند».^{۳۱۸}

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر (صلی الله علیه وآله) یاری دادند، هنوز به آسمان بازنگشته اند تا این که حضرت صاحب الامر را یاری رسانند. تعدادشان، پنج هزار فرشته است».^{۳۱۹}

۳. **فرشتگان زمین**; محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره ی میراث علم و اندازه ی آن پرسیدم: حضرت پاسخ داد:

خداوند، در شرق و غرب عالم، دو شهر دارد که در آن گروهی سکونت دارند و هر چند وقت یک بار با آنان دیدار می کنم و آنان از ظهور قائم می پرسند. گروهی از آنان، از روزی که به انتظار قائم (عج) بوده اند، سلاح خود را به زمین نمی گذارند. آنان، از خداوند می خواهند که حضرت را به آنان بنمایاند. در هنگامی که امام مهدی قیام می کند، آنان، همراه او می باشند... اجتماع آنان، متشکل از پیرو جوان است. این گروه، از اندیشه و دستورهای امام آگاه هستند و آن را اجرا می کنند. حضرت، این سپاهیان را به جنگ هند، دیلم، روم، بربر، فارس، جابرسا، جابلقا — که دو شهر در شرق و غرب است — می فرستد. تمام پیروان ادیان را به اسلام، یکتاپرستی و ولایت ائمه (علیهم السلام) دعوت می کنند که در صورت اجابت، مردم رهایی می یابند و اگر تخلف کردند، به قتل می رسانند که در تمام شرق و غرب عالم، همگان، ایمان می آوردند.^{۳۲۰}

۴. **تابوت موسی**; هنگام ظهور ولی عصر (عج) حضرت عیسی (علیه السلام) فرود می آید و کتاب ها را از انطاکیه گردآوری می کند. خداوند بر روی او از چهره ی «ارم ذات العماد» پرده برمی دارد و کاخی را که حضرت سلیمان پیش از مرگش ساخت، آشکار می سازد و حضرت دارایی های کاخ را گرد می آورد و آن را میان مسلمانان تقسیم می کند و تابوتی را که خداوند به «ادبیا» دستور انداختن آن را در دریای طبرستان داده بود، خارج می سازد. در آن تابوت، آن چه را که خاندان موسی و هارون به یادگار گذاشته اند، فرود می آید... آن گاه به کمک آن تابوت، شهرها را می گشاید. همان گونه که پیش از او نیز چنین کردند.^{۳۲۱}

۳۱۸. دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۲۶۸.

۳۱۹. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۴۸.

۳۲۰. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۴۱ و ج ۵۴، ص ۳۳۴.

۳۲۱. سید هاشم بحرانی، غایة المرام، ص ۶۹۷؛ الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۱۳۶.

س: امام مهدی (عج) در زمان ظهور با چه نوع سلاحی می جنگد؟

ج: در ابتدا، این نکته باید روشن شود که امام زمان (علیه السلام) مانند پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) برای هدایت و راهنمایی مردم، نخست، دعوت عمومی می کند و در آغاز ظهورش، مردم را از پیام خود آگاه و اتمام حجّت می کند. در این میان، عدّه ای دعوتش را می پذیرند و راه سعادت پیش می گیرند و عدّه ای به مخالفت برمی خیزند که امام مهدی (علیه السلام) در برابر اینان قیام مسلحانه می کند. امام جواد (علیه السلام) فرموده است:

وقتی سیصد و سیزده نفر یاران خاص حضرت قائم (عج) به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت، دعوتش را به جهانیان آشکار می سازد و وقتی که این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خدا، قیام مسلحانه می کند و خروج می کند.^{۳۲۲}

برنامه‌ی قیام حضرت مهدی (عج) همانند برنامه‌ی قیام پیامبران الهی خواهد بود؛ یعنی، بر اساس اسباب و وسائل عادی و طبیعی، برنامه‌های خود را اجرا می کند؛ معجزات، جنبه‌ی استثنایی دارند و در موارد نادر از آن استفاده می کند.

این که در بعضی از روایات، از واژه‌ی «شمشیر» استفاده شده، باید گفت، ظاهراً، مقصود از خروج با شمشیر، مأموریت به جهاد و توسل به اسلحه برای اعلا‌ی کلمه‌ی حق است و با هیچ يك از کفار به مصالحه نمی نشیند؛ زیرا، «شمشیر»، همیشه، کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست؛ همان گونه که «قلم»، کنایه از علم و فرهنگ است و نیز از قدیم معروف بوده که کشور، با دو چیز اداره می شود: قلم و شمشیر.^{۳۲۳}

منظور از «قیام با شمشیر»، همان اتکای به قدرت است تا مردم نپندارند که این مصلح بزرگ، فقط به شکل يك معلم یا يك واعظ، عمل می کند، بلکه او، يك رهبر مقتدر الهی است که امان را از ستمگران و منافقان می گیرد.

بنابراین، اجرای حکومت حق و عدالت در سطح جهانی نیز باید با استفاده از وسائل مادی و معنوی لازم، به جز در موارد استثنایی، تحقق پذیرد.

به تعبیر دیگر، آن حضرت و یارانش، با هر اسلحه‌ای که لازم باشد، در مقابل کفار و ستمگران می ایستند و از هر گونه اسلحه‌ای که در آن زمان متداول باشد و مورد نیاز، استفاده می کنند.

۳۲۲. رجالی تهرانی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (علیه السلام)، ص ۱۳.

۳۲۳. همان، ص ۲۱۸.

س: چرا عده ای، آن حضرت و دینش را انکار می کنند؟

ج: از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است که قائم(علیه السلام) قیام می کند با امر جدید و کتاب جدید و قضای جدید و بر عرب سخت می گیرد و با شمشیر عمل می کند و...^{۳۲۴}

حال باید دید مراد از «امر جدید» و «کتاب جدید» چیست. مسلماً، مراد، این نیست که حضرت (عج) کتاب و قرآن جدیدی می آورد، همان گونه که پیامبر خاتم(صلی الله علیه وآله) کتاب تازه ای به بشریت عرضه کرد؛ چون، این معنا، با خاتمیت دین محمد(صلی الله علیه وآله) و این که قرآن آخرین و کامل ترین کتاب الهی است، سازگاری ندارد، بلکه مراد، این است که تبیین جدید و تفسیر تازه از دین و قرآن ارائه می دهد که طبعاً با تفسیرهای موجود که با عقل های بشری و غیر معصوم ارائه شده، فرق خواهد داشت و پیرایه هایی که بر دین و احکام بسته اند، زوده خواهد شد. لذا ممکن است این تفسیر جدید، با خواسته ها و امیال بعضی، سازگاری نداشته باشد و باعث مخالفت آنان با حضرت حجت(علیه السلام) شود و عده ای با تمسک به این مطلب، به انکار آن حضرت بپردازند.

به عبارت دیگر، همان عواملی که باعث می شد تا مردم جاهلی، نبوت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) را انکار کنند، باعث انکار حضرت مهدی(علیه السلام) نیز خواهند شد. از امام باقر(علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

او، آن چه را پیش از او بوده است، در هم می ریزد، آن گونه که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) امور جاهلیت را در هم ریخت. مهدی (عج) اسلام را به گونه ای تازه و جدید می آغازد.^{۳۲۵}

در جای دیگر، حضرت علی(علیه السلام) می فرماید:

(مهدی) شیوهی عدالت را به شما نشان می دهد و احکام از بین رفتهی کتاب و سنت را زنده می سازد.^{۳۲۶}

از این احادیث و احادیث دیگر، معلوم می شود که عواملی مانند مال و مقام پرستی، نفاق، انحرافات عقیدتی، جهل و نادانی، ... که موجب انکار پیامبر اسلام و دین آن حضرت در آغاز بعثت شده بود، باز به هنگام ظهور قائم (عج) موجب انکار آن حضرت و مخالفت با ایشان خواهد شد.

س: امام (عج) با چه زبانی با مردم زمان ظهور صحبت خواهد کرد؟

ج: در پاسخ این سؤال به دو نکته باید توجه کرد:

۳۲۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۳۲۵. نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۲.

۳۲۶. شرح نهج البلاغه، علینقی فیض الاسلام، خطبهی ۱۳۸.

اولاً، امام(علیه السلام) بر اساس علم لدنی، قادر به تکلم با هر زبانی است. مباحثه و محاجّه‌ی امام رضا(علیه السلام) با سران علمای ادیان و مذاهب مختلف، مؤید این مطلب است؛ زیرا، امام رضا(علیه السلام) با جاتلیق به زبان خودش و با هر یزد اکبر به زبان او و با نسناس رومی به زبان خودش و... صحبت کردند^{۳۲۷} و همین مطلب باعث رسوایی مأمون عباسی گردید.

از طرف دیگر، می دانیم که ائمه(علیهم السلام) از نور واحدند و وجود کمالی در یکی از آنان، حکایت از وجود همان کمال در دیگر ائمه است. از این جهت، امام زمان(علیه السلام) که خاتم الأوصیاء و الأولیاء است، قهراً، توانایی سخن گفتن و تکلم به هر زبانی را خواهد داشت. در روایت می فرماید: امام زمان(علیه السلام) بعد از معرفی خود برای مردم، به خواندن کتب آسمانی می پردازد.^{۳۲۸} ثانیاً، امام(علیه السلام) از وسائل و اسباب عادی برای پیشبرد اهداف الهی خویش استفاده خواهند کرد و لذا می توان گفت، اگر چه زبان رسمی امام(علیه السلام) عربی — که همان زبان قرآن است — خواهد بود، اما این زبان، در آن واحد، به وسیله‌ی دستگاه های ترجمه یا مترجمان، به زبان های مختلف مردم دنیا، ترجمه خواهد شد و در نتیجه، همه‌ی اقوام و ملل، مخاطب سخنان امام خواهند بود.

س: بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) چه قدر طول می کشد تا جهان اصلاح شود؟

ج: پیش از ظهور امام مهدی (عج)، تباهی و فساد، در تمامی ابعاد، گسترش یافته است. به همین جهت، آن حضرت، به منظور اصلاح همه‌ی ابعاد زندگی، در گسترده ترین شکل و محتوا، دست به طرح و برنامه ریزی و تدبیر امور می زند و این مسئله، با وسعت جهان و تنوع اقوام و ملل و کثرت مفساد، مسلماً، نیاز به گذشت زمان دارد.^{۳۲۹}

مقدار زیادی از وقت امام(علیه السلام) را تحقق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد، خواهد گرفت و مقدار دیگری هم دوران حکومت آن حضرت خواهد بود.^{۳۳۰}

طبق احادیث معتبر و مختلف، وقتی آن حضرت به دستور خداوند، ظهور می کند، بلافاصله، بعد از ظهور، دست به قیام نمی زند، بلکه منتظر می شود تا سیصد و سیزده نفر از یارانش، از بلاد دور و نزدیک و در طی روزهای متمادی، به دور آن حضرت در مکه جمع شوند و بعد از بیعت آنان با امام، آن حضرت، قیام اصلاحی خود را شروع می کند و بعد از فروپاشی نظام حاکم در مکه، مدتی طول

۳۲۷. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵.

۳۲۸. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹.

۳۲۹. محمد کاظم قزوینی، امام مهدی، ص ۷۳۴.

۳۳۰. مکارم شیرازی، حکومت مهدی (عج)، فصل آخر.

می‌کشد تا نیروی ده هزار نفری از یارانش جمع شوند.^{۳۳۱} و بعد از تکمیل این نیروها، مکه را به قصد مدینه، ترک می‌کند و بعد از رسیدن به مدینه، اقدامات اصلاحی خود را در مدینه شروع می‌کند و بعد به سوی مرکز حکومت خود، عراق و کوفه، حرکت می‌کند.^{۳۳۲} و بعد از اقدامات و گسترش چشم‌گیر کوفه، برای مقابله با بساط «سفیانی» با لشکری شکوه‌مند، وارد فلسطین می‌شود و سرزمین بیت المقدس را از دست ظالمان پس می‌گیرد و صلح و آزادی بر سراسر جهان سایه می‌افکند و بعد از آن مرحله، دوران دوم قیام اصلاحی خود را که همان تشکیل و اداره‌ی حکومت جهانی است، آغاز می‌کند و آرامش جهان را ارمغان می‌آورد.

بدون هیچ شکی، همه‌ی این اقدامات، نیازمند زمان است و با توجه به این که برنامه‌های اصلاحی آن حضرت تا آخر عمر شریفش ادامه خواهد داشت و از آن جا که درباره‌ی عمر شریف آن حضرت، اختلاف وجود دارد، پس در این که چه قدر طول می‌کشد تا جهان کاملاً اصلاح بشود نیز اختلاف هست.

س: در زمان امام عصر (عج) مجتهدان، اجتهاد می‌کنند یا نه؟

ج: ابتدا لازم است مقداری درباره‌ی اجتهاد، توضیح داده شود. اجتهاد، یعنی کوشش عالمانه با روش صحیح، برای درک مقررات اسلام با استفاده از قرآن، روایات، اجماع، عقل اجتهاد و تفقه — به عنوان نیروی محرکه‌ی اسلام — که یکی از دلایل جاوید ماندن اسلام است؛ زیرا از همین راه می‌توان حکم هر موضوعی را از قرآن و روایات استخراج کرد و از قوانین دیگران بی‌نیاز بود.^{۳۳۳}

دلایل عقلی و نقلی برای اثبات اجتهاد در زمان ظهور

دلایل عقلی: نیازهای بشر، دو گونه است: ثابت و متغیر. در سیستم قانون‌گذاری اسلام، برای نیازهای ثابت، قانون ثابت وضع شده و برای نیازهای متغیر، قانون متغیر.^{۳۳۴} آن قسمت از مسائل اخلاقی و شئون اجتماعی و قوانین مدنی و جزایی که از اصول فطری و غرائز ثابت انسانی مایه می‌گیرد و طبعاً در همه‌ی جوامع و اجتماعات يك سان است، قوانین مربوط به آن، در اسلام، ثابت می‌باشد، اما آن سلسله از مقرراتی که مربوط به شرایط خاص زمانی و مکانی و... است و جوامع نسبت به آن با هم تفاوت دارند، برای آن‌ها، در قوانین اسلام، يك سلسله اصول کلی تعیین شده که با

۳۳۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱.

۳۳۲. جمعی از محققین، معجم الاحادیث مهدی (عج)، ج ۵، ص ۲۲.

۳۳۳. جعفر سبحانی، قائمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل، ترجمه‌ی رضا استادی، ص ۱۶۳.

۳۳۴. مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۲، ص ۷۲.

توجه به آن ها، باید جزئیات آن را طبق نیازمندی های اعصار و قرون و جوامع مختلف، به دست فقهای اسلامی تعیین کرد.^{۳۳۵}

در مسیر طبیعی بشر، با توجه به اعصار و جوامع مختلف، نیازمندی های انسان به موارد جدید و تازه، بیش تر می شود و این تغییر و تحول، اختصاص به زمان خاصی ندارد، بلکه به خاطر رشد علم و آگاهی مردم در زمان ظهور امام زمان (عج) این نیازمندی ها، بیش تر می شود و نیاز به اجتهاد را شدت می بخشد؛ هر چند کیفیت و نحوه اجتهاد نیز به دلیل تغییر شرایط عوض خواهد شد و با اجتهاد مصطلح فرق خواهد داشت.

شاید در این جا گفته شود: «امام زمان (عج) تمام مسائل را خودشان پاسخ می دهند و نیاز به اجتهاد مجتهدان نیست.» در پاسخ باید گفت، این چنین نیست که تمام مسائل را خود امام زمان (عج) پاسخ دهند و نیاز به اجتهاد مجتهدان نباشد. زیرا، با گسترش جمعیت و مسائل جدید، به واسطه پیشرفت علم و صنعت و خواست های متفاوت بشری لازم نیست امام زمان (عج) در همه ی منازعات و مرافعات شرکت کند، بلکه مثل سیره ی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) برای هر کشور و شهر و قومی، نماینده خواهد فرستاد تا با علم و استنباط از قرآن و سنت، راه گشای مشکلات دینی و دنیایی مردم باشند.

دلیل نقلی؛ کسانی که با تاریخ فقه اسلامی آشنایی دارند، می دانند که اجتهاد، حتی در زمان خود پیامبر گرامی و سایر پیشوایان دینی نیز بوده است، چه رسد به زمان های بعد. البته باید توجه داشت که اجتهاد در آن زمان با زمان ما فرق بسیار دارد. اجتهاد در آن زمان، بسیار ساده و کم زحمت بوده است؛ زیرا، در آن عصر، قرآنی که می توانست فهم احادیث را آسان کند، فراوان بود، اما هر چه از آن زمان فاصله می گیریم، بر اثر اختلاف نظر و نیز مشکوک بودن حال برخی از راویان، اجتهاد، جنبه ی خفی به خود گرفته و نیاز امت اسلامی به اجتهاد، زیادتیر و دایره ی آن وسیع تر می گردد.^{۳۳۶}

برای این که بدانیم اجتهاد در میان یاران پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) وجود داشته، کافی است از میان روایات، به مفاد دو روایت توجه کنیم:

۱. هنگامی که معاذ بن جبل از طرف رسول گرامی (صلی الله علیه وآله) به یمن می رفت، آن حضرت به او فرمودند: «در مواردی که می خواهی داوری کنی، از چه مدارکی استفاده می کنی؟». گفت: «از آیات». پیامبر فرمود: «اگر درباره ی موردی که می خواهی قضاوت کنی، آیه ای که خصوص حکم آن مورد را بیان کرده باشد، نیافتی، چه می کنی؟». گفت: «از احادیثی که از شما شنیده باشم». پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: اگر حدیثی که خصوص حکم آن مورد را بیان کرده باشد نیافتی چه می کنی؟ گفت: «اجتهاد می کنم». (یعنی از کلیات و قواعدی که از آیات قرآن و روایات شما در

۳۳۵. قائمیت از نظر قرآن و حدیث عقل، ص ۱۶۲.

۳۳۶. همان.

دست دارم، حکم آن مورد مخصوص را استنباط می کنم) رسول خدا (صلی الله علیه وآله) خوش حال شدند و فرمودند: «سپاس خدا را که فرستاده‌ی پیامبر خود را به راهی موفق داشت که آن راه، مورد رضایت پیامبر است».^{۳۳۷}

۲. امام باقر (علیه السلام) به ابان بن تغلب — که یکی از یاران فقیه و دانشمند آن حضرت بوده — فرمود: «ابان! در مسجد مدینه بنشین و فتوا بده. من دوست دارم که افرادی مثل تو، در بین دوستان و شیعیانم باشند».^{۳۳۸}

واضح است که منظور از فتوا، این نیست که فقط به نقل روایت اکتفا شود، بلکه مقصود این است که در هر مورد که آیه یا روایت در خصوص آن مورد وارد شده است، طبق آن آیه یا روایت، فتوا داده شود و در مواردی که آیه یا روایت در خصوص آن ها وارد نشده است، از آیات و روایات کلی و قواعد عامه ای که از امام (علیه السلام) صادر شده است، حکم آن مورد، استنباط و استفاد شود. ائمه (علیهم السلام) فرموده اند: «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع».^{۳۳۹}

کوتاه سخن این که با استفاده از دلائل عقلی و نقلی، چنین استنباط می شود که اجتهاد، نه تنها در زمان ظهور امام زمان (عج) تعطیل نمی شود، بلکه به واسطه‌ی رشد علوم و تعالی مردم و ابداع و اختراعات جدید، نیاز به تطبیق فروع بر اصول، بیش تر می شود و جایگاه اجتهاد، نمود خاصی به خود می گیرد و طبیعی است که اجتهاد در آن زمان با اجتهاد مصطلح امروزی تفاوت هایی خواهد داشت.

احوال یاران امام مهدی (عج)

س: آیا امام مهدی (عج) یاران خود را هم اکنون برگزیده یا به هنگام ظهور بر خواهد گزید؟

ج: گزینش و انتخاب اصحاب از سوی آن حضرت، امری اعتباری و قراردادی نیست تا سؤال شود که آیا هم اکنون برگزیده شده اند یا بعداً برگزیده خواهند شد، بلکه این مسئله، بر اساس آن چه از روایات اسلامی استفاده می شود، به دو گونه است. به تعبیر واضح تر، اصحاب امام زمان (عج) دو دسته اند:

۳۳۷. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۲۱، قسم دوم.

۳۳۸. الأصول الأصلیه، ص ۵۴.

۳۳۹. شیخ صدوق، سرائر، ص ۴۶۹.

دسته‌ی نخست، افرادی هستند که قبل از ظهور ایشان، زندگی می‌کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند و هنگام ظهور حضرتش، به اذن الهی، زنده می‌شوند و رجعت خواهند کرد. به عنوان نمونه، می‌توان از سلمان فارسی و ابودجانہ انصاری و مقداد و مالک اشتر نخعی نام برد.^{۳۴۰}

دسته‌ی دوم، افرادی هستند که در زمان ظهور زندگی می‌کنند و در کوران حوادث، آبدیده می‌شوند و امتحان خود را پس می‌دهند و مراحل کمال را طی می‌کنند و شایستگی لازم را برای یاری آن حضرت در خود ایجاد می‌کنند. در روایات اسلامی، نام بعضی از افراد و سرزمین‌هایی که این افراد از آن جا به یاری امام زمان (عج) برخوانند خواست، ذکر شده است. از کشور ایران، نام شهرهایی مانند قم، خراسان، طالقان، شهر ری، در روایات ذکر شده است. نیز نقل شده است که از شیراز، سه نفر به نام حفصل و یعقوب و علی، و از اصفهان، چهار نفر به نام موسی و علی و عبدالله و غلفان، به یاری حضرتش برمی‌خیزند.^{۳۴۱}

البته، ذکر نام افراد یا سرزمین‌هایی که محل تولد و زندگی برخی یاران آن حضرت است، مربوط به علم ازلی خداوند متعال است که از لسان معصومان (علیهم السلام) بیان شده است. این موضوع، منافاتی با اختیار و انتخاب آن افراد در کسب کمالات که به سبب آن، شایستگی حضور در رکاب آن حضرت را پیدا می‌کنند، ندارد. در حقیقت، این نوع علم، مانند سایر موارد علم ازلی خداوند متعال در مورد همه‌ی حوادث و پیشامدها، از ازل تا ابد خواهد بود.

س: کتاب محیی الدین عربی در مورد امام مهدی (عج) چقدر قابل استناد است؟

ج: ذکر این مطلب مفید است که برای مطالعه درباره‌ی امام زمان (عج) و عصر ظهور، احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و کتاب‌های فراوان و معتبری از علما و بزرگان شیعه، در مورد احوالات امام زمان «عج» و عصر ظهور موجود است و به نظر می‌رسد برای کسی که اهل مطالعه و تتبع در مسائل دینی است، همین مقدار کفایت می‌کند. در مورد شخصیت محیی الدین و دیدگاه وی، خصوصاً درباره‌ی شیعه و امامت، میان صاحب نظران و محققان، اختلاف نظر وجود دارد.^{۳۴۲} برخی، وی را شیعه دانسته‌اند و کلماتی را که برخلاف مذهب شیعه از ایشان نقل شده، حمل بر تقیه کرده‌اند و برخی دیگر، وی را سنی متعصبی می‌دانند که با شیعه، به شدت، مخالف بوده است. هر دو دسته، به قرائن و شواهدی استناد می‌کنند، لذا نمی‌توان در شناخت معتقدات صحیح و مطابق با مذهب شیعه،

۳۴۰. نجم الدین طبری، چشم اندازی از حکومت مهدی (عج)، ص ۱۰۱ - ۱۲۷.

۳۴۱. همان.

۳۴۲. برای آگاهی بیش تر ر.ک: روح مجرد، (یادنامه‌ی حاج سیدهاشم موسوی حداد)، ص ۳۱۳-۳۷۲.

تمام سخنان ایشان را مورد استناد قرار داد، اما به هر حال، ایشان، در کتاب فتوحات مکیه^{۳۴۳}، درباره‌ی امام زمان (عج) سخنانی دارد که طبق اعتقادات شیعه است. مثلاً می‌گوید:

بدانید که باید مهدی موعود اسلام ظهور کند تا دنیا را پر از عدل و داد کند، از آن پس که پر از ظلم و ستم شده باشد. اگر يك روز از عمر دنیا نمانده باشد، خداوند، آن روز را چندان طولانی کند تا آن خلیفه بیاید. او، از عترت پیامبر اسلام و از فرزندان فاطمه است. جدش، حسین بن علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و پدرش امام حسن عسکری (علیه السلام) پسر امام علی النقی (علیه السلام) و نامش نام پیامبر است. مسلمانان، هنگام ظهورش، در بین رکن و مقام، با وی بیعت خواهند کرد. بنابراین، آن چه را در این کتاب با قرآن و روایات و اعتقادات مذهبی شیعه مطابقت دارد، می‌پذیریم و مطالبی که با قرآن و روایات و عقاید حقّه‌ی شیعه مخالفت داشته باشد، مردود می‌شماریم.

پرسش های متفرقه

س: در قرآن آمده که در آخرالزمان، حضرت عیسی (علیه السلام) ظهور خواهد کرد و همه باید از او پیروی کنند. آیا مسلمانان نیز باید از او پیروی کنند؟

ج: در قرآن به این که حضرت عیسی (علیه السلام) در آخرالزمان نزول می‌کند، صریحاً اشاره نشده است. در قرآن آمده است: (وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ)؛^{۳۴۴} و او، سبب آگاهی به روز قیامت است (نزول عیسی، گواه نزدیکی روز رستاخیز است) هرگز، در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

این آیه، به آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) در آخرالزمان، تعبیر و تفسیر شده است، لکن روایات زیادی داریم که دلالت دارند بر این که هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)، حضرت عیسی (علیه السلام) در پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند و برای نصرت او تلاش خواهد کرد. جابر بن عبدالله می‌گوید: از پیامبر (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می‌فرمود: حضرت عیسی، نازل می‌شود و امیر مسلمانان (منظور از امیر، حضرت مهدی (عج) است) می‌گوید: «بیا با تو نماز بگذاریم». می‌گوید: نه؛ بعضی از شما، امام و امیر بعضی دیگرید و این، احترامی است که خدا به این امت گذاشته است.^{۳۴۵}

۳۴۳. محیی الدین عربی، فتوحات مکیه، باب ۳۶۶، ص ۳۲۷.

۳۴۴. زخرف: ۶۱.

۳۴۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۹۱.

باز از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود: «از ذریه‌ی من، مهدی (عج) وقتی قیام کند، حضرت عیسی برای نصرت او می آید و در پشت سر او نماز می خواند».^{۳۴۶}

با توجه به این که در آن زمان، حجّت خداوند در میان مخلوقات عالم، حضرت مهدی (عج) است، بر همه واجب است که از او پیروی کنند، نه از کس دیگر. شاهد بر این، بیانی است که مرحوم طبرسی در تفسیر **مجمع البیان** فرموده اند. «حضرت عیسی (علیه السلام) در وقت خروج حضرت مهدی (عج) نزول می کند و در این زمان، همه‌ی ملل، ملت واحدی که همان ملت اسلام حنیف و دین ابراهیم است، می گردند.»^{۳۴۷}

بنابراین، تفاوتی میان دعوت این دو بزرگوار نیست. علاوه بر آن که امامت و رهبری امت، بر عهده حضرت مهدی (عج) است و حضرت عیسی (علیه السلام) با آن حضرت، همراه و همگام خواهد بود و برای برپایی حکومت دینی، به دعوت و ارشاد مردم می پردازند.

س: آیا در روایات آمده که موقع سلام به امام زمان (عج) سر را تا اندازه‌ی رکوع یا کم تر، خم کنند؟

ج: از بعضی از روایات، استفاده می شود که هر گاه اسم مبارک امام زمان (عج) مخصوصاً لفظ «قائم» ذکر شود، باید احترام و تعظیمی انجام بگیرد. این که پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ، می ایستند، عمل مستحبی است و ریشه‌ی مذهبی و روایتی دارد. این کار، حتی در زمان امام صادق (علیه السلام) نیز معمول بوده است. وقتی از امام صادق (علیه السلام) علت قیام را پرسیدند، در جواب فرمود:

صاحب الأمر (عج) غیبتی دارد بسیار طولانی و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هر کس وی را با لقب «قائم»، یاد کند، آن جناب هم نظر لطفی به او خواهد کرد؛ چون، در این حال، مورد توجه امام واقع می شود. سزاوار است از باب احترام، به پاخیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد.^{۳۴۸}

بنابراین، اظهار ادب، شعار مذهبی است، اگر چه واجب نیست؛ هم چنین نقل شده است که در خراسان، در حضور امام رضا (علیه السلام) دعبل خزاعی (شاعر اهل بیت) وقتی که قصیده‌ی معروف خود (قصیده تائیه) را برای حضرت سرود و به این قسمت از شعر رسید:

خروج إمام لامحالة خارج *** يقوم على اسم الله بالبركات^{۳۴۹}

۳۴۶. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹.

۳۴۷. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۳۶.

۳۴۸. علی یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳۴۹. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۵۳.

امام رضا(علیه السلام) بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد، سپس کف دست راست خود را بر سر گذاشت و فرمود:

اللهم عَجَلْ فَرَجَهُ و سَهِّلْ مَخْرَجَهُ و انصرنا به نصراً عزیزاً؛^{۳۰} خداوندا! در ظهورش شتاب کن و

راه ظهورش را آسان گردان و ما را به وسیله‌ی او، نصرتی عزیز فرما.

با توجه به این روایت و این که سیره‌ی اهل بیت(علیهم السلام) نیز مانند گفتار آنان، قابل تبعیت است، می شود استفاده کرد که این عمل، يك نوع عمل مستحبی است.

س: زندگی امام مهدی (عج) چه گونه به پایان می رسد؟

ج: سرانجام زندگی امام عصر (عج) به لحاظ عقلی، از دو حالت خارج نیست: یا به مرگ طبیعی از دنیا رحلت می فرمایند یا به صورت غیر طبیعی، نظیر مسمومیت و شهادت و؛ برای هر دو صورت نیز روایاتی نقل شده است.

از جمله روایاتی که به مرگ طبیعی حضرت مهدی(علیه السلام) دلالت دارد، تفسیری است که امام صادق(علیه السلام) در رابطه با آیه‌ی شریفه‌ی (ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ)^{۳۰۱} بیان فرموده اند. ایشان می فرماید: «مقصود، زنده شدن دوباره‌ی امام حسین(علیه السلام) و هفتاد و دو نفر از اصحابش در عصر امام عصر (عج) است، در حالی که کلاخودهای طلایی بر سر دارند و به مردم رجعت و زنده شدن دوباره‌ی امام حسین(علیه السلام) را اطلاع می دهند تا مؤمنان به شك و شبهه نیفتند و این، در حالی است که حضرت مهدی(علیه السلام) در میان مردم است. هنگامی که همه‌ی مؤمنان امام حسین(علیه السلام) را شناختند و تأکید کردند که او امام حسین(علیه السلام) است، مرگ حضرت مهدی(علیه السلام) فرا خواهد رسید و دیده از جهان فرو خواهد بست. آن گاه امام حسین(علیه السلام)وی را غسل و کفن و حنوط می کند و به خاک می سپارد».^{۳۰۲}

برخی روایات درباره‌ی کیفیت شهادت آن حضرت چنین نقل کرده اند:

هنگامی که سال هفتاد به پایان آید و مرگ حضرت فرا رسد، زنی به نام سعیده، از طایفه‌ی بنی تمیم، ایشان را به شهادت می رساند. ویژگی آن زن، این است که مانند مردها، محاسن دارد. او، از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می کند و آن حضرت را به شهادت می رساند.^{۳۰۳}

۳۰۰. همان.

۳۰۱. اسراء: ۶.

۳۰۲. ابونصر سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱. هم چنین ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۸، ح ۶۱.

۳۰۳. سید محمد صدر، تاریخ بعد از ظهور، ص ۸۸۱.

س: چند کتاب در مورد کرامات، نحوه‌ی ظهور، چگونگی حکومت و ... امام مهدی (عج) معرفی کنید؟
ج: در این زمینه، کتاب‌های متعدّد و مختلفی تألیف شده است. در این قسمت، به معرفی برخی از کتاب‌های فارسی اشاره می‌شود. برای اطلاع از دیگر تألیفات به بخش کتاب نامه مراجعه شود:

۱. مهدی موعود(علیه السلام)، ترجمه‌ی جلد سیزدهم بحارالأنوار، علی دوانی.
۲. حضرت امام حجة بن الحسن المهدی پیشوای دوازدهم(علیه السلام).
۳. عزیز آل یاسین(علیه السلام)، محمد ملك علی آبادی.
۴. مهدی، انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی.
۵. قیام و انقلاب مهدی، مرتضی مطهری.
۶. جلوه‌های پنهانی امام عصر، حسین علی پور.
۷. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی.
۸. مهدی منتظر در نهج البلاغه، مهدی فقیه ایمانی.
۹. ترجمه‌ی الغدیر، ج ۱۳، زین العابدین قربانی.
۱۰. شیفتگان حضرت مهدی، احمد قاضی زاهدی گلپایگانی.
۱۱. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه‌ی عباس جلالی.
۱۲. ملاقات با امام عصر (عج)، سید جعفر رفیعی.
۱۳. روزنه‌ای به خورشید، هاشم بحرانی، ترجمه‌ی سیدحسین افتخارزاده.
۱۴. در انتظار خورشید ولایت، عبدالرحمان انصاری.
۱۵. امام زمان و سید بحرالعلوم، سید جعفر رفیعی.
۱۶. بررسی طول عمر و ملاقات با امام زمان (عج) از روایات تا واقعیت، محسن علوی.
۱۷. مجله‌ی تخصصی انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت.